

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران

The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran





The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، سال بیست و یکم، شماره ۷۵ ■ ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سر دبیر: دکتر حسین نمازی

مدیر داخلی: سیدعلی پزشکی

همکاران تحریریه: بهاره برزگر - بردیا برهان مهر

مدیر هنری: مجید میرابزاده

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستان‌های
جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم، دفتر ریاست

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۱ - صندوق پستی: ۵۳۱۸-۱۹۳۹۵

تلفن: ۸۸۶۴۵۵۸۲ - دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸

تارنما: www.ias.ac.ir - رایانامه: info@ias.ac.ir

شماره سامانه پیامک فرهنگستان: ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۲

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»

فهرست

سخن اول

درباره همایش «علم، مرز بی انتها»، رضا داوری اردکانی

۱۱

اخبار و گزارش‌ها

انتصاب دکتر علی اکبر صالحی به سمت معاون پژوهشی و قائم مقام رئیس فرهنگستان علوم

انتصاب دکتر فتح الله مضطرزاده به عنوان دبیر شورای آینده نگری فرهنگستان علوم

جلسات شورای علمی

برگزاری یکصد و بیست و هفتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

انتشار تمبر ملی از مفاخر معاصر ایران

اخبار کوتاه

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت دکتر محمد رضا باطنی

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت جلال ستاری

یاد و نام «دکتر شیخ الاسلامی» در دفتر دانش و دانشگاه زنده خواهد ماند

درگذشت استاد دکتر لطف الله یار محمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم

«حکیمی» جامع علم دین و فلسفه و صاحب فضائل اخلاقی بود

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت دکتر پرویز کردوانی

رونمایی از کتاب کاوش مسائل اساسی ایران

درخواست آیت الله دکتر محقق داماد: ثبت صدمین سال تأسیس حوزه علمیه قم توسط یونسکو

برگزاری نشست سالانه هیئت امنای بنیاد بوعلی سینا

سخنرانی رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در گردهمایی رهبران ادیان درباره مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی

پیام رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در پی فاجعه افغانستان

واکنش گروه مطالعات اسلامی به ادعای پایه گذاری فیزیک کوانتوم توسط محی الدین ابن عربی

دکتر محمد مهدی شیخ جباری در میان سرآمدان علمی کشور

معرفی و تجلیل از ۱۷ استاد نمونه کشور در سال جاری

چهارمین دوره اعطای جایزه جهانی مصطفی (ص) برگزار شد

اعطای جایزه پژوهشی جورج فورستور به دکتر بابک کریمی

سال ۲۰۲۲، سال بین المللی علوم پایه برای توسعه پایدار؛ دکتر سعید اعظم

بررسی طرح آمایش آموزش عالی با تأکید بر آسیب شناسی گروه آموزشی علوم پایه؛ دکتر احمد شعبانی

به سوی یک سازماندهی جدید حوزه علم و فناوری؛ دکتر سید سپهر قاضی نوری

علم و فناوری در سنگاپور؛ دکتر نعمت الله ریاضی

تغییر اقلیم از دیدگاه زمین شناسی زیست محیطی؛ دکتر فرید مر

عرضه های نوین علم زمین شناسی برای جامعه؛ دکتر محسن مؤذن

خشکسالی و لزوم مدیریت تبعات آن؛ دکتر مهدی زارع

باران سنجی در ایران و تحول های نوین؛ دکتر نوذر سامانی

نقش آگروزوم های مترشح از سلول های بنیادی مزانشیمی در تنظیم آنژیوژنز توموری در سرطان پستان؛ دکتر صادق بابا شاه

انتشار کتاب «افسانه حیات»؛ ارجنامه استاد دکتر فتح الله مضطرزاده

انتشار نخستین شماره «نامه علوم پایه»

انتشار ۲ شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران

برگزاری دو وینار «افق های آینده مهندسی برق و کامپیوتر»

برگزاری میزگرد مجازی «تأمین پایدار انرژی الکتریکی، اوج بار ۱۴۰۱ و بعد از آن»

درگذشت رئیس شاخه مهندسی عمران فرهنگستان علوم

گزارش رئوس فعالیت های گروه علوم کشاورزی در شش ماه اول سال

برگزاری وینار «امنیت خاک»

درگذشت رئیس شاخه ماشین های کشاورزی فرهنگستان علوم

نشست علمی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم با عنوان: دامپزشکی و کووید-۱۹

۶۲ طرح های پژوهشی

وضع طرح های پژوهشی فرهنگستان - شش ماهه اول سال ۱۴۰۰

خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته: بررسی راهبردهای اخیر در حوزه های پژوهش و فناوری در علوم زیستی؛ مجری: دکتر حسن ابراهیم زاده

۶۵ معرفی

شورای بین المللی علوم

۶۹ گفتگو

مباحث نظری و عملی چهار دهه اقتصاد کشور در گفتگوی پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی با دکتر حسین نمازی

۸۲ کتاب

گسست تاریخی و شرق شناسی

اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی

ناسیونالیسم، ملت و ملیت

آفاق حقیقت در سپهر شریعت

چاپ دوم کتاب «آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ» با تجدید نظر و اضافات

تجدید چاپ کتاب «فلسفه، سیاست و خشونت»

تندباد حوادث

جستارهایی در فیزیک معاصر

راهنمای جامع تشخیص آزمایشگاهی آلودگی های انگلی حیوانات ایران

عقلانیت، سبک زندگی، علم برای سلامت

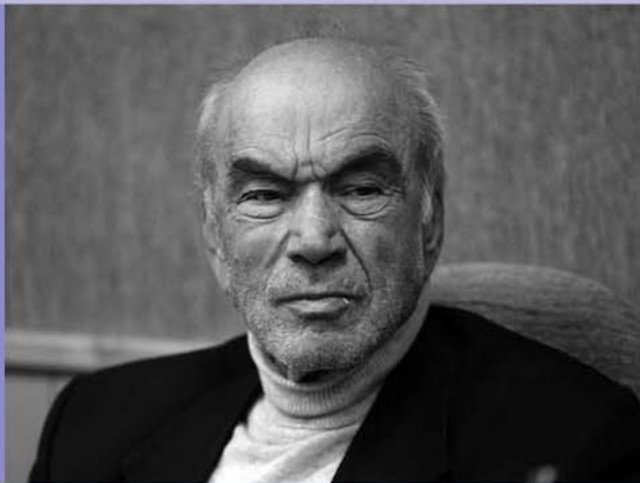
۳-8 سخن اول به انگلیسی

Notes on "Science: the Endless Frontier" 2020 Symposium Report: The Next 75 Years in Science, Prof. Reza Davari Ardakani

9-18 خلاصه اخبار به انگلیسی



سخن اول



درباره همایش «علم، مرز بی انتها»

رضا داوری اردکانی

پیشنهاد کرده بود دستور داد که در برنامه مدارس نیز تجدید نظر کنند. این همایش هفتاد و پنج سال پس از انتشار گزارش بوش و در شرایطی تشکیل شده است که به قول برپاکنندگان همه گیری کرونا، لطمه های نامتناسب و سنگینی را به اقلیت های نژادی و قومی وارد کرده و نوری به نابرابری های ساختاری نژادی و اقتصادی ناخوشایند (بحران نابرابری از نظر عدالت، سلامت، آموزش، آزادی، ثروت، مسکن و غذای با کیفیت و ترقی اجتماعی) تابانده و آنها را در کانون توجه قرار داده است. (علم، مرز بی انتها، گزارش استیو السون، ترجمه آریا متین، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری انجمن فیزیک ایران، ص ۲۹).

آکادمی علوم آمریکا و بنیاد کاولی و بنیاد آلفرد پی اسلوان و بسیاری از شرکت کنندگان در همایش، پیشنهاد بوش را مهم و مؤثر دانسته و به استناد جمله ای از گزارش او مشعر بر اینکه دوره های تغییر بزرگ فرصت های بزرگ پدید می آورند لازم دانسته اند که تغییری در نحوه همکاری دولت و دانشگاه انجام شود اما هیچ پیشنهاد خاصی نداشته

در آوریل سال گذشته میلادی آکادمی ملی علوم آمریکا با همکاری بنیاد کاولی و بنیاد آلفرد پی اسلوان همایشی ترتیب داد تا تصویری از آینده علم در آمریکا و جهان ترسیم کند. در این همایش جمعی از بزرگترین و موفقترین متخصصان سیاستگذاری و مدیریت علم و فناوری شرکت داشتند ولی حتی یک فیلسوف یا جامعه شناس علم در میان آنها نبود و البته از این بابت تعجب نباید کرد. در این باره در جای خود توضیح کوتاهی خواهم داد.

محور بحث همایش گزارشی بود که وانوار بوش رئیس مؤسسه کارنگی واشنگتن و مشاور فرانکلین دی روزولت در سال ۱۹۴۵ نوشته و در آن پیشنهاد کرده بود که رابطه میان دولت فدرال و نظام پژوهش تغییر کند و این نظام از سوی دولت مورد حمایت قرار گیرد چرا که تجربه جنگ این معنی را آشکارتر کرده بود که قدرت کشور بستگی به دانش و پژوهش دارد. اجرای طرح بوش به تحول در علم و صنعت و اقتصاد آمریکا سرعت بیشتر بخشید. در اجرای همین برنامه بود که وقتی فزانورد روس از جوزفین خارج شد کندی که عبور از مرزهای دانش را



سخن اول



راقم این سطور گزارش هفتاد و پنجمین سالگرد انتشار بیانیه علم؛ مرز بی‌انتها را با دو نظر خوانده است. با یک نظر خواسته است بداند که کشوری مثل آمریکا که قدرتش از علم جدا نیست چگونه به علم می‌نگرد و از آن چه توقع‌ها و انتظارات دارد و نظر دیگر اینکه آمریکا چه رویکردی به آینده دارد و آیا با اعتماد به نفس قدم برمی‌دارد یا مردود و نگران آینده است و اگر اعتماد به نفس خود را حفظ کرده است اساس و ضامن و پشتوانه‌اش چیست

و مقدمه دفتر را با این جمله پایان داده‌اند که: اگر به دقت به چگونگی کاربرد درس‌هایی که در گذشته آموخته‌ایم در چالش‌های کنونی و آینده بیندیشیم می‌توانیم جهان قوی‌تر و تاب‌آورتری در سال‌های آتی بسازیم (همان، ص ۳۴).

سخنرانها نیز در سخنان خود از وضع علم و پژوهش در آمریکا گفته و گاهی آن را با علم جهانی قیاس کرده و پیشنهادهایی داشته‌اند مثلاً رافائل رایف رئیس مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) تذکر داده است که: «رقبای جهانی از چین تا اروپا بگونه‌ای سنجیده برنامه‌ریزی کرده‌اند تا از ما پیش بيفتند و ما تا حدود زیادی اجازه دادیم این اتفاق بيفتد چون مصرا نه خواستار واکنشی از سوی دانشگاه‌ها، صنعت و دولت نشده‌ایم» (همان، ص ۵۶). او همچنین پیشنهاد کرده است که «اداره فناوری نوین» در بنیاد ملی علوم با تمرکز بر فناوری‌های خطیر از طریق همکاری با علوم اجتماعی و انسانی به مثابه بخشی جدایی‌ناپذیر از پژوهش... تأسیس شود و نکته مهم سخنش اینکه حمایت از پژوهش هدفمند قطعاً به عهده دولت فدرال است.

آلن لشنر مدیر عامل سابق انجمن پیشرفت علم آمریکا نیز پیشنهادهایی داشته است: «باید نسل جدید را تعلیم دهیم تا چندملیتی‌تر باشد... باید سیستم‌هایی را مستقر کنیم که بتوانند از علم بین‌المللی حمایت کنند». او گفته است که ما به تغییرات فرهنگی نیاز داریم و ایجاد این تغییرات دشوار است زیرا انسان‌ها از تغییر بیزارند. به نظر او تا وقتی فقط به تعداد مقالات در مجلات ساینس، نیچر، سل یا سایر ژورنال‌های منتخب یا تعداد بورس‌هایی (متأسفانه

در نوشته‌های رسمی ما به جای بورس، بورسیه که به معنی شخص استفاده‌کننده از بورس است می‌آید) که محقق گرفته است یا تعداد کل آثار منتشره پاداش می‌دهیم، چیزی تغییر نخواهد کرد».

دیگران هم درباره عمومی‌تر کردن علم و ارتباط دانشمندان و سازمان‌های علمی با مردم و نزدیک کردن علم با مردم و مردم با علم و استفاده از پژوهش برای رفع ظلم و تبعیض و رو کردن به عدالت اجتماعی مطالبی گفته‌اند. این مطالب، چنانکه در مقدمه‌های ترجمه فارسی گزارش آمده است بر این اصل قرار دارد که: سیاست علم باید به جایگاه علم در جامعه و خدمتی که علم می‌تواند به زندگی بکند ناظر باشد. البته مقصود این نیست که پژوهش یکسره کاربردی شود بلکه باید دریافت که نظام علم و جامعه به هم بسته‌اند تا آنجا که می‌توان گفت جامعه و علم در تناسب با یکدیگر رشد و توسعه می‌یابند.

وقتی ما ایرانیان گزارش را می‌خوانیم و وضع علم خود را با روح مطالب آن می‌سنجیم، گفته‌های مدیران علم و پژوهش در آمریکا باید به نظرمان مهم بیاید زیرا آنها غالباً از نسبت علم با جامعه و زندگی و آینده می‌گویند و ما بیشتر در اندیشه بالا بردن تعداد مقالات و جایگاهمان در مسابقه مقاله‌نویسی هستیم. توجه توجه دانشمندانمان به علم و پژوهش هم تنها می‌تواند این باشد که علم امری شریف و والا است. راستی اگر سمیناری در باب گذشته و آینده علم در کشور تشکیل شود دانشمندان و مدیران علم و پژوهش شرکت‌کننده در آن چه‌ها خواهند گفت و چرا چنین سمیناری برگزار نشده است و نمی‌شود. رئیس آکادمی علوم آمریکا گفته است: «اگر تمامی جامعه آمریکا را از نهاد علم به هیجان در نیاوریم نمی‌توانیم در علم سرآمد باشیم» یا «روال گذشته در واقع به درخواست از مردم برای حمایت از بودجه‌هایمان مربوط می‌شد اما اکنون این رابطه بسیار فراگیرتر شده است» (همان، صص ۱۲۴-۱۲۵) و... درست است که مسائل علم در کشور ما نمی‌تواند همان مسائلی باشد که آمریکاییان دارند. آمریکا می‌خواهد مقام جهانی‌ش در علم را حفظ کند ما هم باید به وضع علم در کشور خودمان بیندیشیم. راستی ما در این باب چه می‌اندیشیم و چه داریم که بگوییم؟ شاید دانشمندانمان که متأسفانه کمتر اظهار نظر کرده‌اند نظر‌ها و سخن‌های خوب داشته باشند و به نظر

نمی‌رسد هیچکدامشان با این رأی که علم باید به توسعه مدد کند مخالف باشند اما حاصل کار دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما وقتی توسعه، برنامه ندارد چگونه صرف توسعه شود. تفاوت علم و پژوهش ما با علم در کشورهای توسعه‌یافته اینست که اینها می‌خواهند بدانند که علم چه قدم تازه‌ای می‌تواند و باید بردارد و ما باید ببیندیشیم که چرا علم و زندگی و صنعت و کشاورزی و مدیریت و اقتصاد و سیاست از هم دور و جدا افتاده‌اند و چگونه می‌توان آنها را در یک نظام قرار داد و در این صورت گرچه سیاست مقاله‌پردازی را نمی‌توان به هیچ وجه توجیه کرد اما کار دانشمند هر جا باشد پژوهش است و هم‌اکنون دانشمندان بهترین کاری که می‌توانند بکنند اینست که به پژوهش و نوشتن مقالات علمی مشغول باشند. هرچند که وقتی کشور برنامه هماهنگ توسعه نداشته باشد پژوهش این دانشمندان نمی‌تواند مدد کار اجرای برنامه توسعه شود. پس این گزارش سمینار علم، مرز بی‌انتها را چرا می‌خوانیم و از آن چه بهره‌ای برمی‌داریم؟ به این پرسش پاسخ‌های متفاوت می‌توان داد. کسی ممکن است بگوید که گزارش را خوانده است تا ببیند در علم آمریکا چه می‌گذرد و آمریکاییان درباره گذشته و آینده علم خود چه می‌اندیشند. دیگری شاید آن را می‌خواند که ببیند آیا دانشمندان شرکت‌کننده در همایش توانسته‌اند تصویری «از آینده علم و نحوه تعیین جایگاه نهاد پژوهش برای ارائه بهترین خدمت به کشور و جامعه‌شان در قرن بیست و یکم» (صص ۳۹-۴۰) رسم کنند.

بعضی از تدوین‌کنندگان آیین‌نامه‌های استخدام و ارتقاء اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های ما اگر در همایش آمریکا بودند یا در تهران همایشی تشکیل می‌شد و سخنران‌ها از همبستگی علم و جامعه و زندگی و مردم می‌گفتند شاید افسرده می‌شدند که چگونه در کشوری مثل آمریکا و مخصوصاً در کشور خودمان مدیران دانشگاه‌ها و مؤسسات بزرگ علمی دور هم جمع شده‌اند و از اهمیت مقاله‌شماری و تعداد ارجاع‌ها هیچ نگفته‌اند و یکی هم که به آن اشاره کرده حتی نوشتن مقاله در مجلات ساینس و نیچر و ... را بی‌اهمیت دانسته است. ما لاقلاً از نظر دو دانشمند خودمان که مقدمه‌ای برای دفتر گزارش علم، مرز بی‌انتها نوشته‌اند خبر داریم و کاش سمیناری در باب آینده علم ایران تشکیل می‌شد که از نظرهای دیگران هم آگاه

می‌شدیم. شاید دانشمندان مقاله‌نویس هم می‌آمدند و با صمیمیت می‌گفتند ما برای هر پژوهشی که کشور به آن نیاز داشته باشد آماده‌ایم چنانکه همکار گرامی آقای دکتر شعبانی در مجله علوم پایه فرهنگستان مقاله خواندنی و خوبی در باب شیمی و توسعه نوشته است و این قدم خوبی است (ولی وقتی شیمی در خدمت توسعه نیست باید فکر کرد که چگونه شیمی می‌تواند در خدمت توسعه قرار گیرد) پس دانشمندان را از آن جهت که علم و پژوهششان در راه توسعه صرف نمی‌شود ملامت نباید کرد. آنها دانشمندند نه کارگر توسعه. وقتی تقاضایی نیست دانشمندان حق دارند که بگویند ما کاری که برعهده‌مان بود و می‌توانستیم انجام دهیم، انجام دادیم. ما علم و پژوهش را دوست می‌داریم. پس چرا پژوهش نکنیم و مقاله ننویسیم. کشور باید شئون زندگی جدید را بشناسد و بداند جایگاه هر شأنی کجاست و آن را در جای خود قرار دهد. در این صورت است که نظم و انتظام پدید می‌آید و ثمر کارها بیشتر و بهتر می‌شود. راستی چگونه باید علم را در جایگاه خود قرار داد؟

شاید خواندن این گزارش کوتاه ما را در این راه یاری دهد. یک جامعه‌شناس از خواندن گزارش دریافته است که «درک سیاستگذارانه از علم درکی صرفاً تخصصی از رشته‌های علمی نیست بلکه درکی جامع از منطق علم و تحولات آن در نسبت با ضرورت‌ها و نیازهای سیاست، جامعه و اقتصاد است» و ... «رشد و توسعه علم همراه با بالندگی جامعه و سیاست صورت می‌گیرد و بالاخره اینکه با درکی جامع از نهاد علم و اجتماعات علمی می‌توان زمینه رشد و بالندگی علوم را فراهم کرد». (همان، صص ۱۳ و ۱۴)

وقتی نخبگان سیاست علم آمریکا در همایشی گرد می‌آیند و سخن می‌گویند سخنشان را باید شنید زیرا با شنیدن سخن آنان وضع علم در آمریکا و قدرت و ضعف آن کشور را می‌توان دریافت ولی گزارشی که در دست است نه گزارش صریح وضع علم در آمریکاست نه از گذشته و آینده علم آمریکا سخنی در آن به میان آمده است و حداکثر می‌تواند آغاز راهی برای تدوین سیاست علم آمریکا باشد. آنچه می‌توان گفت این است که شرکت‌کنندگان در همایش از آنچه در هفتاد و پنج سال اخیر در علم آمریکا گذشته است ناراضی نیستند اما ادامه آن راه را در شرایط کنونی کافی نمی‌دانند و برای اینکه آمریکا در رقابت با اروپا و





چین مقام خود را حفظ کند پیشنهادهایی کرده‌اند که بعضی از آنها رویایی است و راه عملی کردنشان را هنوز نمی‌دانند یا لاقلاً درباره این راه‌ها حرفی نزده‌اند. مثلاً این حرف خوبی است که علم باید به مردم نزدیک شود و به آنان خدمت کند و مردم هم باید به علم نزدیک‌تر شوند اما این یک سخن اخلاقی مشهور است نه سیاست علم و حتی اگر عملی باشد راه علم نیست، مقصد علم است. وقتی وانوار بوش پیشنهاد کرد که دولت فدرال در توسعه پژوهش و دانش کشور شریک شود نه فقط پیشنهادش عملی بود و وظیفه تازه‌ای را بر دوش دولت می‌گذاشت بلکه ناظر به دورانی بود که در آن سیاست کشور می‌بایست در خدمت علم و تکنولوژی باشد اما ایجاد شوق علم‌آموزی در مردم و تقویت اعتماد آنان به علم، مسئول و متصدی خاص ندارد و اداره و سازمانی را نمی‌توان مأمور محقق ساختن آن کرد. دعوت به علم و شوق علم‌آموزی یک امر اخلاقی سیاسی است اما با آن تکلیف سیر و سرنوشت علم معین نمی‌شود. حتی تأمین منابع مالی پژوهش هم که اهمیت اساسی دارد همیشه و در همه‌جا نمی‌تواند به پیشرفت و پیشبرد علم کمک کند و اگر زمینه روحی و اخلاقی پیشرفت نباشد منابع مالی هدر می‌رود.

راقم این سطور گزارش هفتاد و پنجمین سالگرد انتشار بیانیه علم؛ مرز بی‌انتهای را با دو نظر خوانده است. با یک نظر خواسته است بدانند که کشوری مثل آمریکا که قدرتش از علم جدا نیست چگونه به علم می‌نگرد و از آن چه توقع‌ها و انتظارات دارد و نظر دیگر اینکه آمریکا چه رویکردی به آینده دارد و آیا با اعتماد به نفس قدم برمی‌دارد یا مردّد و نگران آینده است و اگر اعتماد به نفس خود را حفظ کرده است اساس و ضامن و پشتوانه‌اش چیست.

با نظر اول تأمل در گزارش را بسیار مفید و حتی ضروری می‌دانم زیرا امیدوارم بتواند ما را به تأمل در وضع علم کشور که با تاریخ و جامعه و زندگی و سیاست پیوند استوار ندارد بخواند و متصدیان و مدیران علم و پژوهش را متذکر سازد که علم زینت و زیور کشور و ملک طلق هیچ‌کس نیست بلکه به جامعه و کشور تعلق دارد و برای پیشرفت کشور است. مخصوصاً باید توجه کرد که در کشورهایی نظیر کشور ما علم وابستگی خاص به سیاست دارد زیرا در وهله اول سیاستمداران و گردانندگان امور کشورند که باید برنامه توسعه را تدوین و اجرا کنند.

جایگاه و وظیفه علم نیز در برنامه معین و روشن می‌شود. وقتی سیاست برای طرح و حل مسائل به دانشگاه‌ها و دانشمندان رجوع نمی‌کند، دانشمندان ناگزیر در تنهایی خود مسائلی را برای پژوهش انتخاب می‌کنند و اگر پژوهش آنها به کار کشور نیاید، گناه آنان نیست حتی می‌توان گفت که اهتمام به علم در شرایطی که کشور به آن احساس نیاز نمی‌کند فضیلت بزرگ است. گزارش همایش علم مرز بی‌انتهای، می‌آموزد که علم برای جامعه و زندگی است و مسائل زندگی را حل می‌کند و از این پس بیشتر باید به مسائل زندگی و حتی به رفع تبعیض و تأمین عدالت رو کند. این درسی است که سیاست علم ما از این گزارش می‌تواند بیاموزد. به این جهت باید سپاسگزار مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انجمن فیزیک ایران بود که آن را ترجمه و منتشر کرده‌اند.

نظر دوم من اندکی رنگ تردید دارد و به نظر می‌رسد که شرکت‌کنندگان در سمینار، افق آینده را روشن نیافته و با اعتماد و اطمینان از آینده سخن نگفته‌اند و البته حق هم دارند. اگر در پایان جنگ جهانی دوم یک دانشمند آمریکایی آشنا با سیاست می‌توانست با خوش‌بینی به آینده آمریکای پیروز در جنگ و مغرور از آزمایش ضد اخلاق و زشت بمباران اتمی‌اش در ژاپن - در زمانی که آلمان تسلیم شده بود - بنگرد، کاری بزرگ نکرده بود. آمریکای آن زمان امیدوار بود و دانشمندانش می‌توانستند مظاهر این امیدواری باشند. اما اکنون زمان، زمان پایان جنگ جهانی دوم نیست. در هفتاد و پنج سال اخیر که آمریکا در همه جنگ‌های محلی و منطقه‌ای دخالت و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم داشته و در هیچ یک از آنها پیروز نشده است چه اعتماد و امیدی به آینده می‌تواند داشته باشد (این جنگ‌ها پیروز نداشته و همه اطراف دخیل در جنگ شکست خورده‌اند گویی تقدیر جهان کنونی این است که همه و بخصوص مردم مناطق توسعه‌نیافته گرفتار نزاع‌ها و کشمکش‌ها و کشتارهایی باشند که از آنها نتیجه‌ای برای کشمکش‌کنندگان به دست نمی‌آید. شاید برای آمریکا هم بیشتر وجود جنگ و اختلاف اصل است و نتیجه‌ای که از آن حاصل می‌شود ویرانی کشورها و کشتار مردمان و فقر و بی‌خانمانی مردمان است که آمریکا به آن اهمیت نمی‌دهد و گاهی آن را غنیمتی برای خودش می‌داند). اکنون هم آمریکا در فکر آینده‌نگری نیست

بلکه نگران حوادثی است که در بیرون آمریکا و در درون کشور پیش آمده است و ممکن است پیش آید. در مورد علم نگران است که مبادا در مسابقه علمی تکنیکی اقتصادی نتواند سبقت خود را بر چین و اروپا حفظ کند. در داخل کشور هم نگران است که اختلاف‌های قومی و نژادی و پدید آمدن موج‌های آشوب و افزایش چشمگیر تعداد آشوبگران و اوباش نظم و ثبات را به خطر اندازد.

آمریکا هفتاد و پنج سال با برخورداری از نظم و ثبات داخلی نسبی، نظم و ثبات در سراسر جهان را بر هم زده است و اکنون باید نگران نظم و ثبات خود باشد. البته در گزارش گاهی نشانه‌هایی از امید ظاهر می‌شود اما این امید به آرزو نزدیک است و با اعتماد اظهار نمی‌شود.

چیزهای دیگری هم هست که در سمینار به آن توجه نشده و مسکوت مانده است. هیچ‌یک از شرکت‌کنندگان نپرسیده و نگفته‌اند که در هفتاد و پنج سال اخیر علم آمریکا به کدام سو رفته و دستخوش چه تحولاتی بوده است. وقتی از تحولات روی داده چشم می‌پوشند پیداست که به وضع آینده هم توجه نمی‌کنند. گویی علم امر مطلق است که همیشه و همواره ثابت می‌ماند و جامعه‌ها و کشورها می‌توانند هر طور که بخواهند با آن رفتار کنند و از آن بهره ببرند. به راستی علم در هفتاد و پنج سال اخیر منشاء چه آثار و تحول‌هایی بوده و در زندگی مردمان چه دخالتی داشته و چه بهبودها یا مشکل‌ها و زیان‌ها پدید آورده است؟ آیا عجیب نیست که در سال بیستم قرن بیست و یکم در کشوری مثل آمریکا همایش سیاست علم برگزار شود و در آن از آلودگی محیط‌زیست و هوا و دریا و زندگی در فضای مجازی و دیجیتالی حرفی به میان نیاید؟ این غفلت را چگونه باید توجیه کرد. حدس من این است که این غفلت عمدی است و اگر عمدی نباشد غفلت بسیار بزرگ و خطرناکی است. به آینده جامعه آمریکا و هیچ جامعه دیگری بدون توجه به نسبتش با فضای مجازی و تکنولوژی آن نمی‌توان فکر کرد.

گفته بودم که درباره غیبت مورخ و فیلسوف علم و محقق آگاه از جامعه‌شناسی علم توضیح مختصری خواهم داد. آمریکا کشور عجیبی است. همه چیز دارد و از هر چیز غالباً در جای خاص و ثابت آن بهره می‌برد. اما به راستی چگونه در آمریکا جای چیزها و شأن و کاربرد آنها ثابت و پایدار مانده است. آمریکا فلسفه دارد و فلسفه آن

دانشمندان را از آن جهت که علم و پژوهششان در راه توسعه صرف نمی‌شود ملامت نباید کرد. آنها دانشمندان نه کارگزار توسعه. وقتی تقاضایی نیست دانشمندان حق دارند که بگویند ما کاری که بر عهده‌مان بود و می‌توانستیم انجام دهیم، انجام دادیم. ما علم و پژوهش را دوست می‌داریم. پس چرا پژوهش نکنیم و مقاله ننویسیم. کشور باید شئون زندگی جدید را بشناسد و بداند جایگاه هر شأنی کجاست و آن را در جای خود قرار دهد. در این صورت است که نظم و انتظام پدید می‌آید و ثمر کارها بیشتر و بهتر می‌شود. راستی چگونه باید علم را در جایگاه خود قرار داد؟

پراگماتیسم است. پراگماتیسم فلسفه مهمی است اما با تاریخ چندان سرو کار ندارد. در پراگماتیسم، حقیقت نسبی نیست بلکه در تناسب و همبستگی امور است. تناسب و همبستگی هم نشانه و شرط به سامان بودن کارهاست اما ملاک و میزان حقیقت نمی‌تواند باشد زیرا نه همیشه تناسب چیزها و کارها به یک صورت است و نه به دوام تناسب و همبستگی اطمینان می‌توان داشت. تناسب و همبستگی یک وضع مناسب در تاریخ است اما تاریخ را راه نمی‌برد بلکه بیشتر با ثبات و نظم اوتوپیک می‌خواند. آمریکا فیلسوف علم و مورخ و جامعه‌شناس دارد اما آنها در جای خود به کار تخصصی خود اشتغال دارند گویی علم و سیاست علم به کسانی که در باب علم و جامعه و تاریخ تحقیق می‌کنند، ربطی ندارد. ژان بودریار در کتاب آمریکا که از حیث حجم کوچک و از حیث مضمون قابل اعتنا است، این کشور را با دید نقادانه و پست‌مدرن خود دیده و وصف کرده است. او در این کتاب نوشته است: «آمریکا هرگز از نظر خشونت، رویدادها، جمعیت یا ایده کمبود نداشته است ولی این چیزها به تنهایی تاریخ را به وجود نمی‌آورند. حق با اوکتاویو پاز است که می‌گوید آمریکا به امید فرار از تاریخ و ساختن آرمان شهری مصون از تاریخ خلق شد و نسبتاً در این پروژه موفق بود. پروژه‌ای که امروز نیز آن را تعقیب می‌کند. مفهوم تاریخ به مثابه استیلاي عقلانی، اجتماعی و سیاسی ... به آنها تعلق ندارد (ص ۱۰۷). از شرکت‌کنندگان در سمینار نمی‌توان و نباید توقع داشت که نوشته بودریار را خوانده باشد اما اینکه خود را بی‌نیاز از





اگر مطالب سمینار همین باشد که خلاصه‌اش در گزارش آمده است؛ راه آینده علم آمریکا با آن روشن نمی‌شود زیرا در آن معلوم نشده است که برای رسیدن به آرزوهای خیرخواهانه سخنران‌های سمینار چه باید کرد و از کدام راه باید رفت. آمریکا راه گذشته خود را ادامه می‌دهد و دولت فدرال را در کار پژوهش بیشتر شریک می‌سازد. حتی اگر دانشمندان چنین تقاضایی نداشتند این اتفاق روی می‌داد. زیرا سیاست کنونی راهی جز سر فرود آوردن در برابر فرمان تکنیک و تکنوسیانس ندارد. سیاست دیگر تدبیر نیست و در بهترین صورت برنامه تکنیک را اجرا می‌کند و اگر برنامه‌ای نباشد یا نتواند برنامه‌ای را اجرا کند به بیهوده‌کاری و خشونت دست می‌زند. علم خانه می‌خواهد و باید در خانه خود سکونت کند و آن را از سرگردانی نجات باید داد. علم باید با توسعه قرین شود و این امر صرفاً از طریق همکاری سیاست و حکومت با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها می‌تواند صورت گیرد.

مشورت با صاحب‌نظران علوم انسانی و تاریخ و فلسفه علم بدانند اندکی جای تعجب دارد.

من پس از مطالعه گزارش سمینار علم، مرز بی‌انتهای برای درک بهتر مطالب آن به کتاب بودریار مراجعه کردم و البته درباره نوشته بودریار حرف‌ها دارم اما اذعان می‌کنم که این مراجعه فهم معنای گزارش و تشخیص مزایا و نقصهای پنهان آن را برایم آسان کرده است. نقص بزرگ و اساسی آن چندان آشکار است که بدون مراجعه به بودریار و امثال بودریار هم به چشم می‌آید. مدیران علم و متخصصان مدیریت آموزش و پژوهش آمریکا گرد هم آمده‌اند تا راه آینده علم کشور را بیابند و بکشایند اما راهی نشان نداده و صرفاً آرزوهای خود را بیان کرده‌اند و این یعنی نمی‌دانند که علم به کجا می‌رود. علم هم در نظرشان تکنوسیانس است و حرفی از علم انسانی و اینکه جامعه آمریکا در چه حال و وضع است و ... به میان نیاورده‌اند. گویی مدیران علم گرد هم آمده‌اند که بگویند ما همچنان مثل گذشته علم را اداره می‌کنیم. با این تفاوت که می‌خواهیم مردم بیشتر به آن توجه کنند و از فواید آن برخوردار باشند. اکنون شاید مناسب باشد نظر بدبینانه بودریار درباره آینده آمریکا را نقل کنم و با آن به سخن پایانی

نزدیک شوم: «... این اعتقاد بی‌پیرایه آمریکایی‌ها که خود را مرکز جهان، قدرت برتر و الگوی مطلق همه می‌دانند نادرست نیست. این اعتقاد بیش از آنکه مبتنی بر منابع طبیعی فناوری‌ها یا نیروی نظامی باشد مبتنی بر فرض معجزه‌آسای آرمان شهری واقعیت یافته است. جامعه‌ای که با صراحتی تحمل‌ناپذیر برای ما، مبتنی بر این ایده است که تحقق تمام چیزهایی است که دیگران خواش را می‌دیده‌اند: عدالت، وفور، حکومت قانون، ثروت، آزادی ...»^۱ مع‌هذا گزارش سمینار آکادمی علوم آمریکا برای ما از آن جهت اهمیت دارد که در آن نسبت میان علم و جامعه و اقتصاد و زندگی هر روزی مردم محرز و مسلم گرفته شده است و این می‌تواند به ما تذکر بدهد که علم را در حبس مراکز علمی نگاه نباید داشت و به صرف نشر مقالات در مجلات و ژورنال‌های خاص رضایت نباید داد. اقتضای ذات علم تکنولوژیک اینست که به میدان زندگی و عمل بیاید و در سامان دادن و نظم بخشی به کارها دخیل باشد. تکرار می‌کنم که اگر این امر در جایی محقق نشود گناهش بر گردن دانشمند نیست. زیرا او وظیفه‌اش پژوهش است و اگر کشور به پژوهش نیاز نداشته باشد و از آن بهره نبرد لابد نارسایی و نقصی دارد که باید آن را شناخت و علاج کرد. اگر مطالعه گزارش سمینار بعضی از دست‌اندرکاران سیاستگذاری علم را به این معنی متذکر سازد آن را غنیمت باید دانست. اما اگر مطالب سمینار همین باشد که خلاصه‌اش در گزارش آمده است راه آینده علم آمریکا با آن روشن نمی‌شود زیرا در آن معلوم نشده است که برای رسیدن به آرزوهای خیرخواهانه سخنران‌های سمینار چه باید کرد و از کدام راه باید رفت. آمریکا راه گذشته خود را ادامه می‌دهد و دولت فدرال را در کار پژوهش بیشتر شریک می‌سازد. حتی اگر دانشمندان چنین تقاضایی نداشتند این اتفاق روی می‌داد. زیرا سیاست کنونی راهی جز سر فرود آوردن در برابر فرمان تکنیک و تکنوسیانس ندارد. سیاست دیگر تدبیر نیست و در بهترین صورت برنامه تکنیک را اجرا می‌کند و اگر برنامه‌ای نباشد یا نتواند برنامه‌ای را اجرا کند به بیهوده‌کاری و خشونت دست می‌زند. علم خانه می‌خواهد و باید در خانه خود سکونت کند و آن را از سرگردانی نجات باید داد. علم باید با توسعه قرین شود و این امر صرفاً از طریق همکاری سیاست و حکومت با دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها می‌تواند صورت گیرد.

اخبار و گزارش‌ها



انتصاب دکتر علی اکبر صالحی به سمت معاون پژوهشی و قائم مقام رئیس فرهنگستان علوم

طی حکمی از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، آقای دکتر علی اکبر صالحی به سمت «معاون پژوهشی و قائم مقام رئیس فرهنگستان علوم» منصوب شد. متن حکم رئیس فرهنگستان بدین شرح است:

«باسمه تعالی

استاد گرامی جناب آقای دکتر علی اکبر صالحی

نظر به اینکه در شرایط کنونی، فرهنگستان علوم برای ادای وظیفه مهم علمی خود نیاز به مدیری توانا و آشنا با شرایط پیشرفت علم و پژوهش در کشور دارد تا بتواند با همکاری گروه‌های علمی و اعضای دانشمندان به وظایف مقرر در اساسنامه عمل کند، جنابعالی که جامع علم و تدبیر و دارای تجارب و سوابق درخشان علمی، مدیریتی و سیاسی هستید و مخصوصاً از امکان‌های کشور و نیاز به توسعه و پیشرفت مناسبتر علم و پژوهش آگاهید، به سمت «معاون پژوهشی و قائم مقام رئیس فرهنگستان علوم» منصوب می‌شوید. امید است خداوند در این کار و راه نیز به جنابعالی توفیق عنایت فرماید.

رضا داوری اردکانی».

آقای دکتر علی اکبر صالحی متولد سال ۱۳۲۸ و دارای مدرک دکتری تخصصی مهندسی هسته‌ای در سال ۱۳۵۶ از MIT است. گرایش‌های تحقیقاتی ایشان، محاسبات توزیع نوترون در سلول‌های

سوخت راکتور، دینامیک راکتور، مدیریت سوخت راکتور، پردازش رایانه‌ای داده‌ها و انرژی است. دکتر علی اکبر صالحی عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم و استاد دانشکده مهندسی انرژی دانشگاه صنعتی شریف است.

از مسئولیت‌های ایشان می‌توان به وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، معاونت رئیس جمهوری و ریاست سازمان انرژی اتمی ایران، معاونت آموزشی وزارت علوم در دو دوره، ریاست دانشگاه صنعتی شریف در دو دوره، ریاست دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، نمایندگی دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، عضویت در هیئت مؤسس دانشگاه خاتم، عضویت در مرکز بین‌المللی فیزیک عبدالسلام (تریسته ایتالیا) و عضویت در هیئت امنای چندین دانشگاه کشور اشاره کرد.

کسب عنوان استاد نمونه دانشگاه صنعتی شریف، دریافت نشان خدمت جمهوری اسلامی ایران، دریافت نشان شجاعت جمهوری اسلامی ایران، کسب عنوان قهرمان قهرمانان صنعت ایران در بخش دولتی در دهمین جشنواره ملی قهرمانان صنعت ایران و کسب نشان وطن دولت قزاقستان از جمله افتخارات ایشان است. آقای دکتر علی اکبر صالحی در سال ۲۰۱۵ به عنوان یکی از ۱۰ چهره تأثیرگذار جهان در علم و فناوری از سوی مجله نیچر برگزیده شد.



انتصاب دکتر فتح‌الله مضطرزاده به عنوان دبیر شورای آینده‌نگری فرهنگستان علوم



طی حکمی از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، آقای دکتر فتح‌الله مضطرزاده عضو پیوسته فرهنگستان علوم به عنوان «دبیر شورای آینده‌نگری فرهنگستان علوم» منصوب شد. شورای آینده‌نگری فرهنگستان به منظور دستیابی به تفکری جامع و منسجم در زمینه آینده‌نگری کشور و پیشنهاد اولویت‌های علم و فناوری با توجه به اسناد بالادستی شامل سند چشم‌انداز توسعه کشور، نقشه جامع علمی کشور و سیاست‌های کلی در بخش علم و فناوری، و ناظر به توسعه پایدار ایران تشکیل شده است.

در بخشی از حکم آقای دکتر مضطرزاده آمده است: با عنایت به تجارب گرانقدر و فعالیت‌های ارزشمند جنابعالی در زمینه مطالعات آینده‌نگری و آینده‌پژوهی بخصوص تلاش‌هایی که در فرهنگستان علوم در این خصوص انجام داده‌اید، به موجب این ابلاغ به عنوان «دبیر شورای آینده‌نگری» فرهنگستان علوم منصوب می‌شوید. همچنین در ادامه اظهار امیدواری شده است که این شورا با مشورت و تعامل با گروه‌های علمی فرهنگستان و تشکیل جلسات منظم و تنظیم برنامه‌های کلان و دقیق و راهبردی متناسب با اهداف فرهنگستان، بیش از پیش موفق و مؤید باشد.

آقای دکتر مضطرزاده استاد پیشکسوت دانشگاه صنعتی امیرکبیر و از چهره‌های ماندگار کشور است. ایشان از ماه‌های ابتدایی آغاز به کار فرهنگستان علوم تاکنون به عنوان عضو پیوسته در فرهنگستان اشتغال داشته و در این مدت علاوه بر ریاست شاخه شیمی و ریاست گروه علوم پایه فرهنگستان، چند دوره عضو شورای علمی و عضو شورای پژوهشی فرهنگستان بوده است. دکتر مضطرزاده سال‌ها ریاست کمیسیون مطالعات آینده‌نگری علم و فناوری فرهنگستان را به عهده داشته و جلسات گرمی داشت روز جهانی آینده با همت ایشان و همکارانشان در فرهنگستان برگزار شده است. از جمله سوابق مدیریتی دکتر مضطرزاده می‌توان به ریاست دانشگاه گیلان، معاونت پژوهشی دانشگاه شهیدبهشتی، معاونت دانشگاه تربیت مدرس، ریاست پژوهشگاه مواد و انرژی، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ریاست کمیسیون صنعت شورای پژوهش‌های علمی کشور، معاونت وزیر و ریاست سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران و ریاست گروه برنامه‌ریزی مهندسی پزشکی شورای عالی برنامه‌ریزی اشاره کرد.

جلسات شورای علمی

■ پانصد و دومین جلسه شورای علمی فرهنگستان علوم روز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ به صورت حضوری و مجازی برگزار شد. در ابتدای جلسه و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید توسط آقای دکتر محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی، اعضای شورای علمی از اینکه آقای دکتر رضا داوری اردکانی به رغم دشواری‌های شرایط کشور مسئولیت ریاست فرهنگستان را بنا به درخواست اعضای فرهنگستان و صرفاً به منظور حفظ این نهاد علمی، مجدداً پذیرفتند، از ایشان تشکر کردند و تمدید دوره ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی در فرهنگستان علوم، بنا به پیشنهاد رئیس محترم جمهوری و تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی را، به فرهنگستان و به آقای دکتر داوری اردکانی تبریک گفتند و اظهار امیدواری کردند این نهاد بزرگ علمی کماکان با حفظ استقلال علمی و شأن آکادمیک خود و با مدیریت عالمانه و مدبرانه ایشان بیش از پیش موفق و مؤید باشد.





بهشتی، و دکتر محسن مؤذن استاد زمین‌شناسی دانشگاه تبریز برای یک دوره دوساله در گروه علوم پایه و پیشنهاد همکاری مدعو آقای دکتر محمد پازوکی استاد مهندسی شیمی (بیوتکنولوژی) پژوهشگاه مواد و انرژی برای یک دوره دوساله در گروه علوم مهندسی مطرح شد و به تصویب رسید.

موافقت با تمدید همکاری مدعو آقایان دکتر علیرضا ولی‌زاده، دکتر فرهاد ثبوتی، دکتر خشایار کریمیان، دکتر بهنام کشاورزی، دکتر بابک کریمی، دکتر عباس شفیعی، دکتر علی فرازمند، دکتر علی متولی‌زاده اردکانی، دکتر سیدمهدی سیدی، دکتر عباس صاحب قدم لطفی و دکتر وحید نیکنام برای یک دوره دوساله دیگر در گروه علوم پایه، موافقت با تمدید همکاری مدعو آقای دکتر جعفر کیوانی برای یک دوره دوساله دیگر در گروه علوم مهندسی و موافقت با تمدید همکاری مدعو آقایان دکتر جهانگیر فقهی، دکتر سعید یزدانی، دکتر فرهاد خرمالی، دکتر عبدالمجید مهدوی دامغانی، دکتر سیدمحمد اشکان، دکتر رسول زارع، دکتر سیدسعید محتسبی و دکتر آرش ملکیان برای یک دوره دوساله دیگر در گروه علوم کشاورزی از دیگر مصوبات جلسه شورای علمی بود.

■ در پانصد و سومین جلسه شورای علمی فرهنگستان علوم، مورخ ۱۴۰۰/۰۶/۲۱، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان ضمن خوشامدگویی به اعضا، با اشاره به مقام شامخ علمی و اخلاقی

در ادامه جلسه گزارش نهایی طرح پژوهشی «بررسی راهبردهای اخیر در حوزه‌های پژوهش و فناوری علوم زیستی» به تصویب رسید و طرح مزبور خاتمه‌یافته تلقی شد. تصویب مقاله حاصل از فاز اول طرح پژوهشی «آینده‌نگری وضعیت کشاورزی و منابع طبیعی با توجه به روند رو به رشد فناوری‌ها»، تصویب مقاله حاصل از طرح پژوهشی «تحلیل و طبقه‌بندی رساله‌های دکتری معماری دفاع‌شده در دانشگاه‌های برتر جهان» و موافقت با درخواست خانم دکتر زهرا اهری همکار مدعو شاخه معماری و هنر فرهنگستان علوم مبنی بر گذراندن فرصت مطالعاتی در فرهنگستان با موضوع تحقیقاتی «سیر تحولات طرح‌های شهری در ایران» از دیگر تصمیمات جلسه بود.

تأیید پیشنهاد عضویت وابسته و یا تمدید عضویت وابسته تعدادی از استادان پیشنهادشده از سوی گروه‌های علمی و ارسال موضوعات به مجمع عمومی برای تصویب از دیگر مصوبات جلسه شورای علمی پانصد و دوم بود.

در بخش دیگری از جلسه نیز پیشنهاد همکاری مدعو خانم دکتر افسانه صفوی استاد شیمی تجزیه دانشگاه شیراز و آقایان دکتر محمدعلی زلفی گل استاد شیمی آلی دانشگاه بوعلی سینا همدان، دکتر مهران حبیبی رضایی استاد بیوشیمی دانشگاه تهران، دکتر سعید بلالابی استاد شیمی آلی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، دکتر پیمان صالحی استاد شیمی آلی دانشگاه شهید



آقای دکتر علی اکبر صالحی، ایشان را مدیری توانا و آشنا با شرایط پیشرفت علم و پژوهش دانست و از اینکه مسئولیت قائم مقامی و معاونت پژوهشی فرهنگستان را پذیرفته اند، از ایشان تشکر کرد. رئیس فرهنگستان اظهار امیدواری کرد که فرهنگستان با نظر و درایت و بصیرت آقای دکتر صالحی بتواند در راستای اهداف و وظایف مصرح در اساسنامه بیش از پیش موفق باشد. پس از سخنان رئیس فرهنگستان، هر کدام از اعضای شورا ضمن تشکر از آقای دکتر داوری اردکانی بخاطر این انتخاب شایسته، به آقای دکتر صالحی تبریک گفتند و برای ایشان دوام توفیق در راه خدمت به فرهنگستان و علم و توسعه کشور مسئلت کردند. آقای دکتر محقق داماد در سخنانی گفت: برای ما باعث افتخار است که استاد فرزانه ای چون آقای دکتر داوری ریاست فرهنگستان را همچنان به عهده دارند. فرهنگستان جایگاه پیران دانش کشور است و اصولاً ماهیت فرهنگستان ها همین است که دانشمندان با تجربه که عمر خود را در راه علم و دانش صرف کرده اند دور هم جمع شوند و به عنوان اتاق فکر کشور، در مسائل گوناگون مشاور دولت باشند. به آقای دکتر صالحی هم تبریک می گویم. محل کار اصلی ایشان اینجاست و امیدواریم با توانایی هایی که دارند در کارها و برنامه های فرهنگستان موفق باشند. فرهنگستان اتاق فکرش را لازم دارد. مهمترین وظیفه فرهنگستان فکر کردن است و از آقای دکتر صالحی درخواست می کنم که به این اتاق فکر توجه ویژه داشته باشند. آقای دکتر محمدرضا اسلامی رئیس گروه علوم مهندسی نیز در سخنانی ضمن تبریک به آقای دکتر داوری به دلیل انتخاب آقای دکتر صالحی، اظهار داشت که آقای دکتر صالحی را بیش از ۳۰ سال می شناسد و مقام علمی و اخلاقی شان شایسته تحسین است. رئیس گروه علوم مهندسی با اشاره به اینکه فرهنگستان در طی این سی سال کارهای فوق العاده انجام داده است، گفت که این مرکز علمی بر فرهنگ ایران تأثیر گذاشته است و فعالیت های فرهنگستان منحصر به فرد بوده است و ایده های فرهنگستان در جامعه جلوه کرده است. آقای دکتر داوری نیز فیلسوف واقعی هستند و در تلاطم ها فرهنگستان را نجات داده اند. آقای دکتر محمد شاهدی هم ضمن تبریک به آقای دکتر صالحی و آرزوی توفیق برای ایشان اظهار داشت که آقای دکتر داوری جایگاه علمی فرهنگستان را حفظ کرده اند و همه

تلاشمان باید این باشد که فرهنگستان در این جایگاه باقی بماند و رشد کند. در برخی دوره ها به فرهنگستان های کشوری توجهی شده است و این مراکز مهم علمی و فرهنگی نه تنها حمایت نشده بلکه مغضوب بوده اند. آقای دکتر صالحی فردی بسیار دلسوز برای جامعه و علاقمند به رشد و توسعه و بدون ادعا هستند و حضورشان در این مقام برای فرهنگستان مغتنم است. ما تلاش کرده ایم با همکاری دانشگاه ها و دیگر فرهنگستان ها مسائل و مشکلات کشور را طرح کنیم و راه حل ارائه دهیم. از آقای دکتر صالحی درخواست می شود این ارتباطات علمی داخلی و بین المللی را بیش از پیش گسترش دهند و ان شاء الله در مسئولیتی که به عهده گرفته اند موفق و مؤید باشند. آقای دکتر علی اکبر صالحی نیز در سخنانی با ابراز تشکر از لطف و محبت آقای دکتر داوری اردکانی اظهار داشت که باعث افتخار است که در خدمت ایشان و در جمع دانشمندان عضو فرهنگستان هستم و امیدوارم بتوانم خدمتی بسزا انجام دهم. فکر کرده بودم پس از سال ها مسئولیت اجرایی کمی استراحت کنم و به کارهای علمی ام بپردازم، اما در مقابل لطف و امر استاد گرانمایه ای چون آقای دکتر داوری نتوانستم مقاومت کنم و اکنون همه تلاشم را می کنم که با یاری پروردگار و راهنمایی استادان بتوانم مثمر ثمر باشم. قائم مقام رئیس و معاون پژوهشی فرهنگستان در ادامه افزود: فرهنگستان در سی سال گذشته فعالیت های ارزشمندی انجام داده است و من هم به عنوان یک عضو کوچک شاهد این کارهای بزرگ بوده ام. ما باید با اینکه بر مفاهیم تکیه می کنیم کاری کنیم که فعالیت های فرهنگستان در سطح کلان کشور و جامعه و در سطح بین المللی ظهور و بروز پیدا کند و این نیازمند یک کاری علمی و گروهی است. بنابراین ایجاد یک بازوی علمی و مطالعاتی قوی و کمیته های علمی و پژوهشی، تقویت ارتباطات بین المللی و ... ضروری به نظر می رسد. از همه گروه های علمی فرهنگستان تقاضا می شود در این راه ما را از نظرها و پیشنهادهایشان بهره مند کنند.

در ادامه جلسه، آقای دکتر داوری اردکانی ضایعه درگذشت آقای دکتر لطف الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد زبان شناسی دانشگاه شیراز را تسلیت گفتند. رئیس فرهنگستان همچنین ضایعه درگذشت آقای دکتر علی اکبر رمضانیان پور عضو

وابسته و رئیس شاخه مهندسی عمران فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و ضایعه درگذشت آقای دکتر سید علیمحمد برقی عضو وابسته و رئیس شاخه ماشین‌های کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران را که در ماه‌های اخیر دار فانی را وداع گفته‌اند، تسلیت گفتند.

در ادامه، صورت جلسه پانصد و دوم شورای علمی به تصویب رسید. پس از آن مقاله حاصل از طرح پژوهشی «بررسی راهبردهای اخیر در حوزه‌های پژوهش و فناوری علوم زیستی» به تصویب رسید و مقرر شد ضمن پرداخت قسط آخر، طرح مزبور تسویه حساب نهایی شود. تصویب گزارش نهایی طرح پژوهشی «تحقیق، کشف و مستندسازی پروفایل مهندسان برجسته فرهنگستان علوم (بیوگرافی، تجارب، مأموریت، ارزش‌ها و اصول محوری و چشم‌انداز شخصی، رویکردها، روش‌ها و دستاوردهای مدیریتی» و خاتمه طرح مزبور از دیگر مصوبات جلسه بود. در ادامه جلسه و بنا به درخواست کمیسیون ملی یونسکو-ایران، خانم دکتر سیمین ناصری عضو وابسته گروه علوم مهندسی به عنوان نماینده فرهنگستان برای عضویت در کارگروه ملی «علوم باز» انتخاب شد. همچنین با عنایت به نظر کارگروه تعیین و ارزیابی اعتبار مجلات فرهنگستان، «علمی بودن» مجله «توسعه علوم انسانی» به تصویب رسید. تأیید پیشنهادهای گروه علوم کشاورزی مبنی بر عضویت وابسته ۴ تن از استادان دانشگاه‌ها برای یک دوره چهارساله در فرهنگستان و ارسال موضوع به مجمع عمومی برای تصویب، و تأیید پیشنهاد تمدید عضویت وابسته یکی از اعضای وابسته گروه علوم مهندسی برای یک دوره چهارساله دیگر در فرهنگستان و ارسال موضوع به مجمع عمومی برای تصویب از دیگر تصمیمات جلسه شورای علمی پانصد و سوم بود. در ادامه جلسه پیشنهاد گروه علوم کشاورزی مبنی بر همکاری مدعو آقایان دکتر مقدار جورغلامی استاد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، دکتر علی اسدی استاد پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، دکتر داریوش حیاتی استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز و دکتر سعید عشقی استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز برای یک دوره دو ساله در گروه علوم کشاورزی فرهنگستان مطرح شد و پس از بحث و تبادل نظر به تصویب رسید.

در پایان جلسه نیز اسامی برگزیدگان گروه علوم پایه به عنوان پژوهشگران جوان برجسته رشته‌های علوم پایه کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۴۰۰ اعلام شد. پس از معرفی ایشان توسط آقای دکتر فرید مر رئیس گروه علوم پایه و بیان توضیحات ایشان درخصوص اعطای جایزه، با معرفی و تجلیل از پژوهشگران جوان پیشنهادشده برای اعطای جایزه ابوریحان سال ۱۴۰۰ به آنان موافقت شد.

■ در پانصد و چهارمین جلسه شورای علمی، مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۱۸، آقای دکتر علی اکبر صالحی گزارشی از اقدامات انجام‌شده در یک ماهه اخیر در حوزه معاونت پژوهشی و ارتباطات علمی و بین‌المللی و بخصوص ارتباط با فرهیختگان علمی خارج از کشور ارائه و اظهار کرد که در صدد تدوین نقشه راهی برای فعالیت‌ها هستیم و امیدواریم بتوانیم از نظرها و پیشنهادهای اعضای شورا و گروه‌های علمی در این مسیر بهره‌مند شویم. در این خصوص اعضای شورای علمی بر توسعه همکاری‌های علمی با آکادمی‌های علوم کشورهای مجاور و کشورهای اسلامی، اجرای طرح‌های پژوهشی کلان و استراتژیک توسط فرهنگستان، همکاری پژوهشگران و اعضای هیئت علمی در پیشبرد برنامه‌های علمی و تحقیقاتی فرهنگستان و... تأکید کردند. در ادامه جلسه و پس از تصویب صورت جلسه قبلی شورا، پیشنهاد افزایش سقف تعداد اعضای پیوسته فرهنگستان مطرح شد و پس از بحث و تبادل جهت تصویب در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت. سپس موضوع دعوت از وزیر جدید علوم، تحقیقات و فناوری به فرهنگستان و بیان دغدغه‌ها و مسائل علم و آموزش عالی کشور مطرح شد و مورد موافقت و استقبال قرار گرفت.

در ادامه پیشنهاد تمدید عضویت وابسته تعدادی از استادان عضو وابسته گروه‌های علمی به تأیید رسید و برای تصویب در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت. همچنین پیشنهاد تمدید همکاری مدعو آقایان دکتر علی غفاری، دکتر سیدحسین منصوری، دکتر محمدرضا اکبری جوکار، دکتر مهدی بشیری و دکتر مسعود تجربی برای یک دوره دو ساله دیگر در گروه علوم مهندسی به تصویب رسید. در پایان دستور جلسه یکصد و بیست و هفتم مجمع عمومی فرهنگستان علوم قرائت شد و به اطلاع اعضای شورا رسید.





برگزاری یکصد و بیست و هفتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم

سعیدی، دکتر علی اکبر رمضانپور، دکتر سیدعلیمحمد برقی، دکتر اسدالله توسلی، دکتر داود فیرحی، دکتر امیر بدخشان و دکتر مجید صادق آذرگرمی داشته شد.

پس از آن، آقای دکتر داوری اردکانی ضمن خوشامدگویی به آقای دکتر علی اکبر صالحی، از اینکه پذیرفته‌اند که در مقام قائم مقام و معاون پژوهشی، فرهنگستان بیش از گذشته از مقام دانش و تجربه ارزشمندشان بهره‌مند شود، اظهار خوشوقتی کرد و برای ایشان توفیق بیشتر در راه خدمت به علم و دانش و همکاری با فرهنگستان مسئلت نمود. آقای دکتر صالحی نیز ضمن تشکر از لطف ریاست فرهنگستان و ابراز خوشوقتی از حضور در جمع دانشمندان فرهیخته کشور، گزارش مختصری از فعالیت‌ها و برنامه‌ها بیان و اظهار امیدواری کرد که از همکاری‌ها و رهنمودهای اعضای فرهنگستان و گروه‌های علمی همواره بهره‌مند باشد. در ادامه جلسه و پس از تصویب صورت جلسه قبلی مجمع، پیشنهاد

یکصد و بیست و هفتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم روز پنجشنبه ۲۲ مهر ۱۴۰۰ با حضور ۳۸ عضو پیوسته از مجموع ۴۵ عضو پیوسته فرهنگستان، به ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم برگزار شد.

در این نشست ۱۸ عضو پیوسته به صورت حضوری و ۲۰ عضو پیوسته به صورت برخط شرکت کردند. در ابتدای جلسه و پس از تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید، اعضای مجمع ضمن قرائت فاتحه، یاد و خاطره استادان فقید آقایان دکتر احسان اشراقی، دکتر غلامعباس توسلی و دکتر لطف‌الله یارمحمدی اعضای پیوسته فقید فرهنگستان علوم را که در دو سال اخیر دارفانی را وداع گفته‌اند، گرامی داشتند. همچنین در ادامه با قرائت فاتحه یاد تعدادی از اعضای وابسته و همکاران مدعو فرهنگستان نیز که در دو سال اخیر دارفانی را وداع گفته‌اند، آقایان مرحوم: دکتر جواد بهبودیان، دکتر محمدرضا



عضویت پیوسته آقای دکتر سیدمحمد قاری سیدفاطمی استاد حقوق دانشگاه شهیدبهشتی در فرهنگستان علوم مطرح شد که پس از معرفی ایشان توسط آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی و بحث و تبادل نظر، با رأی گیری مخفی، به تصویب رسید. آقای دکتر قاری سیدفاطمی از سال ۱۳۹۴ همکار مدعو و از سال ۱۳۹۶ عضو وابسته گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم بوده است.

پس از آن پیشنهاد عضویت وابسته آقای دکتر فرشاد مؤمنی استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی برای یک دوره چهار ساله در فرهنگستان علوم مطرح شد که پس از معرفی ایشان توسط آقای دکتر حسین نمازی رئیس گروه علوم انسانی و بحث و تبادل نظر، با رأی گیری مخفی، به تصویب رسید. ایشان از سال ۱۳۹۴ همکار مدعو گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم بوده است.

سپس پیشنهاد عضویت وابسته آقای دکتر بهنام کشاورزی استاد زمین شناسی دانشگاه شیراز برای یک دوره چهار ساله در فرهنگستان علوم مطرح شد که پس از معرفی ایشان توسط آقای دکتر فرید مَر رئیس گروه علوم پایه و بحث و تبادل نظر، با رأی گیری مخفی، به تصویب رسید. ایشان از سال ۱۳۹۷ همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم بوده است.

در ادامه پیشنهاد عضویت وابسته آقای دکتر رضا مکنون دانشیار دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه صنعتی امیرکبیر برای یک دوره چهار ساله در فرهنگستان علوم مطرح شد که پس از معرفی ایشان توسط آقای دکتر محمدرضا اسلامی رئیس گروه علوم مهندسی و بحث و تبادل نظر، با رأی گیری مخفی، به تصویب رسید. ایشان از سال ۱۳۹۴ همکار مدعو گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم بوده است.

همچنین در ادامه پیشنهاد عضویت وابسته آقایان دکتر جهانگیر فقهی استاد رشته جنگلداری دانشگاه تهران، دکتر کورش وحدتی استاد رشته علوم باغبانی دانشگاه تهران، دکتر سیدسعید محتسبی استاد رشته مهندسی ماشین های کشاورزی دانشگاه تهران و دکتر رسول واعظ ترشیزی دانشیار رشته علوم دامی دانشگاه تربیت مدرس برای یک دوره چهار ساله در فرهنگستان علوم مطرح شد که پس از معرفی

آنان توسط آقای دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی و بحث و تبادل نظر، با رأی گیری مخفی، به تصویب رسید. آقای دکتر فقهی از سال ۱۳۸۹، آقای دکتر وحدتی از سال ۱۳۹۳، آقای دکتر محتسبی از سال ۱۳۹۶ و آقای دکتر واعظ ترشیزی از سال ۱۳۹۳ همکار مدعو گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم بوده اند.

در بخش دیگری از جلسه مجمع عمومی، پیشنهاد تمدید عضویت وابسته ۵۱ استاد عضو وابسته فرهنگستان علوم برای یک دوره چهار ساله دیگر: خانم دکتر شمس السادات زاهدی و آقایان دکتر عباس شاکری، دکتر حمیدرضا پوراعتماد و دکتر عباس منوچهری از گروه علوم انسانی، آقایان دکتر مهدی زارع، دکتر نوذر سامانی، دکتر خسرو خواجه، دکتر سعید سمنانیان، دکتر نعمت الله ریاضی و دکتر هاشم رفیعی تبار از گروه علوم پایه، خانم ها دکتر سیمین ناصری و دکتر طاهره کاغذچی و آقایان دکتر رضا فرجی دانا، دکتر محمد مدرس یزدی، دکتر فرامرز افشار طارمی، دکتر محمدحسن پنجه شاهی، دکتر ناصر توحیدی، دکتر کمال جانقربان، دکتر علی حائریان اردکانی، دکتر جلال حجازی، دکتر محمد سلطانی، دکتر ابراهیم شیرانی، دکتر جواد صالحی، دکتر مهرداد عابدی، دکتر جواد فیض، دکتر ناصر طالب بیدختی، دکتر ایرج گودرزینا، دکتر علی مقداری و دکتر عبدالله آقایی از گروه علوم مهندسی، آقایان دکتر غلامرضا سلطانی، دکتر علی ابطحی، دکتر داریوش مظاهری، دکتر امین علیزاده، دکتر علی خلیلی، دکتر عزت الله کرمی، دکتر سیروس سلمانزاده، دکتر محمود زبیری، دکتر مجید مخدوم فرخنده، دکتر علی نیکخواه، دکتر عبدالمجید رضایی، دکتر مصطفی ولی زاده، دکتر قباد آذری تاکامی، دکتر ضیاءالدین بنی هاشمی، دکتر محمد شاهدی باغ خندان و دکتر جلال جمالیان از گروه علوم کشاورزی، و آقایان دکتر سیدشهرام شکر فروش، دکتر محمد وجگانی، دکتر غلامرضا نیکبخت بروجنی، دکتر عباسعلی مطلبی، دکتر سیدمهدی قمصری و دکتر افشین آخوندزاده بستی از گروه علوم دامپزشکی، مطرح شد و با رأی گیری علنی، به تصویب رسید.

در بخش پایانی جلسه مجمع عمومی یکصد و هفتم، پس از بحث و تبادل نظر، با افزایش ۱۲ عضو پیوسته، به سقف تعداد اعضای پیوسته فرهنگستان علوم، موافقت شد.



انتشار تمبر ملی از مفاخر معاصر ایران

محمد ابراهیم باستانی پاریزی، محمد معین، سید جعفر شهیدی، پرویز کردوانی، مرتضی ممیز، خسرو شکیبایی، داوود رشیدی، محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی، جلیل شهناز، حسن کسائی، فرهاد فخرالدینی، لوریس چکنواویان، ابوالفضل زرویی نصرآباد، عمران صلاحی، کیومرث صابری فومنی، منوچهر احترامی، و فرماندهان شهید دفاع مقدس، شهیدان: صیاد شیرازی، همت، زین الدین، بروجردی، جهان آرا، کاظمی، خرازی، باکری و باقری به تصویب رسیدند.

در بخش اماکن تاریخی و فرهنگی هم تمبرهای ویژه‌ای با تصاویری از یادگیرهای دوطبقه ابرکوه یزد، گنبد سلطانیه زنجان، مسجد نصیرالملک شیراز و کاخ گلستان به تصویب رسیدند.

در بخش مناسبتی نیز تمبر ویژه ولادت حضرت امام رضا (ع) و دهه کرامت و همچنین تمبرهای شش قطعه‌ای ویژه حضور کاروان ورزشی ایران در المپیک ژاپن به تصویب رسید.

در جلسات شورای عالی تمبر در بهار ۱۴۰۰، پس از بحث و بررسی طرح‌های ارائه شده به شورا، در مجموع ۸۸ قطعه تمبر ملی تصویب شد و در مسیر چاپ و نشر قرار گرفت. انتخاب موضوعات تمبرهای ملی، حاصل دریافت نظرات رسمی متولیان و مراجع مسئول در حوزه فرهنگ و هنر، میراث و گردشگری، محیط زیست، موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ، انجمن‌های تخصصی و مشورت با برجستگان رشته‌های مختلف و تجمیع نظرات آن‌هاست. تمبرهای مصوب در سه بخش «مشاهیر و مفاخر ایران»، «اماکن تاریخی فرهنگی» و «موضوعات مناسبتی و رویدادهای ملی» تقسیم‌بندی شده‌اند.

تصویب انتشار ۴۵ تمبر ملی در اولین جلسه

در نخستین جلسه شورا، ۴۵ تمبر ملی به تصویب رسیدند. در بخش مشاهیر و مفاخر ایرانی تمبرهای آیت‌الله جوادی آملی و استادان: رضا داوری اردکانی، محمدرضا حکیمی، مهدی محقق، غلامحسین ابراهیمی دینانی، محمود دولت‌آبادی، محیط طباطبائی،



اخبار و گزارش

در بخش آثار هنری نیز آثاری از مجسمه‌سازان معاصر ایران، استادان: علی اکبر صنعتی، ابوالحسن صدیقی، پرویز تناولی و ژازه طباطبایی تصویب شد.

تمبرهای تصویب شده به زودی پس از تأیید و امضای وزیر ارتباطات در مناسبت‌های مرتبط به زیور طبع آراسته خواهند شد و در چرخه پستی جریان پیدا خواهند کرد.

تمبرهای تصویب شده از ظرفیت‌های مغفول مانده تاریخی، فرهنگی، زیست محیطی و اماکن و مشاهیر برجسته ایرانی است که با کیفیت قابل قبول موجب غنا و پرباری گنجینه‌های شخصی خواهد شد و مجموعه‌داری تمبر را نیز رونقی مضاعف خواهد بخشید.

تصویب انتشار ۳۳ تمبر ملی دیگر:

تصویب انتشار ۴۵ تمبر ملی که برای نخستین بار بود در یک جلسه شورای عالی تمبر مجوز می‌گرفت، نویدبخش فصل جدیدی از روند انتشار تصاویر مفاخر و مشاهیر اماکن تاریخی رویدادها و مناسبت‌ها و آثار هنری کشور بود. از این رو در جلسه بعدی شورا نیز انتشار ۳۳ تمبر ملی دیگر به تصویب رسید.

در این مجموعه از تمبرها تصاویر شاعران معاصر و درگذشته استادان: محمدحسین شهریار، حسین منزوی، نیما یوشیج، فریدون

مشیری، مهدی اخوان ثالث، قیصر امین‌پور، مشفق کاشانی و شاعران در قید حیات استادان: علی موسوی گرمارودی و احمد رضا احمدی؛ به چشم می‌خورد.

همچنین پرتره هشت نویسنده معاصر و درگذشته استادان: محمدعلی جمال‌زاده، جلال الدین همایی، عبدالحسین زرین‌کوب، عباس زریاب‌خویی، ابوالقاسم گرجی، یحیی مهدوی و نجف دریابندری؛ و نویسنده در قید حیات استاد احمد مهدوی دامغانی نیز جزو تمبرهای این مشاهیر قرار گرفته است.

هنرمندانی چون استادان سید محمد احصایی، ابوالحسن صبا، جلال الدین تاج اصفهانی، محمد نوری، ابراهیم قنبری مهر، داریوش مهرجویی؛ و نگارگرانی چون استاد میرزا آقا امامی و همچنین سیاستمداری چون میرزا حسن مستوفی عناوین دیگر فرهیختگانی است که در این فهرست قرار دارد.

در این مجموعه تصاویر بانوان فرهیخته‌ای چون استادان: قمرآریان (نویسنده) بدرالزمان قریب (زبان‌شناس)، فروغ فرخزاد (شاعر)، مریم میرزاخانی (ریاضیدان)، اشرف الملوک فخرالدوله (فعال اجتماعی)، سیده نصرت بیگم امین (مجتهد و عارف)، فریده مهدوی دامغانی (مترجم) و زینت السادات امامی (هنرمند نگارگر) بر قاب تمبر خواهد نشست.

اخبار کوتاه

■ آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در نامه‌ای به آقای دکتر بهمن نامور مطلق، انتخاب و تعیین ایشان به عنوان «رئیس فرهنگستان هنر» را به دکتر نامور و اعضای فرهنگستان هنر تبریک گفت و از اینکه آقای دکتر اسماعیلی سرپرست پیشین فرهنگستان به عنوان دبیر فرهنگستان هنر همکاری می‌کنند، اظهار خوشوقتی کرد.

■ با عنایت به تصویب یکصد و بیست و هفتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم، مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۲ و طی حکمی از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر سید محمد قاری سید فاطمی به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منصوب شد.

■ با عنایت به تصویب یکصد و بیست و هفتمین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان علوم، مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۲۲ و طی احکام جداگانه از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر فرشاد مؤمنی، دکتر رضا مکنون، دکتر بهنام کشاورزی، دکتر جهانگیر فقهی، دکتر کورش



وحدتی، دکتر سیدسعید محتسبی و دکتر رسول واعظ ترشیزی برای یک دوره چهارساله به عضویت وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران منصوب شدند.

■ با عنایت به پیشنهاد گروه علوم پایه و موافقت پانصد و دومین جلسه شورای علمی، طی احکام جداگانه از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، خانم دکتر افسانه صفوی و آقایان دکتر محمدعلی زلفی گل، دکتر مهران حبیبی رضایی، دکتر پیمان صالحی، دکتر سعید بلالایی و دکتر محسن مؤذن برای یک دوره دو ساله به عنوان همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم منصوب شدند. بر همین اساس و بنا به پیشنهاد گروه علوم مهندسی و موافقت پانصد و دومین جلسه شورای علمی، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر محمد پازوکی به عنوان همکار مدعو گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منصوب شد.

■ با عنایت به پیشنهاد گروه علوم کشاورزی و موافقت پانصد و سومین جلسه شورای علمی، طی احکام جداگانه از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر مقداد جور غلامی، دکتر سعید عشقی و دکتر داریوش حیاتی برای یک دوره دو ساله به عنوان همکار مدعو گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم منصوب شدند.

■ با عنایت به نظر مشورتی شورای گروه علوم پایه، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر محمد مهدی شیخ جباری عضو وابسته گروه علوم پایه برای یک دوره دو ساله به عنوان «رئیس شاخه فیزیک» گروه علوم پایه فرهنگستان علوم منصوب شد. همچنین رئیس فرهنگستان از زحمات و کوشش‌های مؤثر آقای دکتر نعمت‌الله ریاضی عضو وابسته فرهنگستان در دوره ریاست شاخه فیزیک تشکر و قدردانی کرد.

■ با عنایت به نظر مشورتی شورای گروه علوم مهندسی، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر محمد سلطانیه عضو وابسته گروه علوم مهندسی برای یک دوره دو ساله به عنوان «رئیس شاخه مهندسی شیمی» گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منصوب شد. همچنین رئیس فرهنگستان از زحمات و کوشش‌های مؤثر آقای دکتر جعفر توفیقی عضو پیوسته فرهنگستان در دوره ریاست شاخه مهندسی شیمی تشکر و قدردانی کرد.

■ با عنایت به نظر مشورتی شورای گروه علوم مهندسی، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، خانم دکتر سیمین ناصری عضو وابسته گروه علوم مهندسی برای یک دوره دو ساله دیگر به عنوان «رئیس شاخه بین گروهی محیط زیست» فرهنگستان علوم منصوب شد.

■ در جلسه مورخ ۱۹ خرداد ۱۴۰۰ هیئت وزیران، دو تن از اشخاص متبحر در فرهنگ و تاریخ ایران برای عضویت در شورای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران تعیین شدند. در این جلسه، هیئت وزیران ضمن موافقت با تمدید عضویت آقای دکتر مهدی حجت به مدت سه سال دیگر، آقای دکتر رسول جعفریان را نیز برای عضویت در شورای سازمان مذکور تعیین کرد. حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد تاریخ دانشگاه تهران است.

■ با حمایت معنوی فرهنگستان علوم از کنفرانس بین‌المللی انجمن ایرانی تحقیق در عملیات موافقت شد. این کنفرانس در مهرماه سال جاری توسط دانشگاه سجاد برگزار شد. شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان با کنفرانس مزبور همکاری کرد.



■ با حمایت معنوی فرهنگستان علوم از نخستین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی ریاضیات زیستی موافقت شد. این همایش در دی‌ماه سال جاری توسط دانشگاه دامغان برگزار می‌شود. آقای دکتر مهدی بهزاد عضو پیوسته فرهنگستان علوم پشتیبان فکری این همایش است و آقای دکتر هاشم رفیعی تبار عضو وابسته فرهنگستان علوم به عنوان نماینده فرهنگستان با همایش همکاری می‌کند.

■ با حمایت معنوی فرهنگستان علوم از کنفرانس «انرژی‌های تجدیدپذیر و تولید پراکنده ایران» موافقت شد. این کنفرانس در ۴ و ۵ اسفند سال جاری توسط دانشگاه سجاد برگزار می‌شود. شاخه مهندسی محیط زیست و انرژی فرهنگستان با کنفرانس مزبور همکاری می‌کند.

■ با عنایت به نظر شورای علمی و تأیید کارگروه تعیین اعتبار نشریات فرهنگستان علوم، با علمی شدن مجله «توسعه علوم انسانی» موافقت شد. این مجله به صورت دوفصلنامه توسط گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم منتشر می‌شود و تاکنون ۳ شماره از آن به چاپ رسیده است. آقای دکتر سیدمهدی الوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم مدیرمسئول و سردبیر مجله مزبور است.

■ با موافقت رؤسای فرهنگستان‌ها، آقای دکتر سیدمحمد رضا کلانتر معتمدی دبیر فرهنگستان علوم پزشکی، برای یک دوره دوساله دیگر به عنوان «دبیر امور مشترک فرهنگستان‌ها» تعیین شد.

■ طی حکمی از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، آقای حسین صالحی به سمت «مدیر امور مالی و بودجه» فرهنگستان علوم منصوب شد.

■ با عنایت به نظر مشورتی آقای دکتر علی اکبر صالحی قائم مقام رئیس و معاون پژوهشی فرهنگستان علوم، طی حکمی از سوی آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر جواد رحیقی استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادی به سمت «مدیر روابط بین‌الملل» فرهنگستان علوم منصوب شد.

■ آقای دکتر حسن ظهور عضو پیوسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم به عنوان نماینده فرهنگستان برای حضور در هیئت امنای مؤسسه ارزشیابی آموزش مهندسی ایران انتخاب و معرفی شد.

■ آقای دکتر سعید سمنانیان عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم به عنوان نماینده فرهنگستان برای عضویت در کمیسیون علمی، پژوهشی و فناوری بنیاد ملی نخبگان انتخاب و معرفی شد.

■ خانم دکتر سیمین ناصری عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم به عنوان نماینده فرهنگستان برای عضویت در کارگروه ملی «علوم باز» کمیسیون ملی یونسکو-ایران انتخاب و معرفی شد.

■ آقای حامد زارع مسئول امور کتابخانه و انتشارات فرهنگستان، تعداد ۲۲۷ عنوان کتاب در موضوعات جامعه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی و ... به کتابخانه فرهنگستان علوم اهداء کرد.



پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت دکتر محمدرضا باطنی



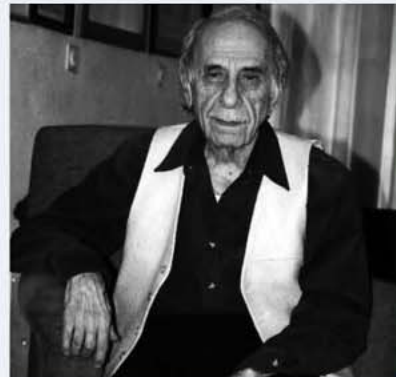
دکتر محمدرضا باطنی زبان‌شناس، فرهنگ‌نویس، نویسنده و مترجم برجسته معاصر و استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران در ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰، در سن ۸۷ سالگی دارفانی را وداع گفت. در پی درگذشت این استاد نامدار زبان‌شناسی معاصر، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس

فرهنگستان علوم پیام تسلیتی به شرح ذیل صادر کرد:

«هوالباقی؛ درگذشت استاد نامدار زبان‌شناسی دانشگاه تهران، جناب آقای دکتر محمدرضا باطنی را به دانشجویان و دانشمندان و به خصوص به زبان‌شناسان و به خانواده محترم ایشان تسلیت می‌گویم. خداوند ایشان را رحمت کند که مرد دانش و پژوهش و راستی و صراحت بیان بود و نجیب و بی‌ادعا. و در بنیان‌گذاری زبان‌شناسی در ایران سهم مؤثری داشت.

رضا داوری اردکانی».

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت جلال ستاری



آقای جلال ستاری، نویسنده، پژوهشگر، اسطوره‌شناس، مترجم، و دانشمند برجسته معاصر در تاریخ نهم مرداد ۱۴۰۰ در سن ۹۰ سالگی در منزل شخصی‌اش درگذشت.

در پی درگذشت ایشان، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم پیام تسلیتی به شرح ذیل صادر کرد:

«هوالباقی؛

درگذشت دانشمند گرانمایه آقای جلال ستاری را به خانواده معزز ایشان و به همه اهل دانش و فرهنگ تسلیت می‌گویم. رحمت خدا بر این خدمتگزار صمیمی و بی‌ادعای دانش و فرهنگ باد که همه عمر پربرکت خود را وقف مطالعه و تحقیق و تألیف و ترجمه آثار گزیده کرد. نام و یاد او با کتاب‌هایش خواهد ماند.

رضا داوری اردکانی، ۱۲ مرداد ۱۴۰۰».

رئیس فرهنگستان علوم اظهار داشت:

یاد و نام دکتر شیخ‌الاسلامی در دفتر دانش و دانشگاه زنده خواهد ماند



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به مناسبت چهلمین روز درگذشت مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر علی شیخ‌الاسلامی، عالم، مفسر قرآن کریم و چهره ماندگار ادبیات فارسی کشور، مراسم نکوداشت این استاد فقید را در فضای مجازی برگزار کرد.

در این برنامه که روز چهارشنبه ۲۶ خردادماه ۱۴۰۰ برگزار شد، آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دکتر محمود نیلی احمدآبادی رئیس دانشگاه تهران، دکتر حسن بلخاری رئیس انجمن آثار و مفاخر



اخبار و گزارش

فرهنگی، منوچهر صدوقی سها استاد و پژوهشگر حکمت و عرفان اسلامی و دکتر محمدحسن شیخ الاسلامی فرزند استاد فقید و رئیس دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه سخنرانی کردند. مشروح سخن دکتر داوری اردکانی بدین شرح است:

«من و استاد گرانمایه آقای دکتر شیخ الاسلامی بیش از چهل سال عهد دوستی داشتیم اما در سال های آخر عمر متأسفانه یکدیگر را نمی دیدیم. زمانه بدی شده است. دوستان از هم دور می مانند و این بدان معنی است که بنیاد دوستی در زمانه سست شده است و دوستان تا هستند کمتر وقت و فرصت دیدار یکدیگر را پیدا می کنند اما تا آدمی هست، دوستی هم هست و وقتی دوستی، این دیر خراب را ترک می کند، دوستانش افسوس و دریغ می خورند که چرا قدر صحبتش را ندانسته و دیدارش را غنیمت نشمرده اند. البته درس و سالی که من هستم رفت و آمد و دید و بازدید چندان آسان نیست و مشکل فقط این نیست، که زمانه هم آدمیان را به خود و کارهای خود مشغول کرده است:

زهی زمانه ناپایدار عهدشکن

چه دوستیست که با دوستان نمی پایی

که اعتماد کند بر مواهب نعمت

که همچو طفل ببخشی و باز بر بایی

به زارتر گسلی هر چه خوبتر بندی

تباه تر شکنی هر چه خوشتر آرایی

به عمر خویش کسی کامی از تو برنگرفت

که در شکنجه بی کامی اش نفرسایي

اگر ز باد فنا ی پسر بیندیشی

چو گل به عمر دوزخ غرور نمایی

ندوخت جامه کامی به قد کس گردون

که عاقبت به مصیبت نکرد یکتایی

آدمیان با عهد دوستی انسان شده اند و هنوز هم حق دوستی را فراموش نکرده اند. من هم وقتی خبر درگذشت دکتر شیخ الاسلامی را شنیدم تکان خوردم و متأسف شدم و دریغ خوردم که چرا از صحبت ایام پیری اش که دوران فرزاندگی هم بود محروم ماندم. دکتر شیخ الاسلامی ادیب و عارف بود و از خاندان علم و معرفت آمده بود و راه نیاکان را دنبال می کرد. شاید ادب و تواضع و رسم احترام به علم و معرفت را نیز از ایشان آموخته بود. این استاد ادبیات و معرفت، صاحب خرد عملی و اهل تدبیر هم بود. در زمانی که دانشگاه ها به مدیران دانشگاهی پاسدار دانش و پژوهش نیاز داشتند، قدم در میدان گذاشت. من به چشم خود آثار مدیریت ایشان را در دوران ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دیده ام و از درایت و تدبیری که در دوره تصدی ریاست دانشگاه های علامه طباطبائی و تربیت معلم داشتند کم و بیش خبردار می شدم. ایشان توانایی در حل مسائل با نرمش و صبر و مدارا داشتند. در کار درس و تدریس هم موفق بودند و مخصوصاً چون تجربه و عطف و خطابه داشتند مطالب دشوار را به زبان بالنسبه آسان بیان می کردند.

من یکبار دیگر این مصیبت را به خانواده ارجمند و فرزند گرامیشان آقای دکتر شیخ الاسلامی تسلیت عرض می کنم. از ابتدا قرار نبوده است که آدمیان عمر جاوید داشته باشند و زندگی ما پایانی دارد ولی مردم می خواهند و حق دارند بخواهند که خوبان دیرتر بمانند. متأسفانه دکتر شیخ الاسلامی از میان ما رفته است اما یاد و نامش در دفتر دانش و دانشگاه زنده خواهد ماند. یکی از فضائل تاریخ این است که خوبی و بزرگی در آن محفوظ می ماند. تاریخ حتی عظمت های پوشیده را در وقت مقتضی آشکار می کند. از خداوند غفور و رحیم درخواست کنیم که روان پاک دکتر شیخ الاسلامی را در پناه رحمت خود قرار دهد. ما هم به او سلام و درود بفرستیم».





درگذشت استاد دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم

آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم، زبان‌شناس برجسته کشور و استاد پیشکسوت دانشگاه شیراز در سن ۸۸ سالگی دارفانی را وداع گفت.

دکتر یارمحمدی در اول مرداد ۱۳۱۲ در فراهان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۷ از دانشسرای عالی مدرک کارشناسی زبان انگلیسی گرفت و در سال ۱۳۳۹ مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی را از دانشگاه ایندیانا آمریکا اخذ کرد. ایشان در سال ۱۳۴۳ به اخذ درجه

دکتری تخصصی زبان‌شناسی از دانشگاه ایندیانا نائل شد.

استاد دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران بود و در سال‌های متمادی عضویت در فرهنگستان علاوه بر چندین دوره ریاست شاخه زبان‌شناسی، طرح‌های پژوهشی دقیق اجرا و سمینارهای موفقی در خصوص مسائل مختلف زبان‌شناسی برپا کرد. فرهنگ‌نامه موضوعی توصیفی علوم انسانی از جمله طرح‌های پژوهشی بود که به همت آقای دکتر یارمحمدی و همکاران ایشان در گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم اجرا و به صورت کتاب تدوین و منتشر شد.

از آثار شادروان آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی می‌توان به کتاب‌های: «ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی»، لطف‌الله یارمحمدی، تهران: هرمس؛ «مبانی زبان‌شناسی: درسنامه دوره کاردانی و کارشناسی آموزش زبان و ادبیات فارسی»، لطف‌الله یارمحمدی، کوروش صفوی، احمد سمیعی، تهران: انتشارات مدرسه،

۱۳۸۵؛ basic persian for speakers of other languages، لطف‌الله

یارمحمدی، فیروز صدیقی، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۵؛

«گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی»، لطف‌الله یارمحمدی، تهران:

انتشارات هرمس، ۱۳۸۳؛ «تجزیه و تحلیل مقابله‌ای صوتی زبان

انگلیسی و فارسی: درسنامه‌ای در بررسی صوت‌شناسی کاربردی»،

لطف‌الله یارمحمدی، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۸۳؛

«فرهنگ‌نامه موضوعی توصیفی علوم انسانی، گفتمان‌شناسی،

جامعه‌شناسی زبان، روان‌شناسی و عصب‌شناسی زبان»، لطف‌الله

یارمحمدی، رضا نیلی‌پور، تهران: انتشارات فرزانه مهر، ۱۳۸۲؛

پژوهشی در صوت‌شناسی فارسی جدید: آهنگ و ویژگی‌های

وابسته، جلیل توحیدی، لطف‌الله یارمحمدی (مترجم)، محمدرضا

پرهیزگار (مترجم)، تهران: سمت، ۱۳۹۰؛ بررسی مقابله‌ای ساخت

جمله فارسی و انگلیسی (رشته مترجمی زبان انگلیسی)، لطف‌الله

یارمحمدی، تهران: دانشگاه پیام نور؛ آموزش تلفظ انگلیسی در قالب

صوت‌شناسی گشتاری، لطف‌الله یارمحمدی و غلامرضا پوراعتدال،

تهران: سمت؛ بررسی مقابله‌ای زبان فارسی و انگلیسی: واژگان،

آواشناسی و نحو، لطف‌الله یارمحمدی، تهران: دانشگاه پیام نور؛

درآمدی به آواشناسی، لطف‌الله یارمحمدی، تهران: مرکز نشر

دانشگاهی؛ آموزش مواد به بزرگسالان، لطف‌الله یارمحمدی؛ فرهنگ

بسامدی کامپیوتری زبان فارسی، لطف‌الله یارمحمدی؛ بررسی

مسائل دستوری و واژگانی زبان فارسی اشاره کرد.

همچنین کتاب «زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی» از جمله

کتاب‌هایی است که حاصل برگزاری نشست‌های شاخه زبان‌شناسی

فرهنگستان علوم است و به قلم آقایان دکتر لطف‌الله یارمحمدی،

دکتر رضا داوری اردکانی، دکتر رضا نیلی‌پور و دکتر علیرضا قائمی‌نیا

نگاشته شده و توسط انتشارات هرمس به چاپ رسیده است.

دکتر لطف‌الله یارمحمدی روز دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ در سن ۸۸

سالگی پس از تحمل یک دوره بیماری دارفانی را وداع گفت.

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ضایعه درگذشت این استاد

فقید را به جامعه علمی و دانشگاهی کشور، اعضای فرهنگستان

علوم، خانواده ایشان و استادان و همکاران و شاگردان ایشان در

دانشگاه شیراز و به دوستان و دوستان‌انشان تسلیت می‌گوید و برای



شادروان استاد یارمحمدی علو درجات در درگاه باری تعالی مسئلت دارد.

پیام‌های تسلیت رئیس و اعضای فرهنگستان علوم

در پی درگذشت استاد دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم، رئیس و تعدادی از اعضای فرهنگستان درگذشت ایشان را تسلیت گفتند. متن پیام‌ها بدین شرح است:

پیام تسلیت دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم:

«هوالباقی؛ درگذشت استاد گرانمایه آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی را به خانواده محترمشان و به همکارانشان در دانشگاه شیراز و به اعضای فرهنگستان علوم و بخصوص به اعضای گروه علوم انسانی فرهنگستان تسلیت عرض می‌کنم. خداوند ایشان را رحمت فرماید که از بزرگان علوم انسانی کشور بودند و همه عمر شریف خود را صرف دانش و پژوهش کردند.

رضا داوری اردکانی؛ ۲۵ مرداد ۱۴۰۰.

پیام تسلیت دکتر رضا نیلی‌پور رئیس شاخه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم:

«بارگشت همه به سوی است با کمال تأسف مطلع شدم آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی، زبان‌شناس برجسته کشور و چهره ماندگاری که یکی از بنیانگذاران دانشگاه شیراز و عضو پیوسته فرهنگستان علوم بودند، دارفانی را وداع گفته‌اند. برای آن مرحوم رحمت و مغفرت الهی مسألت می‌کنم. روحشان شاد.

رضا نیلی‌پور».

پیام تسلیت دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم

«انالله و انا الیه راجعون؛ بدینوسیله رحلت زبان‌شناس برجسته کشور شادروان دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه شیراز را به عموم دانشیان کشورم و همکاران عزیز

فرهنگستان علوم و استادان دانشگاه شیراز تسلیت عرض می‌کنم. برای روح آن درگذشته رضوان حق متعال و برای همه سوگواران صبر و اجر مسألت دارم.

سیدمصطفی محقق داماد؛ مردادماه ۱۴۰۰.

پیام تسلیت دکتر حسین نمازی دبیر فرهنگستان علوم و رئیس گروه علوم انسانی:

«درگذشت استاد گرامی جناب آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی را به خانواده محترم، دوستان، همکاران ایشان و اعضای فرهنگستان تسلیت عرض می‌کنم. از درگاه قادر متعال برای ایشان رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و سلامت آرزو مندم. حسین نمازی».

پیام تسلیت دکتر فرامرز رفیع‌پور رئیس شاخه جامعه‌شناسی فرهنگستان علوم:

«باسمه تعالی؛ ضایعه فوت استاد برجسته و انسان شریف و دوست داشتنی جناب آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی باعث تأسف و تأثر بسیار شد. این واقعه ناگوار را به اعضای محترم فرهنگستان و خانواده محترمشان، مخصوصاً به همسر دلسوز ایشان تسلیت عرض می‌کنم و از خالق متعال رحمت و مغفرت آن بزرگوار و صبر و تحمل برای همسر عزیزشان را مسئلت می‌نمایم.

فرامرز رفیع‌پور».

پیام تسلیت دکتر محمد رضا عارف عضو پیوسته فرهنگستان علوم و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام:

«انالله و انا الیه راجعون؛ ضایعه درگذشت جناب آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم موجب تأثر و تألم شد. دکتر یارمحمدی از پیشگامان حوزه زبان‌شناسی بود که کتاب‌های اساسی در این خصوص به رشته تحریر درآورده بود. با درگذشت این استاد ارجمند، فرهنگستان علوم عضو گرانمایه دیگری را از دست داد. این ماتم را به خانواده گرامی ایشان، شاگردان مرحوم یارمحمدی، و اعضای محترم فرهنگستان علوم تسلیت عرض



می‌کنم. رحمت خدا بر او باد که همه عمر در راه علم مخصوصاً توسعه علوم زبان‌شناسی کوشید و آزاد و اخلاقی زندگی کرد.

محمد رضا عارف».

پیام تسلیت دکتر محمد رضا مخبر دزفولی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی:

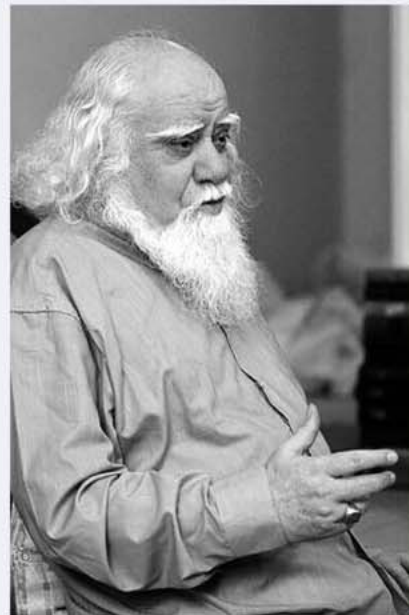
«باسمه تعالی؛ درگذشت استاد گرانقدر جناب آقای دکتر یارمحمدی را به جامعه علمی و دانش دوستان و علاقمندان ایشان به ویژه خانواده محترمشان تسلیت عرض می‌کنم. علو درجات برای آن مرحوم و صبر و سلامتی برای بازماندگان از خدای بزرگ مسألت دارم.

محمد رضا مخبر دزفولی».

دکتر محمد قلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم نیز در پیامی درگذشت استاد گرانقدر جناب آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی را به خانواده محترم ایشان و به اعضاء فرهنگستان علوم به ویژه اعضاء گروه علوم انسانی تسلیت گفت.

در پی درگذشت شادروان آقای دکتر لطف‌الله یارمحمدی، آقایان دکتر یوسف ثبوتی، دکتر محمود یعقوبی، دکتر سعید سهراب‌پور، دکتر حسن ظهور، دکتر مرتضی خوشخوی، دکتر کرامت‌الله ایزدپناه، دکتر نصرالله سفیدبخت، دکتر رسول جعفریان، دکتر فتح‌الله مضطرزاده و دکتر سیدمهدی الوانی اعضای پیوسته فرهنگستان علوم نیز در پیام‌هایی جداگانه، ضایعه درگذشت این زبان‌شناس برجسته کشور و عضو پیوسته فرهنگستان علوم را تسلیت گفتند.

حکیمی جامع علم دین و فلسفه و صاحب فضائل اخلاقی بود



در پی درگذشت فقیه و فیلسوف برجسته کشور استاد محمد رضا حکیمی، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در پیامی درگذشت این دانای بزرگ و جامع علم دین و فلسفه را تسلیت گفت. متن پیام رئیس فرهنگستان علوم بدین شرح است:

«هوالباقی؛ فرزانه خراسان استاد محمد رضا حکیمی که از مفاخر بزرگ یزد و اردکان نیز بود، به دیار دوست رحلت کرد. او دانایی بزرگ بود که گرچه شاگردی حوزه و مکتب فکری میرزای اصفهانی کرده بود و به او و شاگردان بزرگش احترام می‌گذاشت، هرگز قید پیروی از هیچ گروه و فرقه‌ای را نپذیرفت و به گمان من اگر مذهب میرزا را تفکیک نامید می‌خواست بگوید که با فلسفه مخالفت و ضدیتی ندارد بلکه به تفکیک میان دین و فلسفه قائل است.

اما وجه امتیاز خاص استاد حکیمی، تعلق خاطرش به توحید و عدالت بود. توحید و عدالت

مسأله بزرگ متفکران دین و مخصوصاً مابیه الاختلاف متکلمان بوده است، اما نظر حکیمی بیشتر به شأن اجتماعی عدالت بود که متقدمان کمتر به آن اعتنا داشتند. وجه توجه ایشان به عدالت هرچه باشد، سخنش در این باب، رنگ و فحوای کلام مولای متقیان علی علیه السلام دارد.

در ستایش مرحوم آقای حکیمی هرچه بگویم کم است. او جامع علم دین و فلسفه و صاحب فضائل اخلاقی بود و لحن گفتار و طرز رفتار و ظاهرش همه نشان از سماحت و شجاعت و آزادگی داشت. بی‌وجه نبود که اخوان ثالث شعر نمازش را با ادای احترام به او هدیه کرد و دکتر شریعتی اصلاح آثارش را به او سپرد.

این ضایعه بزرگ را به همه آزادگان و اهل دانش و معرفت و به دوستداران و شاگردان ایشان و به خاندان محترم حکیمی و بخصوص برادر ارجمندشان تسلیت عرض می‌کنم. رحمت و رضوان الهی ارزانی‌اش باد که در همه عمر به عدالت اندیشید و اثری بزرگ چون الحیاه پدید آورد.

رضا داوری اردکانی؛ اول شهریور ۱۴۰۰.

آیت‌الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم نیز در پیامی درگذشت استاد حکیمی را تسلیت گفت. متن پیام بدین شرح است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد

فریبنده زاد و فریبا بمیرد

شب مرگ، تنها نشیند به موجی

رود گوشه‌ای دور و تنها بمیرد

در آن گوشه، چندان غزل خواند آن شب

که خود در میان غزل‌ها بمیرد

چوروزی ز آغوش دریا برآمد

شبی هم در آغوش دریا بمیرد

تو دریای من بودی، آغوش واکن

که می‌خواهد این قوی زیبا بمیرد

حدود ۵۵ سال پیش، نخستین بار بود که مرحوم استاد حکیمی رضوان‌الله‌تعالی علیه را در یکی از حجرات مدرسه نواب مشهد زیارت کردم. من که آن روز طلبه‌ای جوان بودم، خود را در مقابل مردی یافتیم که «جهان بنشسته در گوشه‌ای» بود و از دامنش ادب و فضل سرازیر می‌شد. دستار خاکستری رنگی بر سر، و نه قبا بلکه پالتوی بلندی بر تن داشت. تسلطش بر ادبیات فارسی، ادبیات عرب، تاریخ، رجال و حدیث مرا خیره کرد. استاد حکیمی که اصالتاً اهل اردکان یزد و بزرگ شده خراسان بود، به زودی برای من به عنوان الگوی عالم عامل شناخته شد. آثار قلمی حکیمی، نشان‌دهنده ذوق سلیم در نگارش پارسی و عربی است.

استاد حکیمی، هرچند رهبر فکری برای نظریه تفکیک شناخته

می‌شد، اما از نظر اخلاقی مایلم به یک نکته اشاره کنم؛ آن‌چه من شاهد آن بودم، ادب و احترام بالایی بود که این بزرگوار به اربابان حکمت اسلامی می‌نمود. من مکرر به چشم خود دیده بودم که او در مقابل استاد شهید مطهری طاب‌ثراه، با کمال تواضع و احترام برخورد می‌کرد. به خاطر دارم روزی مرحوم حکیمی به من تلفن فرمودند و گفتند که شنیده‌ام برخی دوستان در نظر دارند که مجموعه مقالاتی در تکریم استاد مهدی حائری یزدی فراهم آورند، فرمودند من هم مایلم نسبت به این شخصیت بزرگ، ادای وظیفه کنم.

همه فضلا می‌دانند، استاد مهدی حائری یزدی که به هر حال یک فیلسوف شناخته شده بود، ولی ایشان با کمال ادب و احترام مقاله بسیار محققانه‌ای نوشتند و برای من فرستادند که در آن مجموعه منتشر شود.

مرحوم حکیمی، آرمانش تحقق عدالت علوی بود، ولی مناسب است این شعر محی‌الدین بن عربی را من در اینجا بخوانم. وقتی به محی‌الدین بن عربی خبر دادند که جنازه ابن‌رشد اندلسی، حکیم معروف را به دروازه قرطبه می‌آورند، محی‌الدین بن عربی به استقبال جنازه آمد، درسش را تمام کرد و به اتفاق دوستان و شاگردانش به استقبال جنازه آمد، ایستاد ملاحظه کرد که پیکر ابن‌رشد را بر تابوتی بر استری قرار داده بودند و برای حفظ توازن بار، طرف دیگرش را کتاب‌ها و تألیفات او نهاده‌اند. محی‌الدین شروع کرد زیر لب بالبداهه این بیت را زمزمه کرد و گفت: «هذا الحکیم و هذه آثاره، یا لیتی شعری هل اتت آماله». یعنی این جنازه حکیم است و آن هم آثار علمی و قلمی اوست. ای کاش می‌دانستم که آیا او به آرزوها و آمالش رسید؟ ما جا دارد، امروز به استادمان جناب حکیمی بگوییم، ای استاد! سال‌ها برای تحقق عدالت علوی قلم زدی، سخن‌ها گفتی، خون دل‌ها خوردی، فریادها زدی. آیا به آرزویت رسیدی؟ به هر حال آیه قرآن مجید را تلاوت کنیم: «وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا». قرآن مجید، از زبان حضرت عیسی می‌گوید. اما ما خطاب به استاد حکیمی، بالهام و گرته‌گیری از قرآن مجید می‌گوییم سلام بر تو، روزی که زندگی می‌کردی و قلم می‌زدی و می‌نوشتی و امروز که از میان ما رفتی، و سلام بر تو روزی که دومرتبه، در پیشگاه خدا حاضر می‌شوی. عاش سَعِيداً وَمَات سَعِيداً. والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته».

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت دکتر پرویز کردوانی

در پی درگذشت آقای دکتر پرویز کردوانی استاد نمونه دانشگاه تهران و چهره ماندگار جغرافی و کویرشناسی کشور، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم پیام تسلیتی به شرح ذیل صادر کرد:



«هوالباقی؛ درگذشت دانشمند گرامی آقای دکتر پرویز کردوانی استاد دانشگاه تهران را به دانشگاهیان و خانواده محترم تسلیت می گویم. آقای دکتر کردوانی از استادانی بود که با علمش زندگی می کرد و من در مدت پنجاه سالی که ایشان را می شناختم هرگز ندیدم که از یاد و فکر آب و خاک کشور غافل باشد و خطر خشکی و بی آبی را تذکر ندهد، گرچه سخنش را نمی شنیدند و دردا و دریغا که نمی توانستند بشنوند. خداوند ایشان را رحمت کند و به بازماندگان گرامیش آرامش و شکیبایی عطا فرماید. رضا داوری اردکانی».

فرهیختگان بسیاری نظرات خود را در این کتاب مطرح کرده اند. رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ادامه داد: مسائل ایران در این جلسات با رویکرد ارائه راهکارهای مناسب به مسئولان کشور مورد بررسی قرار گرفت و استاد رضا داوری اردکانی در این زمینه نظریه قابل تأملی را ارائه کردند که مخالفان و موافقان بسیاری داشت. دکتر داوری در طرح نظریات خود مطرح کرده بود که اصولاً مسئله ای وجود ندارد و به موضوعات جامعه نمی توان عنوان مسئله را الصاق کرد. وی گفت: تعالی افکار در جهت فرهنگ سازی یک ایده، یاری رسان است و تشکیلات کوچک مدنی فرصتی برای تبادل اندیشه ایجاد کرده است و در این بین صاحبان اندیشه جایگاه بی بدیلی دارند. خوشبختانه نسل امروز گوش شنوا دارند و اهالی فکر و اندیشه تشنه شنیدن هستند. به اعتقاد من رسالت بزرگان این است تا ناگفته ها را برای نسل جوان بازگو کنند.

آقای دکتر محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در ادامه مراسم اظهار داشت: تحولات اجتماعی بر عهده مراکز علمی است و اگر مراکز علمی حرکت نکنند سطح فکری جامعه متحول نخواهد شد و در جلسات مربوط به کتاب «کاوش مسائل اساسی ایران» بر طرح مسائل و مشکلات مردم در اجتماع آزادانه تأکید می شد. وی افزود: آنچه که امروز در همسایگی ایران در افغانستان شاهد هستیم، نشان دهنده این مهم است که متفکران،



رونمایی از کتاب کاوش مسائل اساسی ایران

مراسم رونمایی کتاب «کاوش مسائل اساسی ایران» روز یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۰، با حضور خانم دکتر اشرف بروجردی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، آقای دکتر علی اکبر صالحی قائم مقام رئیس و معاون پژوهشی فرهنگستان علوم و آیت الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در محل کتابخانه ملی برگزار شد.

خانم دکتر بروجردی در این مراسم گفت: دغدغه بررسی مسائل مربوط به ایران از دو سال پیش آغاز شد و این سؤال مطرح بود که در جامعه اسلامی با چه نگاهی باید مسائل را حل و فصل کرد؟ از همین رو برای پاسخ به این سؤال مهم جلساتی برگزار شد که مسئولیت برپایی این جلسات به عهده استاد محقق داماد بود و اندیشمندان و



علما، دانشمندان و غیره به فکر تحول فکری توده‌ها نبوده‌اند و این خطر که دوباره جهل، تاریکی و ظلمت بر اجتماع سایه اندازد نیز وجود دارد. دکتر محقق داماد تأکید کرد: جریان‌ات پیش آمده در افغانستان اعلام خطر برای بازگشت جامعه به سمت ارتجاع است و متأسفانه تحول فکری در جامعه رخ نداده و تزریق خرافات به مردم در جریان است. استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی عنوان کرد: در این بین سؤالاتی از قبیل اینکه چه باید کرد که جامعه از جهل مطلق به خصوص جهل دینی نجات پیدا کند؟، مطرح است. بنده بارها به صراحت گفته‌ام جهل دینی خطری است که متوجه جامعه ما است. به عبارت دیگر دین در لباس خرافات عرضه می‌شود اما آیا جامعه دیندار همراه با خرافات، بهتر از جامعه بی‌دین است؟ آیا دین کج‌اندیشانه بهتر از بی‌دینی است؟ پاسخ به این سؤالات در کتاب «کاوش مسائل اساسی ایران» مطرح و مورد بررسی قرار گرفته است. رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم اظهار داشت: امید است در آینده اهل دانش و فرهنگ راه حل نهایی برون‌رفت از این شرایط را ارائه دهند تا آگاه شویم که با چه روش و زبانی توده جامعه هدایت می‌شود. به اعتقاد من باید فرهنگ تحول را سر سفره مردم آورد اما در حال حاضر پاسخ و راهکار روشنی برای تحقق این مهم وجود ندارد.

آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم نیز در این مجلس اظهار داشت که جلسات متعددی برای پیشبرد کتاب «کاوش مسائل اساسی ایران» با حضور استادان و صاحب‌نظران برجسته برگزار شد و مجموع مباحث در جهت اصلاح مسائل کشور در حوزه‌های مختلف بود. وی ادامه داد: در این جلسات استادان رشته‌های مختلف علمی حضور داشتند که گفت‌وگوهای خوبی شکل گرفت و اساساً طرح مباحث ارزشمند از نکات مثبت مجموع این جلسات بود. رئیس فرهنگستان علوم در بخش دیگری از سخنانش و درباره موضوع افغانستان نیز تصریح کرد: موضوع پیش آمده در افغانستان، فاجعه زمان ما است و مردم افغانستان مسئول آنچه که در کشورشان رخ داده، هستند و ما نیز پاسخگوی مسائل و مشکلات کشورمان هستیم.

آقای دکتر علی‌اکبر صالحی قائم‌مقام رئیس و معاون پژوهشی

فرهنگستان علوم نیز در این مراسم گفت: ایران در طول تاریخ دو بار شیوه جدید حکمرانی عرضه کرده است. بار اول در زمان هخامنشیان که حکمرانی خود را از شرق تا غرب گستراندند و توانستند جهان را به خوبی و هوشمندانه اداره کنند و در مرتبه دوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، که شیوه حکمرانی مبتنی بر ولایت فقیه در پیش گرفته شد. حال باید دید کشوری که توانایی ارائه شیوه‌های مختلف حکمرانی را دارد آیا ظرفیت اصلاح‌پذیری نیز دارد؟ معاون پژوهشی فرهنگستان علوم تأکید کرد: جامعه مانند فرزند تازه متولد شده است که مراحل رشد را طی می‌کند تا به برانگیختگی و شکوفایی برسد که به اعتقاد من برانگیختگی جامعه ایران از مشروطه آغاز شد و در انقلاب سال ۱۳۵۷ به تجلی رسید. ایشان توضیح داد: کشور از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون دوران بالندگی را طی کرده و جلساتی از این دست، نمونه‌ای از سیر در مسیر بالندگی است. دکتر صالحی افزود: جامعه فرهیخته، جامعه به کمال رسیده است و محور اساسی در تحول جوامع، آزاداندیشی است و اگر محلی برای تضارب آرا وجود نداشته باشد تمامی مباحث اهالی علم و نظر، ابتر باقی می‌مانند. در هر دولت و حکومت، امنیت ملی اصل و ملاک است و باید بر اساس آزاداندیشی و در چارچوب اصل پیش گفته، کارکرد حکومت و حاکمان با منطق و استدلال مورد سؤال قرار گیرد. اگر به دین خرافات اضافه شود زنگار می‌گیرد و مسیر آن تغییر می‌یابد. وقتی که یک مسئول کشور به عنوان متخصص، درباره مذاکرات خارج از عرف صحبت کند زیر سؤال می‌رود؛ اما اگر شخصی در لباس روحانیت انواع خرافات را مطرح کند مورد سؤال قرار نمی‌گیرد. از همین رو معتقدم مسئولیت اجتماعی در قبال گفتار ناصواب در کشور وجود ندارد و این امر یکی از مسائل اجتماعی مهم ایران است. وی تأکید کرد: امروزه جوانان ما باهوش هستند و در شبکه‌های اجتماعی با انواع استدلال‌ها و منطق‌ها روبرو می‌شوند؛ همزمان برخی فقط با بر تن کردن لباس روحانیت با بیان و القاء خرافات دینی، شهد شیرین دین را از بین می‌برند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا اكْرَاهُ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» و هدف از بیان آن این است که حکمرانی با جبر محقق نمی‌شود بلکه با اختیار محقق خواهد شد. به اعتقاد من یک



حکمران زمانی موفق است که اصلاح‌پذیر باشد و به سخنان نخبگان جامعه که از سرخیرخواهی نظرات خود را بیان می‌کنند گوش دهد. در مراسم رونمایی از کتاب «کاوش مسائل اساسی ایران» دکتر فریبرز

آیت‌الله دکتر محقق داماد درخواست کرد:

ثبت صدمین سال تأسیس حوزه علمیه قم توسط یونسکو

رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم از دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو در ایران درخواست کرد که تمشیتی اتخاذ شود تا صدمین سال تأسیس حوزه علمیه قم توسط یونسکو به رسمیت شناخته و ثبت گردد. در نامه آیت‌الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد به آقای دکتر حجت‌اله ایوبی آمده است: با نوروز سال ۱۴۰۱ خورشیدی یکصد سال از تأسیس حوزه علمیه قم می‌گذرد. حوزه‌ای که بدون هرگونه گزافه، اغراق و مبالغه بزرگترین مرکز فرهنگی، علمی، آموزشی و پژوهشی در دانش الهیات در ایران و شاید یکی از درخشان‌ترین مراکز علمی جهان به شمار می‌آید. این مرکز علمی از

خسروی معاون کتابخانه ملی، دکتر غلامرضا ظریفیان رئیس اندیشه‌گاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دکتر آرمان ذاکری استادیار و گردآورنده کتاب «کاوش مسائل اساسی ایران» نیز حضور داشتند.

بدو تأسیس تاکنون موفق به تربیت هزاران فقیه، حکیم، ادیب، مفسر قرآن، مورخ، متکلم و متبحر در اخلاق شده است. همچنین در این مرکز علمی ده‌ها عنوان کتاب در زمینه‌های فقه و حقوق اسلامی، حکمت، تفسیر قرآن، تاریخ اسلام، کلام و ادیان و عرفان و اخلاق تألیف و منتشر شده است. بر این اساس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران از جنابعالی درخواست دارد که تمشیتی اتخاذ شود تا صدمین سال تأسیس این مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی توسط یونسکو به رسمیت شناخته و ثبت گردد.

برگزاری نشست سالانه هیئت امنای بنیاد بوعلی سینا

سخنان دکتر اعوانی و دکتر جعفریان در این جلسه

روز دوشنبه ۱۴ تیر ۱۴۰۰، نشست سالانه هیئت امنای بنیاد علمی و فرهنگی بوعلی سینا به ریاست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در محل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.

در این نشست پس از بحث و بررسی درباره لزوم پشتیبانی دستگاه‌های ملی و استانی از برنامه‌های معرفی میراث ابن سینا، از سه عنوان کتاب انتشارات بنیاد بوعلی سینا با عناوین «تصحیح متن عربی کتاب دوم القانون» توسط دکتر نجفقلی حبیبی و «ترجمه و شرح قسمت حساب از کتاب شفا» توسط استاد سیدعبدالله انوار و «مقالات انتقادی و تفسیری ابن سینا» ترجمه از انگلیسی با همکاری نشر ترجمان رونمایی شد. همچنین به پاس حمایت آقای دکتر سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از ترویج حکمت و طب سینوی، تندیس خردمندی «حکمتانه» از سوی استانداری

همدان و بنیاد بوعلی سینا به ایشان اهدا شد.

آقای دکتر سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس هیئت امنای بنیاد بوعلی سینا در این نشست گفت: ابن سینا نماد ایران است. ایران محل تولد اوست و تنها مکانی که ابن سینا با آن شناخته می‌شود، ایران است. بنابراین اگر قرار باشد موزه‌ای در شأن این حکیم ایجاد شود، بهترین جا برای آن همان بنای آرامگاه اوست. صالحی با اشاره به ظرفیت حضور دانشجویان خارجی در کشور و آشنا کردن آنها با میراث بزرگان ایرانی گفت: همان گونه که عام‌ترین نماد ایران و حکمت ایرانی-اسلامی، ابن سینا است؛ و بقیه مفاخر ما به اندازه این دانشمند بزرگ شناخته شده نیستند؛ بنابراین می‌توان برای آشنا کردن دانشجویان خارجی با طعم ناب‌تری از فرهنگ ایران، برنامه‌هایی در تهران و همدان برای آنها تدارک دید تا با میراث حکمت سینوی آشنا شوند.

رئیس هیئت امنای بنیاد بوعلی سینا افزود: بر اساس گزارش‌های دبیرخانه بنیاد؛ فعالیت‌های سال گذشته از جمله همایش دانشجویی، درس‌گفتارها، چاپ کتب و سایر برنامه‌ها قابل قبول بوده و الحمدلله قدم‌های خوبی برداشته شده است و می‌توان به ادامه راه خوشبین و امیدوار بود. صالحی سپس با تشکر از پیشنهادهای اعضای هیئت امنای؛ تداوم جایزه دیمیتری گوتاس، ادامه درس‌گفتارهای سینوی، آموزش تحصیح متون خطی به نسل جوان، ایجاد کتابخانه دیجیتال، فعال‌تر شدن در فضای مجازی در سطح ملی و فراملی، عقد تفاهم‌نامه با بنیاد ابن سینای ازبکستان و فراهم کردن شرایط مالی توسط معاونت‌های توسعه مدیریت و منابع و امور فرهنگی وزارت ارشاد و استانداری را از جمله مصوبات این نشست اعلام کرد.

آقای دکتر غلامرضا اعوانی عضو هیئت امنای بنیاد بوعلی سینا نیز در این جلسه اظهار داشت: نسخه‌های خطی زیادی از میراث ابن سینا و سایر دانشمندان در ازبکستان وجود دارد و آنها نیز ادعای تصاحب ابن سینا را دارند. البته ابن سینا آن گونه که در ایران شناخته می‌شود در سایر کشورها ناشناخته است و هیچ کشور و فرهنگی با توجه در اهمیت بخشیدن به علوم عقلی به پای ایران نمی‌رسد و ابن سینا به همین جهت که از ایران برخاسته است، در جهان امروز اهمیت دارد.

به دعوت پاپ فرانسیس انجام شد:

گردهمایی رهبران تمامی ادیان اصلی دنیا در باره مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی

حضور و سخنرانی رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در این اجلاس

در اقدامی بی‌نظیر، و به دعوت پاپ فرانسیس، نمایندگان و رهبران تمامی ادیان اصلی دنیا در روز دوشنبه ۱۲ مهرماه ۱۴۰۰ در واتیکان گرد هم آمدند و با رایزنی با یکدیگر و تبادل آرا با دانشمندان برجسته جهان، بیانیه‌ای عملی درباره مسائل مرتبط با تغییرات اقلیمی صادر، و از پاپ درخواست کردند که به نمایندگی از همه ادیان آن راه رهبران سیاسی شرکت کننده در کنفرانس COP26 تسلیم کند.

آیت‌الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی نیز از ایران به عنوان یکی از متفکران شیعی در این گردهمایی مدعو و شرکت کرد و ضمن امضای بیانیه مشترک ادیان، به ایراد سخنرانی پرداخت.

خلاصه سخنان استاد محقق داماد به شرح زیر است:

«بحران محیط زیست که امروز حیات بشر را بر روی کره زمین سخت و دشوار کرده، یک بحران اخلاقی و فکری است و برای حل آن رهبران دینی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. نگاه بشر به جهان پیش روی خویش دوگونه نگاه است: الهی و غیر الهی. در نگاه الهی، مجموعه جهان پیش رو

دکتر اعوانی در ادامه خواستار ایجاد مراکزی برای فروش و عرضه کتب ناشران ایرانی در خارج از کشور شد تا سود زحمات ناشران داخلی به جیب برخی دلالتان نرود. عضو پیوسته فرهنگستان علوم با اشاره به لزوم همکاری دانشگاه بوعلی سینا با فعالیت‌های علمی و انتشاراتی بنیاد بوعلی سینا افزود: بایستی از امکانات شهر همدان برای معرفی و چاپ آثار ابن سینا استفاده شود و دانشگاه بوعلی باید پیشگام این مسئله باشد.

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای دکتر رسول جعفریان نماینده فرهنگستان علوم نیز در این جلسه اظهار داشت: اگر بنیاد بوعلی سینا بتواند کتابخانه دیجیتال آنلاینی دایر کند، گام مهمی برای معرفی ابن سینا برداشته خواهد شد. برای انجام این کار با توجه به در دسترس بودن نسخه آثار و متن‌های چاپ شده و مقالات، می‌توان آن را در یک وبسایت در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. دکتر جعفریان با اشاره به فعالیت‌های مرکز دیجیتال نور گفت: می‌توان آثار چاپ شده قدیمی و پژوهش‌های نو را با همکاری این مرکز ارائه داد تا در اختیار دانشجویان و اهل علم قرار گیرد. همچنین صدها نسخه از آثار و تالیفات ابن سینا در دانشگاه‌های اروپا و ترکیه به طور رایگان در فضای اینترنت در دسترس قرار دارد که با تجمیع آن در یک کتابخانه آنلاین، پشتیبانی قوی برای کار پژوهشی فراهم خواهد شد.

طبیعت از نظر مؤمنین مقدس است و هرگز مؤمنین به طبیعت تجاوز نمی‌کنند.

به موجب آنچه در متون مقدس آمده نیز، خدا در آغاز آفرینش انسان، او را به دو امر ملتزم کرده است: یکی اجتناب از قتل نفس و دیگری اجتناب از آلوده کردن طبیعت و متأسفانه امروز بشر به عهد الهی وفا نکرده و مرتکب کشتار بی‌گناهان و تخریب و فساد در طبیعت می‌شود. رسالت پیروان ادیان در جهان معاصر اتحاد برای رساندن پیام الهی و تحقق و وفای به این دو تعهد خداوند است.

لازم است ذکر شود که بیست و ششمین کنفرانس جهانی تغییر اقلیم، در ماه نوامبر سال جاری در شهر گلاسکو اسکاتلند برگزار خواهد شد و پس از کنفرانس پاریس سال ۲۰۱۶ که منجر به توافق اقلیمی جهانی شد، مهمترین نشست رهبران سیاسی دنیا برای مواجهه با مشکلات اقلیمی خواهد بود.



اعم از انسان، حیوانات، کوه‌ها، دریاها و سایر بخش‌های طبیعت یک مجموعه هستی و همه مظاهر آفریدگار و نشان‌دهنده او هستند در حالی که در نگاه غیر الهی چنین نیست. در این نگاه بشر خود را جدای از طبیعت می‌بیند و طبیعت را برای خود و در تسخیر خود می‌داند و همواره تلاش دارد که تسلط بیشتری بر آن به دست آورد. در حالی که در نگاه نخستین بشر برای طبیعت احترام قائل است و خود را جزئی از آن می‌داند. در قرآن مجید، طبیعت همانند انسان با خدا گفتگو می‌کند و تسبیح خدا می‌گوید. لذا

پیام رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در پی فاجعه افغانستان

«بسم الله الرحمن الرحيم

ان الذين امنوا ولم يلبسوا ايمانهم بظلم اولئك لهم الامن وهم مهتدون

فاجعه دلخراش کشتار بی‌رحمانه عده‌ای بی‌گناه در شهر قندوز افغانستان برای تمام اعضای تمدن بشری اسفناک و مایه شرمساری است ولی برای جامعه دینداران دردآورتر و تأسف‌بارتر است از آن جهت که اینگونه فجایع تحت پوشش دین و به نام تقرب الی الله انجام می‌گیرد آن هم به نام دینی که مؤمنین آن به خدایی باور دارند که عین سلام و رسالت پیامبرش (ص) گسترش رحمت، مهربانی و صلح است.

در اینکه پشت پرده و مسبب اصلی این اقدامات جنایتکارانه دست‌های ناپاک قدرت‌های سیاسی و تشنگان قدرت وجود دارد تردیدی نیست و از ارباب قدرت فزون طلب جز حفظ منافع خود انتظار دیگری نیست. ولی مصیبت آنجاست که مباشرین مستقیم فریب خورده و قربانیان بدبخت سیه روزگار که با انفجار خویشتن موجب به خاک و خون کشیدن دیگران می‌شوند به انگیزه رسیدن به بهشت برین زندگی مردم بیگناه را به جهنم سوزان مبدل می‌سازند. انگیزه‌ای که با تزریق جهل و شستشوی مغزی توسط تشنگان قدرت فراهم گردیده است!!

آنچه در تزریق جهل و تسریع این فجایع نقش مستقیم دارد عنصر خطرناکی است به نام «تکفیر»! تکفیر یعنی خود را اصل به حقیقت دانستن و دیگران غیرموافق خود را باطل و فاقد هرگونه حق حتی حق حیات دانستن و علاوه آنکه خود را مکلف به سلب حیات از آنان کردن!

اینجانب ضمن آنکه خود را سوگوار این فاجعه انسانی می‌دانم و با تمام عزیزان افغان هم‌فغانم با طلب رضوان واسع الهی برای همه به خون



خفتگان مظلوم، از بزرگان جوامع دینی عاجزانه می‌خواهم که به جای معلول علت را نشانه بگیرند و برای جلوگیری از تکرار این فجایع اسفبار تکفیر را محکوم و تحمل و بردباری دینی و احترام به اندیشه دیگران را توصیه فرمایند. ندای ازلی و ابدی و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین (انبیاء/ ۱۰۷). و وحدت خانواده بشری یعنی مفاد یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی (حجرات/ ۱۳) را تعلیم و آموزش دهند تا رسالت ادیان به جایگاه اصلی خود بازگردد. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

سیدمصطفی محقق داماد؛ ۲۰ مهرماه ۱۴۰۰ خورشیدی.



واکنش گروه مطالعات اسلامی به ادعای پایه‌گذاری فیزیک کوانتوم توسط محی‌الدین ابن عربی

جلسه حضور داشتند، توضیحاتی در مورد این مسئله ارائه دادند. پس از آن آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم با اشاره به این نکته که ارزش آموزه‌های اسلامی به معارف معنوی آن است گفت: «در کشور ما هر روز عده‌ای پیدای می‌شوند که پزشکی و فیزیک و ... را به مبانی دینی منتسب می‌کنند. این انتساب به نوعی تحقیر دین و دین‌داران است». ایشان رسالت انبیاء الهی را تربیت نفسانی بشر دانست و گفت: «همه انبیاء الهی برای تربیت جان بشر به رسالت مبعوث شده‌اند و هدف آنها تأسیس علوم تجربی یا فنی نبوده است».

دکتر محقق داماد در ادامه افزود: «همواره در اسلام حرمت دانش و دانشمند نگاه داشته شده و در سایه این تکریم کثیری از دانشمندان مهم تاریخ در دامن تمدن اسلامی بالیده‌اند. به باور من با انتساب یک نظریه کاملاً مدرن به محی‌الدین ابن عربی، حرمت دانش و دانشمندان از یک سو و حرمت علما و عرفای مسلمان از سوی دیگر مورد هتک قرار می‌گیرد». رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم در پایان سخنان خود از همه سیاسیون و نظامیون خواست در نقد و نقل مطالب علمی احتیاط کنند.

در ادامه آقای دکتر غلامرضا اعوانی عضو پیوسته فرهنگستان علوم با ذکر این نکته که همه آثار محی‌الدین ابن عربی را دیده‌اند و مدعیان ترابط فیزیک و عرفان باید برای سخن خود حجت بیاورند گفت: «در مسائل

در جلسه مورخ ۲۵ مهر ۱۴۰۰ شورای گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم نتایج گزارشی از رصد فضای عمومی علم کشور توسط دبیر گروه قرائت شد. یکی از این گزارش‌ها راجع به انتساب فیزیک کوانتوم به شیخ محی‌الدین ابن عربی بود. چندی پیش یکی از مسئولان با حضور در صداوسیما ادعایی در ارتباط با فیزیک کوانتوم و ابن عربی مطرح کرده بود که انعکاس زیادی در داخل و خارج از کشور داشت. ایشان در بخشی از سخنان خود گفته بود: «ما سرمشاء علم کوانتوم هستیم اما نمی‌شود اعلام کنیم. در عرصه کامپیوترهای کوانتومی هم جلودار هستیم. علم کوانتوم علمی بسیار قدیمی در جوامع اسلامی است. قریب به هزار سال پیش دانشمندان مسلمان در این باره صحبت کردند. ... دو سال پیش یک کنفرانس به مناسبت صدمین سال آغاز علم کوانتوم در نیویورک برگزار شد و دانشمندان ایرانی هم در آن شرکت داشتند. مقایسه مطالب عنوان شده در آن به عنوان آخرین یافته‌های کوانتوم با یک کتاب ابن عربی، فیلسوف و عارف مسلمان، نشان می‌دهد که عبارت‌های ابن عربی کامل‌تر از عبارت‌های دانشمندان اخیر است».

این سخنان که پژواک بسیاری در رسانه‌های خارج از کشور داشت، توسط انجمن فیزیک ایران نیز مورد نقد و رد قرار گرفت. از این رو، در ابتدای جلسه شورای گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم، برخی از فیزیکدانان فرهنگستان علوم که به دعوت گروه به صورت مجازی در





علمی و فلسفی ادعا جایی ندارد و همه محکومیم که سخن خود را مستند ارائه دهیم و مبادی خود را شرح دهیم». عضو پیوسته فرهنگستان در ادامه با اشاره به نظریه توماس کوهن درباره انقلابات علمی افزود: «نظریات علمی در هر دوره‌ای متغیر از دوره پیش از خود هستند. در تاریخ فیزیک با ظهور فیزیک کپرنیک، فیزیک بطلمیوس از میان رفت. سپس فیزیک نیوتن به منصف ظهور رسید و کپرنیک را از عرصه راند. با ظهور آلبرت انشتین فیزیک نیوتنی نیز به چالش کشیده شد و اکنون نیز فیزیک کوانتوم دایممدار این دانش است».

دکتر غلامرضا اعوانی با شرح تفاوت‌های علم و فلسفه گفت: «این تغییر پارادایم‌ها و نظریاتی که در علم با آن مواجهیم، جایی در فلسفه و عرفان ندارد. چرا که فلسفه و عرفانی که تعبیر حکمت درباره آنان به کار می‌بریم مطلق و غیرقابل تغییر هستند».

آقای دکتر سید محمد قاری سید فاطمی عضو پیوسته فرهنگستان علوم نیز در سخنان خود ضمن تأیید سخنان آقایان دکتر محقق داماد و دکتر اعوانی، علوم تجربی را محصول تجربه متحول بشر دانست و با اذعان به این نکته که دین متکفل علوم تجربی نیست گفت: «فیزیک کوانتوم به مثابه بخش نسبتاً متأخر دانش فیزیک، محصول تحولات فکری و دستاوردهای علمی فیزیکدانان متأخر است». دکتر سید فاطمی با اشاره به این نکته که انتساب فیزیک کوانتوم به ابن عربی بیش از آنکه وهن دانش فیزیک باشد، وهن معارف دینی است افزود: «اساساً تحمیل دین به تحولات تجربی، خروج از کارکرد، غایت و هدف دین است. چه اینکه مسئله اصلی دین کمک به حل بحران‌های معنوی و یافتن راهی برای معنایابی زندگی بشری است». ایشان در پایان با رد سخنان مطرح شده درباره ابن عربی و فیزیک کوانتوم گفت: «اگر کسی بگوید ابن عربی فیزیک کوانتوم را مطرح کرده شبیه این است که گفته شود سهروردی آنتی بیوتیک را کشف کرده بود. هر دو این مدعیات ناپذیرفتنی و مردود است».

در پایان جلسه نیز آقای دکتر رسول جعفریان عضو پیوسته فرهنگستان علوم در مقام جمع‌بندی با ذکر یک نکته تاریخی که در دنیای اسلام خلط میان مسائل علوم تجربی با مباحث دینی از قرن‌ها پیش وجود داشته است گفت: «همواره کسانی با اظهار نظرهای شگفت خود، برای دین، بحران‌سازی کرده‌اند. نمونه‌های ساده آن را در تفاسیر قرآنی می‌توانیم ببینیم که کسانی با استفاده از ظواهر آیات سعی کرده‌اند به

اظهار نظر درباره قوانین علمی بپردازند. این امر در قرن گذشته رواج بیشتری یافته و کسانی برای اینکه دین را علمی معرفی کنند، دست به تحریف دین و برداشت‌های نادرست زده‌اند».

دکتر جعفریان در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: «در چند دهه گذشته، این مسأله با ادعاهایی درباره اینکه اسلام برای خود علوم تجربی ویژه دارد، دوباره رونق گرفته و با استفاده از عواطف پاک مردم در اعتماد به دین، کسانی در پی طرح ادعاهای نادرست اما فریبنده و جذاب شده‌اند. ادعای ریاضیات اسلامی یا فیزیک اسلامی و حتی طب اسلامی و مانند اینها اغلب از گوشه و کنار شنیده می‌شود. آخرین مورد از این دست، تمسک به نام ابن عربی و عرفان برای اظهار نظر درباره مبحث مهمی در فیزیک است که چندین دهه است هزاران دانشمند فیزیک با صرف عمر خویش در این باره اظهار نظر کرده‌اند. این ساده‌انگاری است که کسانی بخواهند بدون توجه به روش‌های علمی در پژوهش‌های تجربی، و صرفاً با ادعاهای واهی به طرح این قبیل مباحث بپردازند».

عضو پیوسته فرهنگستان علوم با تأیید سخنان دیگر اعضای گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان مبنی بر اینکه نتیجه این ادعاها و سخنان، بی‌اعتبار کردن دین و آموزه‌های دینی است افزود: تکرار این سخنان بی‌پایه به تدریج به سست کردن باورهای مردم نسبت به میراث خودشان تبدیل می‌شود. تجربه ایدئولوژیک کردن علم، تجربه‌ای شکست خورده است که دنیای اسلام هم در دوره‌هایی گرفتار آن شده و همین امر خودش یکی از دلایل عقب‌ماندگی علمی است. این قبیل اظهارات، در بهترین حالت، نوعی ساده‌انگاری نسبت به اصل علم و دانش است که سبب تزلزل عده‌ای از مردم در اهمیت علم، و تزلزل گروهی دیگر در اعتماد به میراث دینی است. متأسفانه فریب خوردن این افراد از اظهار نظرهای کسانی که اغلب حرف‌های درشت و زمخت اما بی‌خاصیت می‌گویند، سبب این قبیل اظهارات شده و باید از این دوستان خواست، مدعیان علم را که در واقع به ترویج شبه علم می‌پردازند، از جمع خود برانند.

در پایان نشست مقرر شد تا در جلسه بعدی گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم از آقای دکتر یوسف ثبوتی فیزیکدان و عضو پیوسته فرهنگستان علوم دعوت به عمل آید تا توضیحاتی در مورد فیزیک کوانتوم ارائه دهد.

دکتر محمد مهدی شیخ جباری در میان سرآمدان علمی کشور



آقای دکتر محمد مهدی شیخ جباری عضو وابسته و رئیس شاخه فیزیک فرهنگستان علوم و استاد پژوهشگاه دانش‌های بنیادی به عنوان سرآمد علمی کشور در سال ۱۴۰۰ معرفی شد.

آقایان دکتر علی مرسلی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتر علی اسفندیار از دانشگاه صنعتی شریف از دیگر سرآمدان علمی کشور بودند که از سوی فدراسیون سرآمدان علمی ایران به عنوان برگزیدگان امسال معرفی شدند. روز چهارشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۰، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری میزبان فدراسیون سرآمدان علمی ایران به منظور معرفی پژوهشگران این دوره از فدراسیون بود. سه محقق

یادشده از بین یکصد نفر از پژوهشگران و استادان چهل دانشگاه کشور برگزیده شده‌اند. همچنین در این نشست که با حضور معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری و رؤسای چند دانشگاه کشور همراه بود، دانشگاه‌های صنعتی شریف و تربیت مدرس و پژوهشگاه دانش‌های بنیادی به عنوان سه مرکز دانشگاهی و علمی سرآمد در سال جاری معرفی شدند.

فدراسیون سرآمدان علمی ایران از سال ۱۳۹۴ با هدف دستیابی کشور به مرجعیت علمی جهانی شروع به کار کرده است و از جمله مهمترین اقدامات این فدراسیون، شناسایی و انتخاب محققان معتبر، متعهد و پیشرو تحت عنوان سرآمدان علمی و حمایت از آنها است. این فرآیند به طور معمول در اردیبهشت‌ماه هر سال و براساس فعالیت‌های ۳ سال گذشته (منتهی به دوره ارزیابی) انجام می‌شود و هر سال ۱۰۰ نفر به عنوان سرآمد علمی، شناسایی و در ۲ گروه الف و ب، متناسب با اعتبار علمی کسب کرده، حمایت می‌شوند.

معرفی و تجلیل از ۱۷ استاد نمونه کشور در سال جاری

در بیست و نهمین آیین نکوداشت اعضای هیئت علمی نمونه کشوری که روز ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سالن شهدای جهاد علمی وزارت علوم برگزار شد، از ۱۷ تن از استادان برگزیده به عنوان اعضای هیئت علمی نمونه کشوری در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰، تجلیل به عمل آمد. دو تن از برگزیدگان این دوره، آقایان دکتر سعید بلالایی و دکتر احمد شیخی از همکاران مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران هستند.

اسامی اعضای هیئت علمی نمونه کشور در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ عبارتند از: دکتر منصور صفت‌گل عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در رشته تاریخ؛ دکتر محمدرضا عابدی عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان در رشته مشاوره؛ دکتر جعفر باباجانی عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در رشته حسابداری؛ دکتر احمد علی‌پور عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور در رشته روان‌شناسی؛ دکتر محمدحسین مجلس‌آرا عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی در رشته فیزیک؛ دکتر سعید بلالایی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی در رشته شیمی آلی (ایشان همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم است)؛ دکتر عبدالله سلیمی عضو هیئت علمی دانشگاه کردستان در رشته شیمی؛ دکتر احمد شیخی عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز در رشته آموزش فیزیک (ایشان همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم است)؛ دکتر نظام‌الدین مهدوی امیری عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف در رشته علوم ریاضی؛ دکتر مهدی نکومش حقیقی عضو هیئت علمی پژوهشگاه پلیمر و پتروشیمی ایران در رشته شیمی پلیمر؛ دکتر علی خیرالدین عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان در رشته مهندسی عمران؛ دکتر تورج محمدی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران در رشته مهندسی شیمی؛ دکتر عبدالرضا سیم‌چی عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی مواد؛ دکتر جعفر روشنیان عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی در رشته مهندسی هوافضا؛ دکتر فریدون مقدس‌نژاد عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر در رشته مهندسی عمران؛ دکتر سیدمحسن حسینی عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت در رشته علوم و مهندسی جنگل؛ و دکتر صبیحه سلمانیان‌زاد عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی اصفهان در رشته صنایع غذایی.



چهارمین دوره اعطای جایزه جهانی مصطفی (ص) برگزار شد

الف. معرفی دو دانشمند برگزیده در گروه برگزیدگان جایزه مصطفی (ص) ۲۰۲۱:

پروفسور زاهد حسن متولد کشور بنگلادش و پروفسور کامران وفا متولد ایران برگزیده این بخش از جایزه در گروه برگزیدگان غیر مقیم کشورهای اسلامی بودند.

آقای پروفسور زاهد حسن؛ هیجانی بزرگ در زمینه حالت‌های خاصی از مواد توپولوژیک که در آن رفتار جمعی الکترون‌ها مثل یک ذره بنیادی منفرد یا «شبه‌ذره» عمل می‌کند را خلق کرد و آن زمانی به وجود آمد که این دانشمند، یکی از شبه‌ذره‌ها را به صورت تجربی در یک نیمه‌فلز توپولوژیک کشف کرد، فرمیون ویل؛ یک فرمیون بی‌جرم! بی‌جرم بودن به این معنی است که این شبه‌ذره می‌تواند سریع‌تر از جریان‌های الکتریکی عادی در ماده حرکت کند و در نتیجه می‌تواند کاربردهای هیجان‌انگیزی مانند ترانزیستورهای فوق سریع، یا حتی انواع جدیدی از ادوات الکترونیکی کوانتومی و لیزری داشته باشد.

آقای پروفسور کامران وفا؛ نظریه ریسمان ایشان مبتنی بر این فرض است که «جوهرهای بنیادی ماده، ذره‌های نقطه-مانند مثل الکترون‌ها نیستند، بلکه چیزهای بسط‌یافته‌ای شبیه ریسمان هستند». این دانشمند در تکامل نظریه ریسمان بر آن شد که «فشرده‌سازی‌های» جدیدی از نظریه ریسمان از جمله نظریه F را توسعه دهد. نظریه F به پژوهشگران کمک کرد همه چیز را به صورت

چهارمین دوره اعطای جایزه جهانی مصطفی (ص) همزمان با ولادت حضرت پیامبر (ص) به ۵ برگزیده جهان اسلام برگزار شد.

جوایز این دوره روز پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۰ با حضور آقایان دکتر سورنا ستاری معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری، دکتر محمدعلی زلفی گل وزیر علوم، تحقیقات و فناوری و دکتر علی اکبر صالحی قائم مقام رئیس و معاون پژوهشی فرهنگستان علوم در محل تالار وحدت تهران اعطا شد.

آقای دکتر حسن ظهور رئیس کارگروه علمی جایزه مصطفی (ص) و عضو پیوسته فرهنگستان علوم در ابتدای این آیین با اشاره به روند اجرای چهارمین دوره برگزاری اعطای جایزه مصطفی (ص) گفت: فراخوان جایزه، در نیمه دوم سال ۲۰۱۹ منتشر شد و مورد استقبال حدود ۳۰۰ دانشمند برجسته و ۸۵۰ مرکز علمی قرار گرفت.

ایشان افزود: پس از طی فرآیند بررسی، ارزیابی و داوری آثار در طول دو سال، بر اساس شاخص‌های اثر، تأثیر اثر و صاحب اثر، با اختصاص بیش از ۲۰ هزار نفر-ساعت در حوزه‌های علم و فناوری اطلاعات و ارتباطات با ۶۷ اثر، زیستی و پزشکی با ۱۹۷ اثر، نانو و کلیه زمینه‌های علم و فناوری با ۲۲۰ اثر داوری شد و ۱۱ اثر به مرحله نهایی راه یافت که سرانجام ۵ اثر، شایسته تجلیل شناخته شد و امروز از برگزیدگان جایزه مصطفی (ص) در سال ۲۰۲۱ در دو گروه تجلیل می‌شود.

چهارمین دوره اعطای جایزه مصطفی (ص) در دو گروه به شرح ذیل اعطا شد:



کاملاً هندسی توصیف کنند. به این ترتیب آنها برای آنالیز روش‌های گوناگون فشرده‌سازی ابعاد اضافی در نظریه F و یافتن راه‌حل‌ها، عملاً می‌توانند از تکنیک‌های جبری در مواجهه با مسأله‌های هندسی استفاده کنند.

ب. معرفی سه دانشمند برگزیده مقیم کشورهای اسلامی جایزه مصطفی (ص):

آقای پروفسور محمد صایغ به شناخت سازوکار رد پیوند و فریفتن دستگاه ایمنی برای پذیرش پیوند، متمرکز است. مبحثی که در اصطلاح «مدارای ایمنی شناختی» نامیده می‌شود. رد مزمن پیوند در بلندمدت از طریق آسیب زدن به اندام پیوندی، از کار انداختن تدریجی را به دنبال دارد. این دانشمند راهکارهای درمانی اختصاصی برای پیشگیری یا توقف این فرآیند ابداع کرد.

آقای پروفسور یحیی تیعلاتی به ثبت مشاهده فرآیند «پراکندگی نور با نور» دست یافته است. در جهانی که ۹۵ درصد از آن توسط انرژی و ماده تاریک تشکیل شده است و هنوز هیچ کس از ماهیت آن آگاه نیست؛ تمام دانش موجود تنها به ۵ درصد ماده متعارف محدود می‌شود. هدف از کاوش در زمینه پراکندگی نور با نور، جست‌وجوی ذره‌های اکسیون-مانند است که گزینه بسیار خوبی برای ماده تاریک هستند. این نتایج، چشم‌انداز وجود تک‌قطبی‌های مغناطیسی را ترسیم می‌کند، که فهم الکترو دینامیک را متفاوت می‌سازد.

آقای پروفسور محمد اقبال چودری، معتقد است گیاهان دارویی که از عصر باستان بنیان طب سنتی بوده‌اند، در دوران معاصر به عنوان منبع داروهای جدید نقشی مرکزی بازی می‌کنند و بنابراین به شناخت عمیقی از اصول شیمیایی و فرایندهای زیست‌شناختی با موفقیت در کشف مولکول‌های جذاب با کاربردهای دارویی بالقوه، دست یافته است.

سه دانشمند برگزیده مقیم کشورهای اسلامی جایزه مصطفی متولد کشورهای لبنان، مراکش و پاکستان و ساکن در کشورهای اسلامی هستند. این جایزه هر دو سال یک‌بار به دانشمندان و پژوهشگران برتر جهان اسلام اعطا می‌شود و با شناسایی، معرفی و تقدیر شایسته از برترین‌های علم و فناوری در جهان اسلام، علم‌آموزی و پژوهش را در جوامع اسلامی ترویج و تشویق می‌کند. جایزه مصطفی (ص) تاکنون

سه دوره در سال‌های ۹۴، ۹۶ و ۹۸ برگزار شده و شاهد حضور صدها دانشمند برجسته از کشورهای مختلف جهان در آیین اعطای خود بوده است.

اولین دوره جایزه مصطفی (ص) در دی سال ۱۳۹۴ برگزار شد که پروفسور عمر یازی از کشور اردن، در حوزه علم و فناوری نانو بخاطر اثر «چارچوب‌های فلز آلی (MOFs) و پروفسور جکی ای-رو یینگ از کشور سنگاپور، در حوزه علم و فناوری نانو زیستی بخاطر اثر «ساخت مواد و سیستم‌های پیشرفته زیستی با ساختار نانویی از جمله ساخت نانوذرات پلیمری در سیستم‌های پاسخ محرک به منظور دارورسانی هوشمند در بدن»، برگزیدگان آن بودند.

دومین دوره جایزه مصطفی (ص) در آذرماه سال ۱۳۹۶ برگزار شد که پروفسور سامی ارول گلنجه از کشور ترکیه، در حوزه علم و فناوری اطلاعات و ارتباطات به خاطر اثر «شبکه جی» و پروفسور محمد امین شکراللهی از کشور ایران، در حوزه نظریه اطلاعات بخاطر اثر «رپتور کد» مستحق دریافت این جایزه شدند.

سومین دوره جایزه مصطفی (ص) در آبان ۱۳۹۸ برگزار شد و این جایزه به پنج نفر از برترین‌های علم و فناوری جهان اسلام اعطا شد. در این دوره، پروفسور اوگور شاهین از کشور ترکیه در حوزه علم و فناوری زیستی و پزشکی بخاطر اثر «توسعه و آزمایش بالینی واکسن‌های درمان سرطان براساس mRNA برای هر بیمار به صورت فردی با توجه به جهش‌شان»؛ پروفسور علی خادم‌حسینی از کشور ایران، در حوزه علم و فناوری زیستی و پزشکی به خاطر «اثر هیدروژل‌های نانو و بایو ساختار برای کاربردهای زیست-پزشکی»؛ پروفسور عمران اینان از کشور ترکیه، در حوزه فیزیک یونسفری و جوی به خاطر اثر «درک اثر متقابل موج و ذره حالت whistler در فضای نزدیک زمین و اتصال الکترو شیمیایی بین تخلیه رعد و برق و اتمسفر بالا»؛ پروفسور حسین بهاروند از کشور ایران در حوزه زیست‌شناسی سلول‌های بنیادی به خاطر اثر «درمان پارکینسون و AMD چشم با سلول درمانی» و دکتر محمد عبدالاحد از کشور ایران در حوزه علم و فناوری نانو الکترونیک به خاطر اثر «ترجمه رفتار سلول‌های سالم و سرطانی در حوزه الکترونیک (شیوه‌های نوین تشخیص و درمان سرطان)»، برگزیدگان سومین دوره این جایزه بودند.



اعطای جایزه پژوهشی جورج فورستور به دکتر بابک کریمی

کمیته برجسته و مستقل گزینش بنیاد الکساندر فون هامبولدت در گردهمایی تابستان سال ۲۰۲۱ تصمیم به اعطای جایزه پژوهشی جورج فورستر به آقای دکتر بابک کریمی، همکار مدعو شاخه شیمی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، گرفت.

بنیاد الکساندر فون هامبولدت در گردهمایی ماه آگوست هر سال، به افتخار دانشمند مردم شناس شهر قرن هجدهم کشور آلمان بنام گئورگ (جورج) فورستر (۱۷۹۱-۱۷۵۴)، حداکثرشش جایزه پژوهشی جورج فورستر را به محققان برجسته بین المللی نامزد، از میان بیش از ۱۴۰ کشور در حال توسعه، به منظور ارج نهادن به دستاوردهای



دانشگاهی آنها در طول دوره فعالیتشان، اعطا می کند. در نشست سال جاری، علاوه بر شش جایزه مرسوم، این افتخار به چهار اندیشمند با سابقه و تاثیرگذار از میان بانوان این کشورها نیز اعطا شده است.

نامزدان دریافت این جایزه از میان دانشگاهیانی که یافته های بنیادین و اکتشافات آنها تأثیری عمیق، ماندگار و پایدار در زمینه علمی خود و فراتر از حوزه تحقیقاتی آنها گذاشته و همچنان انتظار می رود بتوانند در رویکردهای مبتنی بر پژوهش های بنیادین در خصوص چالش های خاص کشورهای در حال توسعه نقش بازی کنند، انتخاب می شوند. علاوه بر این، اثربخشی دستاوردهای علمی و دانشگاهی دریافت کنندگان این جایزه از نظر بین المللی می بایست به تأیید اندیشمندان صاحب نظر از کشورهای مختلف در حوزه پژوهشی مورد نظر در بازه زمانی گسترده فعالیت دانشگاهی آنها رسیده باشد. تاکنون، ۵۷ دانشمند دریافت کننده این جایزه، موفق به دریافت جایزه نوبل نیز شده اند.

جایزه جورج فورستر توسط وزارت توسعه و همکاری های اقتصادی جمهوری فدرال آلمان تأمین مالی شده که در سمپوزیم سالانه بنیاد الکساندر فون هامبولدت که در شهر بمبرگ (Bamberg) با حضور اعضای کمیته گزینش بنیاد الکساندر فون هامبولدت، جمعی از استادان برجسته دانشگاه های آلمان، توسط رئیس این بنیاد به طور رسمی به برندگان جایزه، اعطا می شود.

با برنامه ریزی انجام شده آقای دکتر بابک کریمی در ماه آوریل ۲۰۲۲ جایزه خود را به طور رسمی در این مراسم دریافت خواهند کرد. برای اطلاعات بیشتر، وب گاه بنیاد الکساندر فون هامبولدت در آدرس زیر در دسترس است:

<https://www.humboldt-foundation.de/en/explore/newsroom/press-releases/awards-for-researchers-from-developing-and-transition-countries>

سال ۲۰۲۲، سال بین المللی علوم پایه برای توسعه پایدار

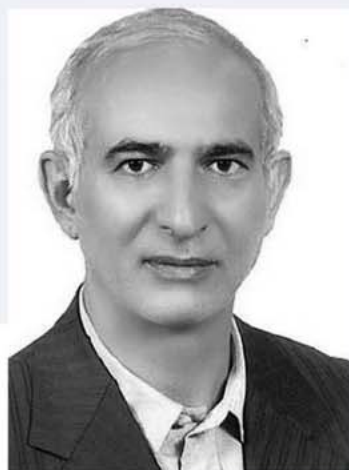
Basic sciences are the sine qua non for sustainable development

دکتر سعید اعظم

روز پنجشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۰ و در جلسه شاخه های ریاضی و فیزیک فرهنگستان علوم، آقای دکتر سعید اعظم عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد ریاضی دانشگاه اصفهان با موضوع «سال ۲۰۲۲، سال بین المللی علوم پایه برای توسعه پایدار» سخنرانی ایراد کرد. خلاصه سخن ایشان بدین شرح است:



اخبار و گزارش



ایشان در حال حاضر رئیس IUPAP است و نقش مهمی در اعلام این سال از طرف یونسکو ایفا کرده است. اتحادیه‌های علمی پشتیبان و مؤسس سال ۲۰۲۲ عبارتند از:

IUPAP، IUPAC، IMU، IAU، IUBS، IUMRS، IUGG، IUCr به ترتیب فیزیکدانان، شیمی‌دانان، ریاضیدانان، منجمان، زیست‌شناسان، دانشمندان علوم مواد، دانشمندان ژئودزی و ژئوفیزیک، بلورشناسان و کانی‌شناسان را نمایندگی می‌کنند. پیشنهاد می‌شود شاخه‌های گروه علوم پایه فرهنگستان علوم در موارد ذیل در برگزاری این سال مشارکت کنند:

- طرح موضوع در شورای گروه علوم پایه و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، تشکیل ستاد اجرایی ۲۰۲۲،
- تعامل با کمیسیون ملی یونسکو (کمیته ملی علوم پایه)،
- فعال کردن NGOها و انجمن‌های علمی،
- درگیر کردن وزارت علوم، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق حمایت از پژوهشگران،
- پوشش رسانه‌ای و برانگیختن افکار عمومی،
- جذب حمایت‌های مالی و بین‌المللی برای برنامه‌های ۲۰۲۲.

آدرس منزلگاه سال IYBSSD2022
<https://www.iybssd2022.org/>

«مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ برنامه‌ای پانزده ساله (با توافق ۱۹۳ کشور) برای توسعه پایدار کشورها تنظیم کرد.

این برنامه در قالب ۱۷ هدف توسعه پایدار (SDG) بیان شده است که برخی از آنها مستقیماً با علوم پایه در ارتباط هستند، مانند:

- سلامتی و بهزیستی (SGG3)،
- انرژی‌های پاک و مقرون به صرفه (SGG6)،
- آب سالم و بهداشت (SGG7)،
- آب و هوا (SGG13)،
- اقیانوس‌های پایا (SGG14)،
- زندگی پایا در زمین (SGG15).

به همین مناسبت و به منظور تحقق اهداف فوق، یونسکو سال ۲۰۲۲ را به عنوان سال جهانی علوم پایه برای توسعه پایدار معرفی کرده است. آنچنان که در صفحه خانگی یونسکو ویژه سال ۲۰۲۲ آمده است، سال بین‌المللی علوم پایه برای توسعه پایدار ارتباط بین علوم پایه و اهداف توسعه پایدار را مورد توجه قرار خواهد داد. واقعیت آن است که کاربردهای فناوری به راحتی توسط عموم قابل تشخیص است، در حالی که مشارکت علوم بنیادی مبتنی بر دانش که زیربنای پیشرفت فناوری‌ها هستند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این علوم پایه هستند که جنبه‌های علمی نوآوری‌ها را پشتیبانی و تحریک می‌کنند، و همچنین متخصصانی را که توسعه پایدار را برای جوامع انسانی تحقق می‌بخشند تربیت می‌کنند.

یونسکو به خوبی از این موضوع آگاه است و سعی خواهد کرد در این سال با بسیج همه امکانات، رهبران اقتصادی و سیاسی و همچنین عموم مردم را نسبت به اهمیت علوم پایه در توسعه پایدار متقاعد کند: IYBSSD, that will be organized in 2022, will focus on these links between basic sciences and the Sustainable Development Goals. This will be a unique opportunity to convince all stakeholders that through a basic understanding of nature, actions taken will be more effective, for the common good.

ریاست کمیته راهبری سال علوم پایه برای توسعه پایدار را آقای پروفیسور میشل اسپیرو (Michel Spiro) از کشور فرانسه که یک فیزیکدان است، برعهده دارد.





بررسی طرح آمایش آموزش عالی با تأکید بر آسیب‌شناسی گروه آموزشی علوم پایه دکتر احمد شعبانی

روز پنجشنبه سی‌ام اردیبهشت ۱۴۰۰ و در جلسه شاخه شیمی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، آقای دکتر احمد شعبانی عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان و استاد شیمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص «بررسی طرح آمایش آموزش عالی با تأکید بر آسیب‌شناسی گروه آموزشی علوم پایه» سخنرانی ایراد کرد.

چکیده سخنان ایشان بدین شرح است:

«پیشرفت هیچ حوزه‌ای بدون برنامه‌ریزی ممکن نبوده و پیشرفت در حوزه علم و دانش و فناوری نیز از این امر مستثنی نیست. پیش‌نیاز هر نوع برنامه‌ریزی، ترسیم وضعیت موجود، توصیف وضعیت مطلوب و تبیین راهکارها، راهبردها، سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های اجرایی- عملیاتی رسیدن از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. طرح آمایش آموزش عالی وضعیت موجود آموزش عالی کشور را، در سال ۱۳۹۴، از جنبه‌های مختلف به تصویر می‌کشد و شناخت کافی از زیرنظام‌ها، توزیع دانشجویی و اعضای هیئت علمی در سطح استانی و ملی ارائه می‌دهد. این گزارش یکی از جامع‌ترین گزارش‌ها در حوزه آموزش عالی کشور است که در چارچوب نقشه جامع علمی کشور تدوین شده است، اما مستلزم اصلاح، بروز رسانی داده‌ها و اطلاعات و از همه مهم‌تر رصد میزان پیشرفت در شاخص‌های کمی و به ویژه کیفی و اهداف طرح است. این سند می‌تواند مبنای خوبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف آموزش عالی باشد، اما سیر تاریخی تدوین تا تصویب و اجرای آن -پایان عمر چهار دولت- بیانگر عدم اعتقاد و باور دست‌اندرکاران آموزش عالی کشور به اسنادی از این دست است. معضلات مدیریتی، نظارتی و محدودیت منابع مالی از جمله عوامل مهم در اجرای ناموفق این طرح به ویژه در شاخص‌های کیفی است. دکتر شعبانی در سخنانش طرح آمایش

آموزش عالی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد و پس از آن به ترسیم جایگاه فعلی علوم پایه پرداخت. بخشی از نتایج بررسی ایشان نشان می‌دهد: طبق قانون برنامه ششم توسعه در سال ۱۳۹۹، تعداد دانشجویان علوم پایه ۳۷۰ هزار نفر پیش‌بینی شده، اما در سال‌های اخیر کاهش چشم‌گیری داشته و به حدود ۱۸۰ هزار دانشجویان با ۵۵ درصد از کل دانشجویان کشور (از حدود ۳۰۲ میلیون دانشجو) تقلیل یافته است. گرچه ۷۳ درصد دانشجویان ارشد و ۶۹ درصد دانشجویان دکتری تخصصی گروه علوم پایه در دانشگاه‌های دولتی روزانه یا پردیسی تحصیل می‌کنند، اما فقط ۴۴ درصد از دانشجویان کارشناسی گروه علوم پایه در دانشگاه‌های دولتی روزانه یا نوبت اول به تحصیل اشتغال دارند و ضروری است با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری در علوم پایه، دانشجویان این مقطع نیز به بیش از ۷۰ درصد افزایش یابد. از طرفی از حدود ۱۸۰ هزار دانشجوی علوم پایه حدود ۹۰ هزار یا ۵۰ درصد در دانشگاه‌های دولتی و الباقی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی و پیام نور به تحصیل اشتغال دارند که جای تأمل دارد. تعداد اعضای هیئت علمی در هر سه زیرنظام علوم پایه نامناسب و در دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی نامناسب‌تر است که ضروری است برای ارتقای علوم پایه این نسبت بهبود یابد.

آقای دکتر احمد شعبانی در پایان پیشنهادهایی را در جهت تقویت و ارتقای کیفی علوم پایه به شرح ذیل ارائه کرد:

- برداشتن محدودیت در پذیرش دانشجوی علوم پایه در دانشگاه‌های برخوردار (چون وزارت علوم هیچ‌گونه سطره‌ای بر دانشگاه‌های غیردولتی ندارد، ایجاد هرگونه محدودیت عملاً از میدان بیرون کردن دانشگاه‌های شاخص دولتی است).
- منع دانشگاه‌های برخوردار در پذیرش دانشجوی پردیسی (پولی) در



علوم پایه و از همه مهمتر ممانعت جدی در ادغام دانشجویان پردیسی با دانشجویان روزانه در دروس آموزشی.

- برچیدن شیوه پذیرش دانشجو در مقطع دکتری و ارشد از طریق کنکور در علوم پایه به‌ویژه در مقطع دکتری حداقل برای دانشگاه‌های برخوردار.

- ضرورت تغییر و تحول جدی در برنامه‌های آموزشی، محتوی و مواد درسی در علوم پایه و هدایت آنها به سوی میان‌رشته‌ای‌ها و فرارشته‌ای‌ها.

- اصلاح نسبت استاد به دانشجو در گروه علوم پایه و به‌ویژه در علوم زیست‌شناسی.

- بررسی و نظارت جدی‌تر بر عملکرد دولت‌ها در دستیابی به شاخص‌های کیفی و کمی در اسناد بالادستی (نقشه جامع علمی کشور) به‌ویژه برای گروه علوم پایه.

- ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان دکتری و تشویق به مراجعت تا مهاجرت نخبگان دانشگاهی با افزایش بودجه دانشگاه‌ها و منطقی کردن حقوق هیئت‌علمی و حذف حق تدریس و حق رساله.

- الزام امتحان برد برای دانش‌آموختگان علوم پایه توسط انجمن‌های علمی مربوط، همانند دانش‌آموختگان پزشکی در ایران و یا دانش‌آموختگان شیمی توسط انجمن علمی آمریکا در آمریکا.

- پیشنهاد به رسمیت شناختن تصمیمات گروه علوم پایه فرهنگستان علوم توسط وزارت علوم به عنوان کمیته جامع علمی در جهت کیفی‌سازی و ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش در گروه آموزشی علوم پایه.

- پیشنهاد همکاری تنگاتنگ میان شاخه‌های تخصصی پنجگانه گروه علوم پایه در فرهنگستان علوم با انجمن‌های ذیربط در تدوین و ارائه برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها و ارائه آنها به وزارت علوم.

- پیشنهاد به وزارت علوم مبنی بر اینکه در مورد برنامه‌های آموزشی و پژوهشی شاخه‌های تخصصی پنجگانه گروه علوم پایه، هماهنگی‌های لازم با دو بنیان مهم علمی در کشور یعنی شاخه‌های تخصصی رشته‌های علوم پایه فرهنگستان علوم و انجمن‌های علمی ذیربط به عمل آید.



به سوی یک سازماندهی جدید حوزه علم و فناوری

دکتر سیدسپهر قاضی نوری

روز ۲۷ خرداد ۱۴۰۰، در جلسه شورای گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، آقای دکتر سید سپهر قاضی نوری استاد دانشگاه تربیت مدرس، سخنرانی ایراد کرد. عنوان سخنرانی ایشان «به سوی سازماندهی جدید حوزه علم و فناوری» بود.

دکتر قاضی نوری در این سخنرانی اظهار داشت که هرچند پراکندگی و تشتت در حکمرانی موضوعات مختلفی در کشور دیده می‌شود، اما این مشکل به دلیل چند بعدی بودن و پیچیدگی موضع علم و فناوری و نوآوری (و بیشتر از همه، فناوری) در این بخش خیلی بغرنج‌تر شده و وجود نهادهای سیاستگذار و هماهنگ‌کننده متعدد نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف)، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و ... باعث شده است که امکان ارزیابی و پاسخگویی از بین برود و عاملان تحقیق و توسعه و نوآوری هم نتوانند درک درستی از جهت‌گیری نظام سیاسی و اقتصادی کشور داشته باشند.

دکتر سپهر قاضی نوری در ادامه سخنرانی تلاش کرد که براساس یک الگوی نظری شناخته‌شده، تقسیم کار مناسبی بین این نهادهای موجود پیشنهاد کند تا شاید کشور بتواند به سمت یک نظام حکمرانی پویا و کارآمد برای علم و فناوری حرکت کند.



علم و فناوری در سنگاپور

دکتر نعمت‌الله ریاضی

۱۹۶۵ بوده است. ایشان با مروری بر سیاستگذاری‌های کلان کشور سنگاپور در مدیریت ساختار علم و فناوری، برخی از مراکز مهم علمی آن را معرفی کرد؛ به ویژه، مؤسسه A*STAR که نقش مهمی در حمایت و ساماندهی فعالیت‌های علمی و فناوری در این کشور دارد. دکتر نعمت‌الله ریاضی افزود: توجه ویژه به تحقیقات کاربردی، تسهیل ارتباط بین مراکز علمی و صنعتی، جذب نیروی انسانی کارآمد از سراسر جهان، حمایت از مراکز رشد و نخبگان از عوامل مهم در موفقیت نظام علمی سنگاپور است.

در جلسه شورای گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۴۰۰ آقای دکتر نعمت‌الله ریاضی عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی پیرامون «علم و فناوری در سنگاپور» سخنرانی ایراد کرد.

دکتر ریاضی در این باره اظهار داشت: کشور سنگاپور در شرق آسیا، با داشتن تنها ۷۱۶ کیلومتر مربع خاک و پنج میلیون و چهارصد هزار نفر جمعیت، یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه بهره‌گیری از علم و فناوری برای توسعه اقتصادی، پس از استقلال این کشور در سال



تغییر اقلیم از دیدگاه زمین‌شناسی زیست‌محیطی

دکتر فرید م^۱

مختلف (توسعه یافته، در حال توسعه، و توسعه نیافته)، وجود نظام‌های مختلف اقتصادی (سرمایه‌داری، سوسیالیستی، کمونیستی)، و تفاوت‌های سیاسی-نظامی، اعتقادی-فرهنگی و یا ناسیونالیستی-نژادی در جوامع گوناگون بشری، دستیابی به توافق جهانی شمول در این ارتباط را ناممکن ساخته است. رسیدن به توافق جهانی در رابطه با تغییر اقلیم مستلزم بده-بستان‌های بی‌شماری است که بی‌تردید، با آنچه که «منافع ملی» کشورها

مهمترین پرسشی که در ارتباط با تغییر اقلیم زمین در ذهن هر انسان فرهیخته‌ای خطور می‌کند، این است که چرا بشر به رغم توانایی‌های شگرف علمی، از حل کردن این چالش جهانی که حیات در این سیاره را به خطر انداخته، ناموفق بوده است.

در پاسخ باید گفت که تغییر اقلیم مشکلی جهانی (Global) است که مقابله با آن نیز راه‌حلی جهانی می‌طلبد و راه‌حل‌های بومی (Local) قادر به حل این مشکل نیستند. از سویی تفاوت توسعه در کشورهای



اخبار و گزارش

۱- عضو پیوسته و رئیس گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، استاد زمین‌شناسی دانشگاه شیراز

خوانده می‌شود، در تضاد و تعارض خواهد بود.

این تعارض راه‌حل‌های پیشنهادی (برای مثال کاهش گسیل گازهای گلخانه‌ای) با منافع ملی کشورها، دلیل ناموفق بودن تمام تلاش‌هایی بوده است که تا کنون در قالب برگزاری چند ده کنفرانس بین‌المللی در شهرهای مختلف جهان مانند ژوهانسبورگ، ریودوژانیرو، کیوتو، استکهلم، مادرید و آخرین آنها در پاریس برگزار شده و به رغم امضای انواع تفاهم‌نامه‌ها و تعهد دادن کشورها به رعایت مفاد مورد توافق، مشکل تغییر اقلیم، نه تنها برطرف نشده بلکه شتابنده‌تر از پیش در مقابل چشم جهانیان به سمت هر چه وخیم‌تر شدن پیش می‌رود.

زمین ۴۶۰۰ میلیون سال پیش به شکل سیاره‌ای مستقل در منظومه شمسی تشکیل شد. جو زمین اولیه با جو امروزی آن تفاوت زیادی داشت، ولی با گذشت زمان و در حدود ۲۳۰۰ میلیون سال پیش، ترکیب جو کم‌ویش شبیه به ترکیب امروزی آن شد. گسترش انفجاری گونه‌های زیستی در مدت زمانی به نسبت کوتاه که به آن «مهبانگ زیست‌شناختی» (Biological big bang) می‌گویند ۵۴۲ میلیون سال پیش در زمین رخ داد و سن نخستین جانداران خشکی نیز به ۴۲۰ میلیون سال پیش بازمی‌گردد.

زمین‌شناسان با تکیه بر آثار زمین‌شناختی بر این باورند که از زمان وقوع مهبانگ زیست‌شناختی تا کنون ۵ رویداد که به انقراض جمعی بسیاری از گونه‌های زیستی زمین منجر شده است، به ترتیب در ۴۳۳، ۳۵۹، ۲۵۱، ۲۰۰ و ۶۵ میلیون سال پیش رخ داده است. دست کم ۳ رویداد از این انقراض‌های جمعی به حوادث فرازمینی یا به بیانی برخورد شخانه‌ها (شهاب‌سنگ‌ها) با زمین نسبت داده شده است که دو گودال ناشی از این برخوردها امروزه در ایالت آریزونا، آمریکا و شبه‌جزیره یوکاتان در کشور مکزیک به عنوان جاذبه‌های گردشگری مورد بازدید گردشگران قرار دارند. جدای از این ۵ رویداد منجر به انقراض‌های جمعی، حادثه یا رشته‌ای از حوادث حدود ۵۵ میلیون سال پیش در زمین و در مرز سن‌های زمین‌شناختی پالئوسن-ائوسن رخ داده است که زمین‌شناسان آن را به عنوان «بیشینه گرمایی پالئوسن-ائوسن» (PETM) می‌شناسند و طی آن دمای زمین و غلظت گازهای کربن‌دی‌اکسید و متان در جو به شدت بالا رفت و آب

اقیانوس به اندازه‌ای اسیدی شد که انقراض تعداد زیادی از گونه‌های گیاهی و جانوری در دریا و خشکی را در پی داشت. بسیاری از زمین‌شناسان بر این باورند که اگر افزایش غلظت کربن‌دی‌اکسید و متان در جو جلوگیری نشود، زمین در آینده‌ای نه چندان دور با وضعیتی شبیه به رویداد PETM مواجه خواهد شد.

از دیدگاه اقلیم‌شناسی زیست‌محیطی، تغییرات اقلیمی امروزی زمین، نامتوازن شدن بودجه انرژی آن است. حفظ توازن بودجه انرژی زمین مستلزم برابری نسبی انرژی تابشی دریافت شده از خورشید، با انرژی بازتابیده از زمین به فضا در بازه مشخصی از زمان است. انرژی خورشید به صورت تابش طول موج‌های مرئی و کوتاه به زمین رسیده و پس از جذب شدن ۴۷ درصد از این انرژی تابشی در سطح زمین، مابقی انرژی به شکل بازتابش امواج با طول موج بلند (فروسرخ) به فضا بازتابانده می‌شود. البته فقط ۷۰ درصد از امواج فروسرخ بازتابیده از زمین از جو عبور کرده و به فضا می‌رسد، چرا که ۳۰ درصد دیگر جذب قطره‌های تشکیل دهنده ابر، و گازهای گلخانه‌ای موجود در پایین‌ترین لایه جو زمین (تروپوسفر یا وردسپهر) می‌شود.

بیشترین غلظت گازهای گلخانه‌ای به کربن‌دی‌اکسید (CO_2) تعلق دارد که غلظت آن در جو از حدود ۳۰۰ قسمت در میلیون (ppm) درست پیش از شروع انقلاب صنعتی و اختراع ماشین بخار توسط جیمزوات اسکاتلندی، امروزه به ۴۱۵ ppm رسیده است. غلظت این گاز در جوی دهه گذشته ۱۴۸ درصد افزایش یافته است.

البته CO_2 در مقایسه با سایر گازهای گلخانه‌ای از نظر جذب تابش فروسرخ بازتابیده از سطح زمین، گاز چندان قدرتمندی به حساب نمی‌آید. قوی‌ترین گاز گلخانه‌ای موجود در اتمسفر زمین «بخار آب» است، اما خوشبختانه این گاز از توان انباشته شدن در جو برخوردار نیست و با رسیدن غلظت آن به حدی معین، تبدیل به باران شده و بر زمین می‌بارد. توان جذب تابش بسیاری از گازهای گلخانه‌ای دیگر نیز از گاز CO_2 بیشتر است. اما افزایش غلظت کربن‌دی‌اکسید و انباشته شدن آن در لایه‌های پایینی جو به مراتب از دیگر گازها بیشتر است. به طور کلی شهرت گاز CO_2 به عنوان مهمترین گاز گلخانه‌ای در جو زمین به سه مورد زیر بازمی‌گردد. اول طولانی بودن نسبی



زمان ماند (Residence time) آن در جو دوم واکنش آن با آب اقیانوس به عنوان ذخیره‌گاه موقت کربن دی‌اکسید به صورت کربنات و بی‌کربنات کلسیم در بدن آبزیان و نیز تشکیل کربنیک اسید، و در آخر و شاید به عنوان مهمترین دلیل باید به افزایش پیوسته و فزاینده این گاز در جو به دلیل سوزاندن سوخت‌های فسیلی در نیروگاه‌ها و وسایل نقلیه اشاره کرد.

پس از کربن دی‌اکسید، متان فراوان‌ترین گاز گلخانه‌ای در جو زمین است که غلظت آن در جو در دهه گذشته (۲۰۲۱-۲۰۱۱ میلادی) از ۱۸۱۷ قسمت در میلیارد (ppb) با ۲۰۶ درصد افزایش به ۱۸۶۹ قسمت در میلیارد رسیده است. فشار تابشی (Radiative forcing) هر مولکول گاز متان ۳۰ برابر فشار تابشی یک مولکول گاز CO₂ و زمان ماند آن در جو نیز بیش از دو برابر زمان ماند کربن دی‌اکسید است. منابع مهم تولید گاز متان در زمین، علاوه بر فضولات انسانی، تپاله گاو، و گاوداری‌های صنعتی بزرگ در کشورهای توسعه یافته جهان و آرژانتین است. یکی از دلایل مهم مبارزه طرفداران محیط زیست با گوشتخواری، حجم زیاد گاز متان تولید شده در گاوداری‌ها است. اما مهمترین مسئله در مورد گاز گلخانه‌ای متان این است که حجم بزرگی از این گاز در یخ بستر بسیاری از دریاها و اقیانوس در ساختار بلوری ترکیبی از آب به نام کلاترات (Clathrate) به دام افتاده است که در صورت گرم شدن آب اقیانوس و ذوب شدن مولکول‌های کلاترات آزاد شده و به سرعت وارد جو زمین می‌شود. برخی زمین‌شناسان زیست‌محیطی بر این باورند که رویداد PETM نیز نتیجه چنین فرآیندی بوده است.

علاوه بر حضور و افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای و به ویژه کربن دی‌اکسید و متان در جو کاهش سپیدایی (Albedo) زمین نیز به دلیل ذوب شدن صفحات و سکوه‌های یخ در دو قطب در فرایندی شتابنده و سازوکاری پس‌خورندی (Feedback mechanism) در افزایش میانگین دمای زمین نقش داشته است. بر اساس پیش‌بینی نهاد بین‌المللی (Intergovernmental Panel for Climate Change, IPCC)، میانگین دمای زمین تا سال ۲۱۰۰ میلادی می‌تواند تا ۳/۷ درجه سانتیگراد در نقاط مختلف آن، افزایش یابد. چنین رخدادی بی‌تردید با رویدادهای بسیار ناخوشایندی مانند بالا آمدن سطح آب دریا و به

زیر آب رفتن شهرهای ساحلی و جزایر دریایی، اسیدی شدن آب اقیانوس و انقراض بسیاری از آبزیان و کلنی‌های مرجانی، کوچک شدن صفحات یخ شمالگان و سکوه‌های یخی جنوبگان، تغییر الگوهای بارش و تشدید باران‌های موسمی، و افزایش احتمال وقوع فاجعه‌های اقلیمی مانند موج‌های شدید گرما، وقوع سیل و خشک‌سالی، و افزایش تعداد توفان‌های دریایی شود. بشر هم‌اکنون شاهد بوده است که افزایش ۱/۵ تا ۲ درجه سانتیگراد میانگین دما در برخی از نقاط زمین، به انقراض برخی از گونه‌های گیاهی و جانوری حساس به تغییر دما انجامیده، و بسیاری دیگر را ناگزیر از جابه‌جایی کرده است. این جابه‌جایی بوم‌سامانه‌ها نیز ناگزیر به کوچک یا بزرگ شدن گستره جغرافیایی زیستگاه زیست‌وران و از جمله مهاجرت جمعیت‌های انسان انجامیده است.

از دیگر شواهد تأییدکننده پیش‌بینی‌های IPCC می‌توان به در معرض نابودی قرار گرفتن بزرگترین کلنی مرجانی جهان به نام «گريت باریر ريف» (Great Barrier Reef) به طول بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر در استرالیا اشاره کرد که هم‌اکنون در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار گرفته است. ذوب یخ جنوبگان در مقایسه با ۲۵ سال پیش ۳ برابر شده و سالانه چند تریلیون تن یخ نیز از صفحه گرینلند در شمالگان ذوب می‌شود. ذوب شدن یخ در این مناطق به قطعه‌قطعه شدن زیستگاه جانوران مانند خرس قطبی منجر شده و این گونه جانوری و بسیاری گونه‌های پنگوئن و شیرهای دریایی را در معرض انقراض قرار داده است. مهاجرت حشرات و آفات موزی بیماری‌زا به مدارهای جغرافیایی بالاتر را نیز باید از تبعات افزایش میانگین دمای زمین به‌شمار آورد.

با توجه به آنچه که در بالا به اختصار گفته شد، بحران‌زا شدن اولین نشانه‌های تغییر اقلیم در ایران شامل بیابان‌زایی، تغییر الگوی بارش، خشک شدن تالاب‌ها، بحران ریزگردها و حتی مهاجرت بین‌استانی، جای دارد که دستگاه‌های ذیربط و مسئول مقابله با این بحران جهانی و بیش از همه سازمان حفاظت از محیط زیست کشور تا رسیدن به راه‌حلی جهانی در مجامع بین‌المللی، با اتخاذ تدابیر محلی و بومی برای مقابله با این بحران در رفع آن کوشا باشند.



عرضه‌های نوین علم زمین‌شناسی برای جامعه

دکتر محسن مؤذن

سنگ‌شناسی توسعه یافته‌اند و شاید مسیر مطالعات آینده در این علم را ترسیم کنند شامل به‌کارگیری اصول کینتیک زمین شیمیایی در مطالعات سنگ‌شناسی، استفاده از علوم نوین مانند هوش مصنوعی، شبکه‌های عصبی و منطق فازی در بررسی‌های سنگ‌شناسی است. کاربرد این علوم در سنگ‌شناسی محدود و در مراحل ابتدایی است. چنانچه گروه‌های علوم زمین و دانشجویان تحصیلات تکمیلی بر روی این موارد متمرکز شوند کشور عزیزمان می‌تواند در این خصوص پیشرو باشد. از دیگر موارد در حال توسعه در سنگ‌شناسی که توجه ویژه را می‌طلبد به‌کارگیری یافته‌های علم سنگ‌شناسی در مطالعات تغییر اقلیم و گرم شدن جهانی است. مطالعات تکتونیکی به بررسی میزان بالا آمدگی رشته کوه‌ها بر اثر تکتونیک می‌پردازند. سپس میزان فرسایش و تشکیل مواد حاصل از فرسایش اندازه‌گیری و یا مدل‌سازی می‌شود. در نهایت ارتباط بین بالا آمدگی و نرخ فرسایش با توجه به شرایط آب و هوایی و یا تغییر این شرایط تفسیر می‌شود. علم سنگ‌شناسی با تعیین عامل دیگری با عنوان جنس سنگ‌ها و فرسایش پذیری آنها در این میان می‌تواند به دقیق‌تر کردن نتایج حاصل از مطالعه تأثیرات متقابل تکتونیک و فرسایش کمک کند.

آقای دکتر محسن مؤذن در پایان سخنان خود به وجود برنامه‌های آموزشی خاص در علوم زمین و دیگر علوم در دانشگاه‌های دیگر کشورها به عنوان برنامه‌های آموزشی میان‌رشته‌ای برای ارتباط دادن جوامع بشری و علوم زمین پرداخت. در چنین برنامه‌های آموزشی که با عنوان علوم آزاد یا Liberal Science / Liberal Art شناخته می‌شوند، نزدیک به ۳۰ درصد دروس از شاخه‌های میان‌رشته‌ای مانند علوم انسانی برای مثال علوم اقتصاد و علوم جامعه‌شناسی ارائه می‌شوند و بدین صورت سعی در برقراری ارتباط بین علوم پایه و جامعه دارند.

روز چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۰ و در جلسه شاخه زمین‌شناسی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم آقای دکتر محسن مؤذن استاد گروه علوم زمین دانشگاه تبریز و همکار مدعو گروه علوم پایه فرهنگستان علوم با موضوع «عرضه‌های نوین علم زمین‌شناسی برای جامعه» سخنرانی ایراد کرد.

دکتر مؤذن سخنرانی خود را با معرفی مختصر و بیان گرایش‌های زمین‌شناسی و دانشگاه‌های محل تحصیل در طول تحصیلات خود آغاز کرد. ایشان فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی زمین‌شناسی دانشگاه تبریز، دوره کارشناسی ارشد زمین‌شناسی سنگ‌شناسی در تخصص سنگ‌های دگرگونی از دانشگاه شهیدباهنر کرمان و دوره دکتری زمین‌شناسی سنگ‌های دگرگونی از دانشگاه منچستر انگلستان است. وی پس از دوره دکتری یک سال دوره پسا-دکتری را در دانشگاه منچستر انگلستان گذرانیده است. عمده فعالیت علمی تخصصی ایشان به‌کارگیری مفاهیم ترمودینامیک، کانی‌شناسی، سنگ‌شناسی و زمین شیمی در بررسی ژئودینامیک هسته و به ویژه پوسته زمین و تشکیل کمربندهای کوه‌زایی است. از سایر علائق پژوهشی ایشان می‌توان به توسعه برنامه تحصیلی در علوم زمین، علوم زمین برای عموم و تاریخ و فلسفه علوم زمین اشاره کرد. دکتر مؤذن پس از بیان فعالیت‌های علمی تخصصی و سایر علائق پژوهشی، به بررسی آینده علم سنگ‌شناسی پرداخت. به گفته ایشان علم سنگ‌شناسی حاضر در دنیا نسبت به سنگ‌شناسی در دو دهه پیش، پیشرفت فراوانی کرده است. استفاده از علوم دیگر مانند ترمودینامیک، علوم رایانه‌ای و توسعه نرم‌افزارهای فراوان برای بررسی‌های سنگ‌شناسی و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در تجزیه و مطالعه سنگ‌ها و کانی‌ها از جمله پیشرفت‌های قابل توجه در این علم هستند. به بیان آقای دکتر مؤذن، زمینه‌هایی که کمتر در



خشکسالی و لزوم مدیریت تبعات آن

دکتر مهدی زارع^۱

به نظر می‌رسد خشکسالی مهم بعدی نیز در مناطق کم آب مانند ایران در سده بیست و یکم رخ دهد.

محیط‌های کم‌آب یا مناطق خشک به شدت در معرض تغییرات آب و هوایی و ناهنجاری‌هایی مانند خشکسالی هستند. ایران در نوار خشک / نیمه‌خشک با ۹۰ درصد سطح کشت دیم واقع شده است. از نظر تاریخی، ایرانیان همیشه با شرایط خشک و تعدادی از چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی مرتبط با آن روبرو بوده‌اند. خشکسالی‌های شدید، به همراه گرم شدن کره زمین، افزایش جمعیت و مهم‌تر از همه ضعف حاکمیت آب، فشار زیادی بر منابع آب در ایران وارد می‌کند. تبخیر و تعرق نقشی اساسی در سامانه‌های خاک-گیاه-جو به ویژه در محیط‌های کم‌آب دارند. گنجاندن عوامل مرتبط با تبخیر و تعرق منجر به برآورد قابل اطمینان‌تری از تعادل آب، میزان رطوبت خاک و خشکسالی می‌شود. لائینا (لائینو)، احتمال خشکسالی را در بیشتر مناطق ایران بسیار بالا می‌برد. لائینا در قسمت مرکزی و شرقی استوایی اقیانوس آرام، به نوسانی آب و هوایی گفته می‌شود که در آن در اثر اختلاف فشار آب سردتر از حالت طبیعی می‌شود. لائینا تقریباً متضاد ال‌نینو است. کم و افزایش دامنه دمای روزانه ناشی از فازهای سرد بر عملکرد غلات در مناطق خشک ایران تأثیر منفی می‌گذارد.

بیابانزایی به عنوان یک فرآیند تخریب زمین در ایران توسط نیروهای محرک طبیعی و انسانی ایجاد می‌شود. خشکسالی هواشناسی یک نیروی محرکه اصلی طبیعی بیابانزایی است و به دلیل دوره‌های طولانی بارش کم، رخ می‌دهد. کمبود آب و همچنین استفاده بیش از

افزایش مدت زمانی و شدت خشکسالی اثرهای منفی گسترده‌ای در ایران برجای گذاشته است. سازگاری برای نفی اثرهای دوره‌های خشک مکرر شدید در ایران از نیازهای مهم راهبردی است. محدود شدن در دسترس بودن منابع آب در مناطقی که تحت اثر خشکسالی هستند، از مهمترین چالش‌هاست. خشکسالی به عنوان یکی از پرهزینه‌ترین مخاطرات طبیعی به صورت یک دوره بارش کمتر از متوسط که به مدت یک ماه یا چند سال ادامه یابد، تعریف می‌شود. کمبود بارش که به عنوان خشکسالی هواشناسی شناخته می‌شود ممکن است در انواع دیگر خشکسالی مانند خشکسالی‌های کشاورزی و هیدرولوژیکی تداوم یابد. علاوه بر این، کمبود رطوبت خاک به عنوان پیامد اصلی دوره‌های خشکسالی، شار حرارتی پنهان (یعنی تبخیر و تعرق) را کاهش می‌دهد. کاهش تبخیر و تعرق باعث افزایش شار حرارتی محسوس منجر به دمای بالا می‌شود. خشکسالی‌های گسترده که غالباً با دمای بالا همراه هستند، به ویژه برای بخش‌های کشاورزی و دامداری عواقب مخربی به همراه دارد. ناهنجاری‌های آب و هوایی در مقیاس بزرگ، به ویژه نوسانات جنوبی ال‌نینو دلیل کلان بعضی خشکسالی‌های مهم هستند. به همین دلیل خشکسالی‌های مکرر و شدید در قرن ۲۱ انتظار می‌رود. ال‌نینو از چرخه‌های مشهور آب و هوایی جهان است که هر ۲ تا ۷ سال یک بار باعث ایجاد ناهنجاری‌های بزرگی در آب و هوای زمین می‌شود و در اثر رها شدن انرژی انباشته در اقیانوس آرام رخ می‌دهد. از آنجا که تغییرات اقلیمی شدیدتری احتمالاً در مناطق کم‌آب رخ خواهد داد، حتی اگر اهداف توافق‌نامه ۲۰۱۵ تغییرات اقلیمی پاریس محقق شود،

۱- عضو وابسته و رئیس شاخه زمین‌شناسی فرهنگستان علوم، استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله

می‌شوند. درصد جمعیت روستایی در ایران در حال کاهش است و منطقه شهری به سرعت در حال رشد است. از نیمه دهه ۴۰ شمسی استفاده از آب‌های زیرزمینی در ایران حدود چهار برابر و متوسط کاهش سالانه در سطح آب‌های زیرزمینی در حدود نیم متر بوده است. سیاستگذاران باید بپذیرند تا در آینده برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر شرایط واقعی هر منطقه انجام شود. گرچه بیابانزایی را نمی‌توان به طور کامل متوقف کرد، اما می‌توان با اتخاذ برخی از راهبردهای مدیریت پایدار منابع محیطی از سرعت آن کاست و تبعات آن را مدیریت کرد.



حد از منابع آب، عمدتاً برای کشاورزی، باعث ایجاد عدم تعادل‌های آب و تغییرات در پوشش گیاهان می‌شود و بیابانزایی را تسریع می‌کند. علیرغم اقدامات مختلف در گذشته، بیابانزایی هنوز هم در بسیاری از مناطق ایران یک مشکل جدی زیست‌محیطی است. از شاخص‌های خشکسالی و خشکی را در دما و بارش در درازمدت می‌توان نشان داد. وقوع خشکسالی طولانی‌مدت در مناطق مختلف آب و هوایی در ایران در دهه‌های اخیر با مطالعه همین شاخص‌ها مشخص شده است. رشد سریع جمعیت، شور شدن خاک و مدیریت ضعیف منابع آب نیز به عنوان عوامل اصلی انسانی شناخته

باران‌سنجی در ایران و تحول‌های نوین

دکتر نوذر سامانی^۱

به علت محدودیت‌هایی مانند نبود تکنولوژی فراگیر، هزینه‌های بالای نصب و نگهداری و محبوس شدن امواجشان در مناطق کوهستانی استفاده از آنها در سطح جهان بسیار محدود است. از آنجایی که ماهواره‌ها به عنوان ابزاری غیرزمینی، مناطق وسیع‌تری را پوشش می‌دهند، توانسته‌اند به نحو احسن محدودیت‌های موجود در باران‌سنج‌ها و رادارها را مرتفع کنند. استفاده از سنجنده‌های مختلف در انواع ماهواره‌های موجود در مدارهای مختلف نه تنها باعث بهبود دقت مکانی و زمانی تخمین بارش توسط ماهواره‌ها شده است، بلکه باعث توسعه الگوریتم‌های متعددی برای تخمین بارش ماهواره‌محور شده است. از میان این الگوریتم‌ها سه عضو خانواده PERSIANN که در این پژوهش استفاده شده و در سال‌های اخیر از اقبال خوبی برخوردار شده است به عنوان باران‌سنجی نوین معرفی و کارایی و دقت آنها در برآورد بارش ارزیابی شده است.

بارش، اصلی‌ترین مؤلفه چرخه آب‌شناسی، منبع اصلی آب شیرین و حیاتی‌ترین ماده روی زمین است. بارش و رواناب حاصل از آن می‌تواند زندگی بخش یا مخرب باشد. اکثر رشته‌های علمی از جمله هواشناسی، هیدرولوژی، هیدروژئولوژی، مدل‌سازی محیط‌زیست، تغییرات آب و هوایی، پیش‌بینی و مدیریت سیل و خشکسالی و طراحی سازه‌های آبی به آمار درازمدت بارش نیازمند است. معمول‌ترین راه اندازه‌گیری بارش، باران‌سنج‌ها هستند که هرچند باران را به‌طور مستقیم اندازه‌گیری می‌کنند اما محدودیت‌های اساسی دارند، از جمله نقطه‌ای بودن اندازه‌گیری‌ها، تعداد محدود آنها، عدم پراکندگی مناسب، عدم وجود در مناطق کوهستانی، دریاها و اقیانوس‌ها و وجود گپ در دوره‌های آماربرداری آنها به دلیل عدم حضور مسئول ثبت، کمبود یا نبود بودجه و یا خراب شدن دستگاه. رادارها ابزار زمینی دیگری برای اندازه‌گیری بارش هستند اما

۱- عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، استاد زمین‌شناسی دانشگاه شیراز

ایران علیرغم واقع بودن در منطقه‌ای نیمه‌خشک و خشک کره زمین، از آب و هوای بسیار متنوعی برخوردار است. در نتیجه، میزان آب دسترس در مناطق مختلف کشور در هاله‌ای از ابهام است. برای رفع این ابهام، ابتدا با تجزیه و تحلیل ۳۵ سال آمار بارش روزانه (۱۹۸۳-۲۰۱۹) در ۴۶۱ ایستگاه باران‌سنجی، تنوع مکانی و زمانی بارش را در کشور بررسی و مناطق بارشی همگن در مقیاس کلان (Macro)، متوسط (Meso) و خرد (Micro) تعیین شد.

در این راستا از روش‌های آماری خوشه‌بندی سلسله مراتبی و غیر مراتبی (hierarchical and no-hierarchical clustering) خوشه‌بندی k-mean و آنالیز مؤلفه‌های اصلی (Principal component analysis) استفاده شده است.

ابتدا کشور به شش منطقه کلان (Macro-region) بارشی تقسیم شد. الگو و توزیع بارش سالانه (۱۲ ماه سال) در هر منطقه منحصر به فرد و متفاوت از هم است که شکل‌گیری آنها توسط توده‌های رطوبتی است که طی سال وارد کشور می‌شود. سپس، این شش منطقه به ۱۰ زون با وضوح meso تفکیک شدند. شکل‌گیری چهار منطقه جدید ناشی از تلاقی توده هوای مدیترانه‌ای و سودانی تشخیص داده شد. سرانجام، هریک از ۱۰ زون به ۲۴ ریز-زون

(micro-zone) تقسیم و یک نقشه بارشی جامع برای کشور تهیه شد. این نقشه و بارانگار هر زون، عمق و حجم بارش ماهانه و سالانه در هر ریز-زون را با دقت بالایی نشان می‌دهد و به عنوان مأخذی مورد اعتماد برای تشخیص خشکسالی و ترسالی و میزان بارش مورد انتظار در هر ماه از سال قابل استناد و استفاده است. به کمک این نقشه حجم بارش سالانه ایران معادل ۴۰۶ میلیارد متر مکعب محاسبه شد.

در بخش بعدی، سه الگوریتم خانواده PERSIANN برای تعیین دقت و کارایی آنها در برآورد بارش در سه ریز-زون که استان فارس را پوشش می‌دهد به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که هر سه الگوریتم بارش ماهانه، فصلی و سالانه را در طی دوره آماری ۳۵ ساله کمتر از بارش اندازه‌گیری شده توسط باران‌سنج‌ها برآورد می‌کنند. اما الگوریتم PERSIANN-CDR از دقت بالاتری برخوردار است. در نهایت به کمک روش‌های آماری و شبکه‌های عصبی مصنوعی، مدل‌های ریاضی جهت تصحیح آمار بارش ماهواره‌ای PERSIANN-CDR طراحی شد. مدل‌های طراحی شده آمار بارش در مناطق فاقد آمار در استان پیش‌بینی را پیش‌بینی می‌کند و گپ‌های آماری سری زمانی بارش در ایستگاه‌های باران‌سنجی را ترمیم می‌کند.

نقش اگزوزوم‌های مترشحه از سلول‌های بنیادی مزانشیمی در تنظیم آنژیوژنز توموری در سرطان پستان

دکتر صادق باباشاه



«سلول‌های بنیادی مزانشیمی انسانی در تشکیل و تعدیل استرومای تومور و برهم‌کنش با سلول‌های توموری از طریق ترشحات خود دخالت دارند. اگزوزوم‌ها و زیکول‌های کوچک مشتق از اجسام چند وزیکولی هستند که توسط بسیاری از سلول‌ها به محیط خارج از سلول ترشح شده و از این طریق در ارتباطات بین سلولی از طریق انتقال اطلاعات ژنتیکی نظیر RNAهای کدکننده و غیرکدکننده به سلول‌های

روز شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ و در یک جلسه سخنرانی تخصصی در شاخه زیست‌شناسی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، آقای دکتر صادق باباشاه عضو هیئت علمی گروه ژنتیک دانشگاه تربیت مدرس با موضوع «نقش اگزوزوم‌های مترشحه از سلول‌های بنیادی مزانشیمی در تنظیم آنژیوژنز توموری در سرطان پستان» سخنرانی ایراد کرد. خلاصه سخنان ایشان بدین شرح است:

هدف مشارکت دارند. از دیگر کاربردهای اگزوزوم‌ها می‌توان به پتانسیل تشخیصی آنها به عنوان نشانگرهای زیستی غیر تهاجمی و همچنین پلتفرم‌هایی برای انتقال کارآمد دارو اشاره کرد.

اگزوزوم‌های سلول‌های بنیادی مزانشیمی رفتار توموری را از طریق انتقال محتوای مولکولی خود به سلول‌های توموری تغییر می‌دهند.

در این راستا، از آنجا که اگزوزوم‌ها منبع غنی و حفاظت‌کننده‌ای برای microRNAها به شمار می‌آیند، به نظر می‌رسد انتقال اگزوزومی microRNAها از سلول‌های بنیادی مزانشیمی می‌تواند عاملی برای تعدیل میکرومحیط تومور از جمله مسیرهای پیام‌رسانی مرتبط با رگرایی در سلول‌های توموری پستان باشد. مطالعات پیشین بر نقش محوری پیام‌رسانی VEGF در رگرایی توموری تأکید دارند و مطالعات تیم تحقیقاتی اینجانب شاهدهی افزون در این رابطه ارائه می‌دهد که انتقال اگزوزومی miR-100 از سلول‌های بنیادی مزانشیمی مشتق از مغز استخوان انسانی قادر به تنظیم کاهشی VEGF در سلول‌های سرطانی پستان از طریق تعدیل محور پیام‌رسان mTOR/HIF1α

است. این یافته‌ها مؤید این نکته است که انتقال اگزوزومی microRNAها از سلول‌های بنیادی مزانشیمی می‌تواند عملکرد سلول‌های توموری پستان را به شیوه پاراکراین تغییر دهد.

با این وجود، احتمالاً مکانیسم‌های مختلفی وجود دارد که در میکرومحیط توموری سرطان پستان مشارکت دارند و یافته‌های مطالعه حاضراتیبات بین سلولی نوینی را پیشنهاد می‌دهد که در آن یک microRNA مترشح از سلول‌های بنیادی مزانشیمی می‌تواند به عنوان تنظیم‌کننده ضد رگرایی در طی روند تومورزایی عمل کند.

بدیهی است بررسی‌های بیشتر در زمینه انتقال ۳، هدف‌گیری ۴ و محتوای سایر microRNAهای اگزوزومی مشتق از سلول‌های بنیادی مزانشیمی این نوید را می‌دهد که درک بیشتری نسبت به چگونگی عملکرد بیولوژیکی این وزیکول‌های طبیعی در سلول‌های توموری پذیرنده ایجاد شود.

امید است شناسایی مکانیسم‌های نوین در این رابطه منجر به فراهمی فرصت‌های درمانی کارآمدتر در درمان سرطان باشد.

انتشار کتاب «افسانه حیات»؛

ارجنامه استاد دکتر فتح‌الله مضطرزاده

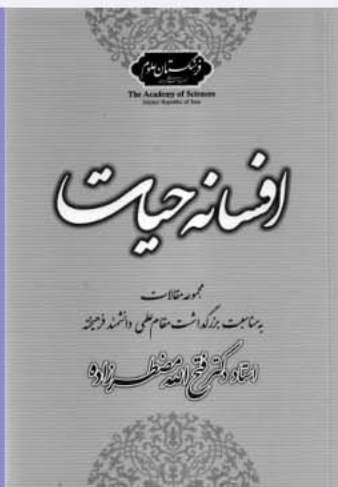
مجمع عمومی فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۵ آقای دکتر فتح‌الله مضطرزاده عضو پیوسته گروه علوم پایه را به عنوان دانشمند برگزیده این فرهنگستان برای دریافت نشان درجه یک دانش از رئیس‌جمهوری انتخاب کرده است که این نشان در مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستان‌ها، از سوی رئیس‌جمهور محترم به برگزیدگان ۴ فرهنگستان کشور اعطاء خواهد شد.

از سال‌ها پیش به همین مناسبت، فرهنگستان دفتری متضمن مقالات و یادداشت‌های دوستان و همکاران و شاگردان استاد منتخب فراهم و آن را برای ادای احترام به استاد برگزیده اهداء می‌کند.

کتاب «افسانه حیات» مجموعه مقالاتی است که برای بزرگداشت آقای دکتر مضطرزاده، زیر نظر رئیس فرهنگستان علوم و توسط دفتر ریاست فرهنگستان تهیه و منتشر شده است.

این کتاب علاوه بر مقدمه، مشتمل بر ۳ بخش است. در بخش اول ۱۴ مقاله از اعضای فرهنگستان و استادان دانشگاه برای ادای احترام به آقای دکتر مضطرزاده به چاپ رسیده است. عناوین مقالات عبارتند از:

- ما آینده خودمانیم (دکتر رضا داوری اردکانی)
- علم و کمال انسانی (دکتر مهدی گلشنی)



تحصیلات تکمیلی آقای دکتر فتح‌الله مضطرزاده در رشته‌های آینده‌نگری، مهندسی پزشکی، و علم مواد آمده است. دانشجویان استاد مضطرزاده این مقالات را به پاس تمامی زحمات و الطاف ایشان در سایه گسترش دانش و آموزش، تهیه و تقدیم کرده‌اند و در ابتدای این بخش آنها اظهار داشته‌اند که استاد مضطرزاده علم و اخلاق را بر هر چیز مقدم دانستند و به دانشجویان، همکاران و دوستداران خود، درست‌اندیشیدن، درست‌عمل کردن، و ثابت‌قدم‌بودن را آموختند. مقالات این بخش توسط آقایان و خانم‌ها: دکتر علی بینقی؛ نسرین عبادپور؛ دکتر مهیا غزالی؛ دکتر آزاده سپهوندی؛ دکتر مریم غفاری؛ ارغوان راستین‌فر؛ الهه فتحی؛ دکتر علی صادقی؛ دکتر سجاد امیدیان؛ دکتر ساناز نقوی؛ سحر عرب‌یزدی؛ دکتر ابوالفضل یزدان‌پناه؛ و حمزه قائم‌پناه نگاشته شده است.

در بخش سوم کتاب افسانه حیات، تعدادی از مقالات و گفتگوها و خلاصه‌ای از زندگی علمی و تصاویر آقای دکتر فتح‌الله مضطرزاده منتشر شده است.

این کتاب زیر نظر آقای دکتر رضا داوری اردکانی ریاست فرهنگستان علوم و توسط آقای سیدعلی پزشکی تهیه و تنظیم شده و در زمستان ۱۳۹۹ در ۶۲۴ صفحه به چاپ رسیده است.

- در حاشیه مقام علم در کشور ما (دکتر یوسف ثبوتی)
- دکتر مضطرزاده؛ استادی جامع و بلندنظر (دکتر سعید سمنانیان)
- توسعه علم در ایران چه اهمیتی دارد؟ (دکتر مهدی زارع)
- اشاره‌ای به برخی مشکلات آموزش عالی کشور با تأکید بر ریاضی (دکتر مگردیچ تومانیان)
- تعامل و تقابل جهان بینی‌ها با ریاضیات (دکتر مهدی رجبعلی‌پور)
- گریه شرویدینگر (دکتر محمدعلی شاه‌زمانیان)
- جایگاه شیمی در دنیای پیشرفته (دکتر سیدمحمد بلورچیان)
- مهندسی معکوس پایگاه پذیرش حیات و روح در موجودات زنده (میتوکندری) (دکتر حسن ابراهیم‌زاده، دکتر مهدیس ابراهیم‌زاده)
- شهاب‌سنگ کاخ گلستان، بزرگترین شهاب‌سنگ ایران (دکتر علی درویش‌زاده)
- گسترش تبادلات بین‌المللی در نظام آموزش عالی کشور (دکتر حسن ظهور، مریم ظریفیان)
- شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های اخلاق حرفه‌ای پژوهش (دکتر جمال خانی‌جزنی، دکتر سحر جعفری، دکتر علیرضا عرب)
- سلامت و کیفیت غذا (دکتر محمد شاهی، دکتر مهدی کدیور)
- در بخش دوم، ۱۳ مقاله از تعدادی از شاگردان و دانشجویان

انتشار نخستین شماره «نامه علوم پایه»

نخستین شماره «نامه علوم پایه» فصلنامه تخصصی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، ویژه بهار ۱۴۰۰، منتشر شد. این مجله به نشر مسائل آموزشی و پژوهشی حوزه ریاضی، فیزیک، شیمی، علوم زمین و علوم زیستی می‌پردازد و اولویت خود را در پرداختن به مسائل و چالش‌های اساسی قلمروهای علوم پایه، سیاست‌های آموزشی و پژوهشی، ارتقای سطح دانش و پژوهش در کشور، ارتقای سطح ارتباط میان دانشمندان علوم پایه و سایر قلمروهای علمی و کل جامعه، توسعه نگرش علوم یکپارچه و فعالیت‌های بین‌رشته‌ای، ترارشته‌ای و تبیین اهمیت این نگرش‌ها در حل مسائل معاصر جامعه و همچنین توسعه پایدار قرار داده است.

در شماره اول این فصلنامه علاوه بر سخن سردبیر، بیست و یک مقاله از دانشگاهیان و پژوهشگران حوزه علوم پایه منتشر شده است. فهرست نخستین شماره نامه علوم پایه بدین شرح است: «دو فرهنگ چارلز پرسی اسنو؛ نوشته دکتر علی فرازمند»، «جایگاه علوم شیمی و نقش آن در توسعه پایدار، نوشته دکتر احمد شعبانی»، «گستره مدخل‌های مورد نیاز برای تدوین تاریخ معاصر ریاضیات ایران، نوشته دکتر مسعود آری‌ن‌نژاد»، «فعالیت‌های بین‌رشته‌ای و مدل پویای آن، نوشته دکتر غلامرضا رکنی لموکی»، «فراواقعیت ریاضیاتی در



فعالیت‌های بین‌رشته‌ای، نوشته دکتر کامران لامعی»، «مدیریت بحران در تهران برای زلزله بزرگ و مخاطرات طبیعی، نوشته دکتر مهدی زارع»، «آموزش علوم و شکل‌گیری خردورزی، نوشته رابرت کارپلاس/ ترجمه محمدابراهیم ابوکاظمی»، «چیزی نگو، خودم پیدایش می‌کنم، نوشته رابرت فولر/ ترجمه محمدابراهیم ابوکاظمی»، «تحولات فضای مجازی، نظریه‌های یادگیری و الگوهای آموزش الکترونیکی، نوشته حسین ابراهیم‌آبادی»، «دانشگاه و صنعت، نوشته دکتر فتح‌الله مضطرزاده، نسرین عبادپور»، «نانوشته‌های دانش‌های تجربی، نوشته دکتر یوسف ثبوتی»، «قیاس‌ناپذیری معنای واژه و زبان علم، نوشته عطا کالیراد»، «شناخت بنیادی ویروس کووید-۱۹ و رهیافت‌های مقابله با آن با اتکاء بر پزشکی استاندارد و نانوفناوری پزشکی، نوشته هاشم رفیعی‌تبار»، «در پاسخ به دنیاگیری ویروس کرونا: داستان دو شهر، ترجمه شکیبا درویش علیپور آستانه»، «کووید-۱۹، نوشته ربابه لطیف»، «زیست‌شناسی مصنوعی، نوشته فرشاد درویشی»، «کاربرد چارچوب‌های فلز-آلی در جذب، ذخیره‌سازی و جداسازی

ترکیب‌های حاوی کربن، نوشته منیژه‌السادات بدیعی و مسعود میرزائی»، «شیمی انفجار بیروت، نوشته دکتر احمد شعبانی»، «آیا اختریف‌زیک و کیهان‌شناسی وارد دوران طلایی خود شده‌اند؟ نوشته دکتر احمد شیخی»، «سیاه‌چاله‌ها و فراماد: یک ارتباط اپتیکی-هندسی، نوشته محمد نوری زنوزف» و «علم‌سنجی، ضعف‌ها و قوت‌ها، نوشته دکتر محمد صالح مصلحیان».

مجله «نامه علوم پایه» به صاحب امتیازی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، مدیر مسئولی دکتر مهدی زارع و سردبیری دکتر علی فرازمنند منتشر می‌شود. دکتر مسعود آرین‌نژاد، دکتر هاشم رفیعی‌تبار و دکتر احمد شعبانی نیز از اعضای هیئت تحریریه فصلنامه تخصصی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران هستند.

علاقمندان برای دریافت مقالات فصلنامه می‌توانند به بخش آرشیو انتشارات پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگستان علوم مراجعه کنند. همچنین تلفن دفتر گروه علوم پایه فرهنگستان علوم به شماره ۰۲۱۸۸۶۴۵۵۹۵ و رایانامه: basic@ias.ac.ir در دسترس علاق‌مندان است.

انتشار ۲ شماره جدید فصلنامه آموزش مهندسی ایران

هشتاد و نهمین و نودمین شماره فصلنامه آموزشی مهندسی ایران، حاوی مقاله‌ها و دستاوردهای پژوهشی در حوزه آموزش مهندسی و علوم، به همت گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم منتشر شد.

در شماره ۸۹، هفت مقاله از استادان و صاحب‌نظران در زمینه‌های مختلف آموزش مهندسی به چاپ رسیده است. عناوین مقالات منتشرشده در این شماره بدین شرح است:

- آموزش مهندسی و پژوهش مبتنی بر زنجیره ارزش فناوری- مطالعه موردی: مهندسی مخزن در صنعت گاز (دکتر رضا آذین، گروه مهندسی نفت دانشگاه خلیج فارس بوشهر)

- طراحی الگوی توسعه شایستگی‌ها برای رشته مهندسی عمران با توجه به نیازهای بازار کار (دکتر

ابراهیم صالحی عمران، استاد برنامه‌ریزی آموزشی و فرناز عین‌خواه دانشجوی، دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، دانشگاه مازندران)

- واکاوی دوره‌های کارآموزی رشته‌های فنی و مهندسی به روش نظریه داده‌بنیاد (دکتر امین سیدنصرتی و دکتر علی محمدزاده، دانش‌آموختگان

دکتری دانشگاه تهران؛ حامد عبدالله‌نژاد، دانشجوی دکتری دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ دکتر رحمت ستوده قره‌باغ استاد دانشگاه تهران)

- ارزیابی تأثیر به‌کارگیری روش تربیز در میزان خلاقیت و ایده‌پردازی برای آموزش بازطراحی محصولات توسط دانشجویان طراحی صنعتی (دکتر زهرا

مریخ‌پور، عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ دکتر وحید چوپانکاره عضو هیئت علمی دانشگاه تهران؛ شبنم سمیعی، دانشجوی



اخبار و گزارش



کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا)

- ارائه چهارچوبی برای برندسازی دانشگاه‌های صنعتی با استفاده از مدل لنکسترو کرت ریل (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی شریف (علی کشاورزاده، دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی توسعه در آموزش عالی؛ دکتر خلیل غلامی و دکتر نعمت‌الله عزیزی، اعضای هیئت علمی دانشگاه کردستان)

- بررسی اثر روش معکوس در کلاس برخط بر یادگیری و رضایت دانشجویان در ایام دنیاگیری کووید-۱۹ - مطالعه موردی: درس زبان تخصصی مهندسی عمران دانشگاه بناب (دکتر سمیه ملایی و دکتر زهرا فاخرعجب شیر، اعضای هیئت علمی دانشگاه بناب)

- شناسایی و تحلیل پیشران‌های راهبردی دانشگاه کارآفرین با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل تأثیرات متقابل (دکتر سمانه محمدپور دانش‌آموخته مدیریت دولتی؛ دکتر حبیب‌الله سالارزهی، استاد؛ دکتر امین رضا کمالیان، استاد؛ دکتر نورمحمد یعقوبی، استاد؛ دکتر محمد مهدی، دانش‌آموخته دکتر مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان)

در پایان فصلنامه چکیده مقالات به انگلیسی و تقویم کنفرانس‌ها آمده است.

در نودمین شماره فصلنامه آموزشی مهندسی ایران، ۷ مقاله از استادان و صاحب‌نظران در زمینه‌های مختلف آموزش مهندسی به چاپ رسیده است. معرفی و تحلیل کتاب و چکیده مقالات به زبان انگلیسی عناوین بخش‌های پایانی شماره نودم فصلنامه آموزش مهندسی است.

عناوین مقالات منتشرشده در این شماره بدین شرح است:

- کاربرد علم داده در آموزش مهندسی شیمی (دکتر میترا لواسانی؛ هومن ضیائی حلیمه‌جانی؛ دکتر رحمت ستوده قهرباغ؛ دکتر رضا ضرغامی؛ دکتر نوید مستوفی (به ترتیب: پژوهشگر پسادکتری، دانشجوی دکتری، و استادان دانشکده فنی دانشگاه تهران)

- مقایسه انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانشجویان فنی مهندسی استعداد درخشان و از طریق آزمون دوره کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز (دکتر حمداالله حبیبی؛ آی سان پاشایی فخری؛ آیدا قسیمی

لیقوان؛ سکینه فلاحتی به ترتیب: دانشیار، و کارشناسان ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز)

- تأثیر پایبندی اساتید به اخلاق حرفه‌ای بر خودکارآمدی و انگیزش دانشجویان (مقایسه‌ای بین دانشجویان مهندسی و غیرمهندسی (دکتر امید مهدیه استادیار گروه مدیریت و حسابداری دانشگاه زنجان) - هنجارهای اخلاق پژوهشی پژوهشگران حوزه مهندسی (دکتر شهلا خلفی؛ دکتر محمدرضا جوادی یگانه؛ دکتر خسرو رحمانی به ترتیب: پژوهشگر پسادکتری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، و دانشیار گروه مواد دانشگاه شهیدبهشتی)

- مقایسه ادراک اعضای هیئت علمی گروه‌های فنی-مهندسی از سودمندی، سهولت، خودکارآمدی و چالش‌های یادگیری از طریق تلفن همراه (مورد مطالعه: دانشگاه شیراز)، (سحر نوروزی؛ دکتر مهدی محمدی؛ دکتر مریم شفیعی سروستانی به ترتیب: دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه شیراز، دانشیار و استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز)

- نقش واسطه‌ای تفکر انتقادی در ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و خلاقیت با عملکرد تحصیلی دانشجویان (دکتر صادق حامدی‌نسب؛ دکتر معصومه عزیزی به ترتیب: دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه بیرجند، و استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه زابل)

- عوامل مؤثر بر پذیرش فناوری نسل پنجم در بین دانشجویان ایران (دکتر مرتضی اکبری؛ هانیه پولادیان به ترتیب: دانشیار دانشکده کارآفرینی، و کارشناس ارشد دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران)

در بخش پایانی مجله، کتاب «تاریخ هشتادساله دانشکده فنی دانشگاه تهران، داستان یک خانه، داستان یک سرزمین» اثر دکتر مقصود فراسخواه، توسط آقای سیدعلی پزشکی اردکانی دانشجوی دکتری آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی معرفی و تحلیل شده و در ادامه چکیده مقالات به زبان انگلیسی آمده است.

علاقمندان برای دریافت مقالات تمامی شماره‌های فصلنامه و نیز کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به نشانی: ijee.ias.ac.ir مراجعه کنند.

گزارش رئوس فعالیت‌های گروه علوم مهندسی در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰

در بهار و تابستان سال ۱۴۰۰ فعالیت‌های گروه علوم مهندسی در قالب جلسات شورای گروه، شورای عمومی گروه، شورای شاخه‌های تخصصی گروه، و هیئت تحریریه فصلنامه آموزش مهندسی ایران تشکیل شد. همچنین دو وبینار توسط شاخه مهندسی برق و کامپیوتر گروه علوم مهندسی برگزار شد.

ادای احترام به مقام شامخ علمی و اخلاقی شادروان آقای دکتر علی اکبر رضانیان پور عضو وابسته و رئیس شاخه مهندسی عمران گروه علوم مهندسی فرهنگستان و استاد برجسته دانشگاه صنعتی امیرکبیر در جلسه شورای عمومی گروه؛ تمدید مسئولیت آقای دکتر محمدحسن پنجه شاهی به عنوان رئیس شاخه مهندسی محیط زیست و انرژی گروه، انتخاب آقای دکتر محمد سلطانی به عنوان رئیس جدید شاخه مهندسی شیمی، تمدید فعالیت آقای دکتر جعفر کیوانی به عنوان همکار مدعو در شاخه مهندسی عمران گروه، شروع فعالیت آقای دکتر محمد بازوکی استاد پژوهشگاه مواد و انرژی به عنوان همکار مدعو جدید شاخه مهندسی محیط زیست و انرژی گروه، شروع فعالیت خانم دکتر نغمه مبرقی به عنوان نماینده جایگزین گروه علوم کشاورزی فرهنگستان در شاخه بین گروهی محیط زیست، صدور احکام جدید سردبیر و اعضای هیئت تحریریه فصلنامه آموزش مهندسی ایران توسط رئیس فرهنگستان (آقای دکتر محمود یعقوبی به عنوان سردبیر جدید فصلنامه؛ آقایان دکتر عباس بازرگان و دکتر محمد دادرسی از دانشگاه تهران و آقای دکتر مقصود فراستخواه از مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی به عنوان اعضای جدید هیئت تحریریه فصلنامه؛ تمدید عضویت آقایان دکتر محمدرضا اسلامی، دکتر مهدی بهادری نژاد، دکتر جعفر توفیقی، دکتر پرویز جبه دارمارالانی، دکتر جلال حجازی دهقانی، دکتر محمدحسین حلیمی، دکتر پرویز دوامی، دکتر رهبر رحیمی، دکتر سعید سهراب پور، دکتر مهدی سهرابی، دکتر ابراهیم شیرانی، دکتر حسن ظهور، دکتر محمدرضا عارف، دکتر جواد فیض، دکتر علی کاوه، دکتر حسین معاریان و دکتر محمود یعقوبی در هیئت تحریریه فصلنامه؛ تصویب مقاله حاصل از طرح پژوهشی «تحلیل و طبقه بندی رساله‌های دکتری معماری دفاع شده در دانشگاه‌های برتر

جهان» در شورای علمی فرهنگستان؛ تصویب گزارش نهایی طرح پژوهشی «تحقیق، کشف و مستندسازی پروفایل مهندسان برجسته فرهنگستان علوم (بیوگرافی، تجارب، مأموریت، ارزش‌ها و اصول محوری و چشم‌انداز شخصی، رویکردها، روش‌ها و دستاوردهای مدیریتی» و خاتمه طرح مزبور در شورای علمی، موافقت شورای علمی فرهنگستان با درخواست خانم دکتر زهرا اهری همکار مدعو شاخه معماری و هنر مبنی بر گذراندن فرصت مطالعاتی در فرهنگستان علوم با موضوع تحقیقاتی «سیر تحولات طرح‌های شهری در ایران» با همکاری و نظارت آقای دکتر هادی ندیمی؛ و انتشار شماره‌های ۸۹ و ۹۰ فصلنامه آموزش مهندسی ایران، از فعالیت‌های گروه در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰ بود.

همچنین در این مدت به شاخه‌های تخصصی گروه ابلاغ شد که در ارتباط با انتخاب برجستگان مهندسی اقدام و پیشنهادهای خود را مطرح کنند تا در مراسم روز مهندسی پنجم اسفندماه سال ۱۴۰۰ از برگزیدگان تجلیل شود. موافقت با پیشنهاد شاخه مهندسی صنایع مبنی بر حمایت معنوی از کنفرانس بین‌المللی انجمن ایرانی تحقیق در عملیات که قرار است در مهرماه سال ۱۴۰۰ توسط دانشگاه سجاد برگزار شود و استفاده از لوگوی فرهنگستان علوم از دیگر تصمیمات گروه علوم مهندسی بود. در این خصوص مقرر شد شاخه مهندسی صنایع نسبت به ارسال مقالات کنفرانس مزبور پیرامون آموزش مهندسی برای بررسی و چاپ در فصلنامه آموزش مهندسی ایران اطلاع‌رسانی و اقدام کند. همچنین گروه علوم مهندسی درخصوص نامه درخواست رئیس فرهنگستان هنر مبنی بر همکاری فرهنگستان علوم در ساخت نمادنگ تجلیل و قدردانی از کادر بهداشت و درمان کشور در شرایط همه‌گیری کرونا، برسانه‌ای کردن خدمات جامعه پزشکی و پرستاری و قدردانی از آنان و ثبت این خدمات تأکید و اعلام کرد که وظیفه فرهنگستان‌ها این است که بر ضرورت قدردانی و اعتبار دادن به خدمات این عزیزان توجه دهند. در بهار سال جاری، دو وبینار توسط شاخه مهندسی برق و کامپیوتر گروه علوم مهندسی، یکی در ۲۷ اردیبهشت‌ماه و دیگری در ۲۳ خردادماه برگزار شد. گزارش این دو وبینار

در ادامه خبرنامه آمده است. برنامه‌ریزی و تشکیل میزگرد مجازی «تأمین پایدار انرژی الکتریکی، اوج بار ۱۴۰۱ و بعد از آن» و وبینار دیگری توسط شاخه مهندسی برق و کامپیوتر از سلسله سمینارهای «افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر» با موضوع «5G, 5G-Advanced and 6G Wireless Systems - Recap and Road Ahead» و همچنین برنامه‌ریزی جهت مشارکت و همکاری فرهنگستان علوم در هفتمین کنفرانس بین‌المللی آموزش مهندسی ایران که در تاریخ ۳ تا ۶ آبان در دانشگاه صنعتی امیرکبیر برگزار می‌شود از دیگر فعالیت‌های گروه مزبور بود.

برگزاری دو وبینار «افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر»

در بهار سال جاری، دو وبینار با موضوع «افق‌های آینده مهندسی برق و کامپیوتر» توسط شاخه مهندسی برق و کامپیوتر گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم برگزار شد.

در نخستین وبینار که روز دوشنبه، ۱۴۰۰/۰۲/۲۷، برگزار شد، خانم پروفسور اورباشی میترا (Prof. Urbashi Mitra)، سخنانی با عنوان «آزمایش فرضیه فعال برای تصمیم‌گیری سریع با کاربردهای آن در آزمایش SARS-CoV-2» ایراد کرد. پروفسور میترا در حال حاضر عضو هیئت علمی گروه مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه کالیفرنیا جنوبی است. سخنرانی ضبط شده ایشان در دو لینک ذیل قابل دسترسی است:

<http://www.ias.ac.ir/index.php/2015-09-21-08-02-30/2015-11-05-10-57-20/1907-webinar-1400-02-27>
<https://drive.google.com/file/d/1U-7ah2icHNAK94vXu0f3XhE4clYi7r8C/view>

در دومین وبینار نیز که روز یکشنبه، ۱۴۰۰/۰۳/۲۳، برگزار شد، آقای پروفسور رابرت شوبر (Prof. Robert Schober)، سخنانی تحت عنوان «فناوری‌های نوظهور در ارتباطات: سطوح بازتابنده هوشمند» ایراد کرد. پروفسور شوبر، عضو هیئت علمی بنیاد الکساندر فون هومبولت و رئیس ارتباطات دیجیتال گروه مهندسی برق، الکترونیک و ارتباطات دانشگاه فردریش-الکساندر ارلانگن نورنبرگ است. سخنرانی ضبط شده ایشان در دو لینک زیر قابل دسترسی است:

<http://www.ias.ac.ir/index.php/2015-09-21-08-02-30/2015-11-05-10-57-20/1914-eng-23-03-1400>
<https://drive.google.com/file/d/1alu5XKNGUFhPTNHvIH2rLxuOFA96deL2/view>

برگزاری میزگرد مجازی «تأمین پایدار انرژی الکتریکی، اوج بار ۱۴۰۱ و بعد از آن»

مجمع قدرت IEEE بخش ایران با حمایت فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، میزگرد مجازی «تأمین پایدار انرژی الکتریکی، اوج بار ۱۴۰۱ و بعد از آن» را در تاریخ یکشنبه ۱۸ مهر، ساعت ۱۶:۰۰ الی ۱۸:۰۰ در بستر کلاس مجازی دانشگاه صنعتی شریف با حضور هم‌زمان ۳۵۵ نفر برگزار کرد. اعضای میزگرد (با ترتیب الفبایی) و محورهای گفتگو در این میزگرد به شرح زیر بودند:

- مهندس حمید چیت‌چیان (وزیر اسبق نیرو: تعرفه‌های برق و یارانه انرژی)
- دکتر محمود رضا حقی فام (استاد دانشگاه تربیت مدرس، معاون پژوهش و فناوری گروه مپنا: پیش‌بینی بار و ظرفیت تولید در دسترس)
- دکتر مصطفی رجبی مشهدی (مدیر عامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران: برنامه‌ریزی تعمیرات نیروگاهی و آثار خاموشی و مدیریت بار روی صنایع)
- دکتر مجید فرمد (مشاور مدیر عامل توانیر، معاون اسبق برنامه‌ریزی توانیر: چالش‌ها و برنامه توسعه منابع تجدیدپذیر)
- مهندس هوشنگ فلاحتیان (معاون برنامه‌ریزی وزارت نفت، معاون سابق برق و انرژی وزارت نیرو: تأمین سوخت در اوج بار)
- دکتر محمدصادق قاضی‌زاده (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، عضو هیئت مدیره توانیر: سرمایه‌گذاری برای توسعه ظرفیت نیروگاهی)
- دکتر گنورگ قره‌پتیان (استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر: تبادلات انرژی الکتریکی)



درگذشت رئیس شاخه مهندسی عمران فرهنگستان علوم

آقای دکتر علی اکبر رمضانپور رئیس شاخه مهندسی عمران فرهنگستان علوم و استاد دانشکده مهندسی عمران دانشگاه صنعتی امیرکبیر دارفانی را وداع گفت.



دکتر علی اکبر رمضانپور در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. ایشان دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری حرفه‌ای را در دانشگاه تهران و دکتری تخصصی را در دانشگاه لیدز انگلستان گذراند و در سال ۱۳۷۵ به مرتبه استادی دانشگاه صنعتی امیرکبیر نائل شد. این چهره ماندگار مهندسی دانشگاه صنعتی امیرکبیر از سال ۱۳۸۵ به عضویت وابسته فرهنگستان علوم درآمد و سال‌ها ریاست شاخه مهندسی عمران فرهنگستان را بر عهده داشت.

۴۳ سال سابقه تدریس و تحقیق و مشاور عالی تکنولوژی بتن پروژه‌های بزرگ کشور نظیر پروژه‌های سد کرخه و کارون ۳، اهر، زبردان، استور، برج نمادین تهران، فرودگاه تهران، تعمیرات بندر جنوب کشور و بندر شهیدرجایی، مخازن نفتی بتنی، پل صدر، پل قشم، ایرانمال، آزادراه تهران شمال، پروژه‌های نجف و کربلا و مشاور عالی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، بخشی از خدمات ارزنده این استاد فقید است. از استاد دکتر علی اکبر رمضانپور به عنوان «پدر علم بتن ایران» یاد می‌شود.

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ضایعه درگذشت شادروان آقای دکتر علی اکبر رمضانپور را به خانواده ایشان، اعضای فرهنگستان، جامعه مهندسی و جامعه علمی و دانشگاهی کشور بخصوص دوستان و همکاران و شاگردان ایشان در دانشگاه صنعتی امیرکبیر تسلیت می‌گوید و برای استاد فقید علو درجات در درگاه باریتعالی مسألت دارد.

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم:

آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در پیامی ضایعه درگذشت شادروان آقای دکتر رمضانپور را تسلیت گفت.

متن پیام ایشان بدین شرح است:

«هوالباقی؛ درگذشت استاد گرامی مرحوم آقای دکتر رمضانپور را به خانواده محترمشان و به دانشگاهیان و اعضاء فرهنگستان علوم بخصوص به همکاران گروه علوم مهندسی تسلیت می‌گویم و از خداوند تعالی برای ایشان رحمت و آمرزش مسألت دارم. رضا داوری اردکانی».

آقای دکتر محمدرضا عارف عضو پیوسته فرهنگستان علوم نیز در پیامی ضایعه درگذشت آقای دکتر رمضانپور را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است:

«انالله وانا الیه راجعون

با اندوه و تأثر فراوان با خبر شدم جناب آقای دکتر علی اکبر رمضانپور رئیس محترم شاخه مهندسی عمران فرهنگستان علوم و استاد برجسته دانشگاه صنعتی امیرکبیر پس از یک عمر تلاش خستگی‌ناپذیر در راه توسعه دانش رخ در نقاب خاک کشید. ایشان که از چهره‌های ماندگار کشورمان محسوب می‌شوند، آثار فاخر و گران‌بهایی از خود به یادگار گذاشتند که تا سال‌ها مورد استفاده دانشجویان و محققان خواهد بود.

اینجانب ضمن تسلیت درگذشت این استاد برجسته دانشگاه به خانواده محترم ایشان، اعضای محترم فرهنگستان علوم و جامعه دانشگاهی کشورمان، از درگاه ایزد منان برای آن فقید سعید علو درجات و مغفرت و برای تمامی بازماندگان صبر جمیل مسئلت می‌نمایم. محمدرضا عارف».



گزارش رئوس فعالیت‌های گروه علوم کشاورزی در شش ماهه اول سال جاری

مربوط به چاپ شماره بعدی مجله از دیگر فعالیت‌های گروه در این مدت بود. بررسی و ارسال درخواست عضویت وابسته ۴ استاد برجسته دانشگاه‌های کشور برای عضویت وابسته در گروه به شورای علمی و مجمع عمومی برای تصویب، بررسی و ارسال درخواست همکاری مدعو ۳ استاد برجسته دانشگاه‌های کشور برای همکاری در گروه به شورای علمی برای تصویب، پیشنهاد تمدید عضویت وابسته ۲۰ استاد عضو وابسته گروه برای یک دوره چهارساله دیگر و ۸ استاد همکار مدعو گروه برای یک دوره دوساله دیگر از دیگر اقدامات گروه بود. گروه علوم کشاورزی همچنین طی نامه‌ای به وزیر جدید جهاد کشاورزی، خلاصه‌ای از اظهارنظرها و هشدارها و فعالیت‌های گروه را به استحضار ایشان رساند.

در شش ماهه اول سال جاری جلسات شورای گروه علوم کشاورزی و شاخه‌های تخصصی گروه و نیز جلسات شورای دبیران مجله «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی و منابع طبیعی» به طور منظم برگزار شد.

در این مدت، نخستین گزارش مرحله دوم طرح کلان پژوهشی گروه با عنوان «بررسی فناوری‌های نوین بوم‌سازگار در کشاورزی و منابع طبیعی» تهیه شد و به تأیید داور طرح هم رسید.

همچنین یک جلسه سخنرانی تخصصی به همت شاخه خاک‌شناسی گروه با عنوان «امنیت خاک» و با سخنرانی آقای دکتر فرهاد خرمالی تشکیل شد. انتشار شماره جدید مجله «پژوهش‌های راهبردی در علوم کشاورزی» و پیگیری جهت دریافت مقالات و امور

برگزاری وینار «امنیت خاک»

روز دوشنبه هفتم تیر ۱۴۰۰، یک جلسه سخنرانی تخصصی با موضوع «امنیت خاک»، به همت گروه علوم کشاورزی فرهنگستان به صورت برخط (آنلاین) برگزار شد.

دبیر علمی این جلسه آقای دکتر سیدعلی ابطی رئیس شاخه خاکشناسی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و سخنران نشست آقای دکتر فرهاد خرمالی استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و همکار مدعو شاخه خاکشناسی فرهنگستان علوم بودند. در این جلسه ۹۶ تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی، مسئولان، متخصصان و کارشناسان علوم خاک ایران و نیز بخش کشاورزی و منابع طبیعی دولتی و خصوصی و اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم شرکت داشتند.

در ابتدای مراسم آقای دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم ضمن خیرمقدم به حاضران و تشکر از مدعوین اظهار داشت: وینار امنیت خاک اولین گردهمایی علمی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان در سال ۱۴۰۰ است که توسط اعضای شاخه خاکشناسی و به مدیریت آقای دکتر ابطی برنامه‌ریزی شده است. دکتر عباس شریفی تهرانی افزود: گروه علوم

کشاورزی فرهنگستان در سال‌های گذشته نیز سخنرانی‌ها و همایش‌های متعدد علمی در زمینه‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی برگزار کرده است که نتایج هر نشست به صورت بیانیه منتشر شده و در اختیار مسئولان قرار گرفته است. اخیراً نیز مجموعه بیانیه‌های مربوط به سخنرانی‌ها و همایش‌های ۲ سال اخیر منتشر شده و برای مسئولان ذیربط در وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو و سازمان محیط‌زیست و ... ارسال شده است.

رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم ادامه داد: جلسه امروز در مورد امنیت خاک است که از موضوعات زیربنایی کشاورزی و منابع طبیعی است و لازم است همانند بیانیه و هشدار بحران آب که از طرف گروه علوم کشاورزی صادر و با تأیید فرهنگستان علوم منتشر شد، در مورد بحران خاک نیز چنین هشدار داده شود. زیرا هشدار در زمان نزدیک شدن به مرحله خطر است و خسارات و صدماتی که به خاک وارد می‌شود قابل جبران نیست.

پس از سخنان رئیس گروه علوم کشاورزی، دبیر علمی جلسه آقای دکتر سیدعلی ابطی اظهار داشت: همه ما می‌دانیم که خاک زیربنای کلیه فعالیت‌های کشاورزی و منابع طبیعی، بر روی پوسته



خارجی زمین است. خاک هم محیط تغذیه و هم محل استقرار گیاهان است و در نتیجه حیات کلیه موجودات از جمله انسان به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به کم و کیف آن بستگی دارد، مضافاً خاک به عنوان ذخیره کننده و تصفیه کننده آب و همچنین به عنوان بستر میکروارگانیسم ها و ریزجانداران خاکزی، نقشی حیاتی در پایداری و تداوم چرخه زیستی دارد، لذا گراف نیست اگر خاک را منشاء زندگی نامید و بهره برداری صحیح و بهینه از آن را در بالاترین سطح اولویت قرار داد. رئیس شاخه خاکشناسی فرهنگستان علوم ادامه داد: انسان های اولیه غارنشین، نیازهای خود را از طریق شکار و یا خوردن میوه های جنگلی تأمین می کردند و هیچ مفهومی از باروری خاک نداشتند. تا اینکه در حدود ۱۰ هزار سال پیش، بومیانی که در منطقه بین النهرین و کوهپایه های زاگرس زندگی می کردند، توانستند برای اولین بار از طریق کشت بذور وحشی غلات، اقدام به تولید محصولات کشاورزی کنند و در نتیجه جایگاه و اهمیت خاک به عنوان محیطی برای کشت گیاه و تولید محصول برای اولین بار، توسط بومیان منطقه ای که بعدها ایران نام گرفت، در تاریخ به ثبت رسید. چنانچه به تاریخ ظهور و یا سقوط تمدن های گذشته بر روی زمین توجه کنیم، ملاحظه می شود ظهور تمدن ها در مناطقی نظیر بین النهرین، دره نیل، هوانگهو (رودخانه زرد) و دره هندوس عمدتاً به علت وجود خاک های حاصلخیز آن مناطق بود، که بعضاً سقوط و اضمحلال پاره ای از آن تمدن ها، در اثر بهره برداری غلط و فرسایش، نابودی و شور و قلیا شدن خاک های آن مناطق بوده است. علیرغم پیشینه درخشانی که مردمان ایران زمین، در زمینه تأمین مایحتاج خود از طریق خاک داشتند و اولین انسان هایی بوده اند که پی به اهمیت خاک برده اند، متأسفانه در دهه های سنواتی اخیر به علت تغییر کاربری های غیرمرتبط، و یا فشارهای بیش از توان تولیدی خاک، باعث زیان های جبران ناپذیر به خاک و منابع اراضی شده است. برای مثال براساس آمارهای وزارت کشاورزی ظرف چهار سال گذشته مساحت جنگل های کشور از ۱۸ میلیون هکتار به کمتر از ۱۲ میلیون هکتار رسیده است. با توجه به قرارگیری کشور در عرض جغرافیایی عمدتاً خشک کره زمین و عدم وجود شرایط بسیار مرطوب تر اواخر دوران ترشیاری در تشکیل جنگل های زاگرس،



امکان بازسازی جنگل های تخریب شده، بخصوص جنگل های منطقه زاگرس غیر قابل جبران است. دکتر ابطی ادامه داد: یکی از پیامدهای مخرب جنگل تراشی، افزایش شدت فرسایش خاک است. در ایران میزان تخریب و فرسایش سالیانه خاک از سطح زمین که در چهل سال گذشته ۲/۵ میلیارد تن در سال برآورد شده بود متأسفانه به دلیل تخریب وسیع جنگل ها و همچنین فشار فوق العاده زیاد به مراتع، امروز تا چندین برابر ارقام گذشته، آماردهی می شود. رئیس شاخه خاکشناسی فرهنگستان علوم در ادامه گفت: از مسائل مخرب دیگری که در سال های اخیر به شدت امنیت خاک و آینده زمین های کشاورزی را تهدید می کند، استحصال آب زیرزمینی برای کشاورزی، خارج از توان جبرانی آن توسط نزولات آسمانی است که نتیجه آن باعث فرونشست دشت ها و ایجاد فروچاله ها و شکاف بر روی اراضی شده است، برای مثال در استان فارس فرونشست دشت ها در مواردی تا ۵۰ سانتیمتر در مناطق فسا، جهرم و مرودشت به همراه فروچاله های عظیم و طولانی گزارش شده است. متأسفانه برگشت این قبیل فرونشست ها، به حالت اولیه یک پدیده وخیم و بسیار زمانبر است. دکتر علی ابطی در پایان سوابقی از فعالیت های علمی آقای دکتر فرهاد خرمالی سخنران جلسه ذکر کرد.



در ادامه جلسه آقای دکتر فرهاد خرمالی استاد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و همکار مدعو شاخه خاکشناسی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم سخنانش را ایراد کرد. چکیده سخنان ایشان بدین شرح است:

«خاک هفت نقش کلیدی را در زیست بوم ایفا می کند که عبارتند از:

۱- بستر تولید زیتوده، زراعی و منابع طبیعی تجدیدشونده (جنگل، مرتع)

۲- ذخیره، تصفیه و تغییر شکل عناصر غذایی، آب و مواد

۳- بستر تنوع زیستی، شامل زیستگاه، گونه ها و ژن ها

۴- محیط فیزیکی و فرهنگی برای انسان و فعالیت آن

۵- منبع مواد خام

۶- مخزن کربن

۷- آرشپوزمین شناسی، ژئومورفولوژی و میراث باستان شناسی.

بدین جهت خاک نقش محوری امنیت غذایی، امنیت آب، پایداری انرژی، ثبات اقلیم، تنوع زیستی و ارائه خدمات زیست بوم در چالش های پایداری محیط زیستی جهانی را داراست. بدلیل نقش کلیدی و محوری خاک، لازم است تا از نگاه بنیادی به پیکره خاک در محدوده کشاورزی، به جنبه های وسیع تر علوم محیطی و به ویژه زمینه های کاربردی توسعه پایدار توجه کرد.

امنیت خاک، مفهومی گسترده از خاک با انگیزه توسعه پایدار است که حفظ و بهبود منابع جهانی خاک برای تولید مواد غذایی، فیبر و آب شیرین، کمک به پایداری انرژی و اقلیم و نیز حفظ تنوع زیستی و محافظت کلی از زیست بوم را در بر می گیرد. امنیت خاک شامل پنج بعد (۱) قابلیت خاک (۲) وضعیت حال خاک (۳) ارزش طبیعی خاک

(۴) مدیریت و ترویج خاک و (۵) قانون و سیاستگذاری خاک است. مفهوم امنیت خاک مفهومی فراگیرتر از کیفیت خاک، سلامت و حفاظت خاک است. توسعه مفهوم امنیت خاک به شکل کاملاً کاربردی در سطح جهانی و به ویژه در کشور نیازمند کار گسترده ای است. مهمترین چالش های موجود در این مسیر تدوین دستور کار کاربردی برای هر یک از ابعاد امنیت خاک است. به عنوان مثال دو بعد قابلیت و وضعیت حال خاک، نیازمند مشخص کردن وضعیت مرجعی هستند تا خاک هر منطقه را بتوان با آن مقایسه کرد. همچنین تاکنون روشی برای ارزش گذاری خاک مشخص نشده است. در بعد چهارم نیز به ویژه در کشورمان ارتباط مناسبی بین مدیران مسئول خاک و جامعه برقرار نشده است. قانونمند کردن و سیاستگذاری خاک هم نیازمند تدوین شیوه نامه های اجرایی است. بنابراین لازم است در راستای به کارگیری مفهوم امنیت خاک در جامعه ارتباط نزدیکی بین همه بخش هایی که با خاک درگیر هستند، برقرار شود.

جهت درک بهتر جایگاه خاک و علم خاک در کشور لازم است تا نقش هفتگانه کلیدی خاک به دقت مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و نتایج آن به صورت مشخص و کاربردی در جامعه اطلاع رسانی شود. تنها در این صورت است که جایگاه واقعی خاک و لزوم نقش خاکشناسان برای کمک به رفع چالش های محیط زیستی آشکارتر خواهد شد. در پایان جلسه مدعوین نظراتشان را ارائه کردند. پس از جمع بندی مطالب ارائه شده در سخنرانی و نظرات و دیدگاه های مطرح شده، بیانیه ای از سوی گروه علوم کشاورزی در خصوص امنیت خاک صادر خواهد شد.

درگذشت رئیس شاخه ماشین های کشاورزی فرهنگستان علوم

متوسطه در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۰ با رتبه ممتاز مدرک کارشناسی ارشد را در رشته مکانیک ماشین های کشاورزی کسب کرد. یک سال بعد عازم فرانسه شد و در سال ۱۳۴۶ موفق به اخذ دکترای تخصصی مهندسی ماشین های کشاورزی از دانشگاه سوربن فرانسه شد.

آقای دکتر سیدعلیمحمد برقی عضو وابسته و رئیس شاخه ماشین های کشاورزی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد ممتاز دانشگاه تهران در سن ۸۳ سالگی دارفانی را وداع گفت. دکتر علیمحمد برقی در سال ۱۳۱۷ در قم به دنیا آمد و دوران تحصیل ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. بعد از اخذ دیپلم



وی بعد از بازگشت به ایران در دانشکده کشاورزی تهران مشغول به خدمت شد و درجات علمی استادیاری را در سال ۱۳۴۷ و دانشیاری را در ۱۳۵۳ طی کرد و در سال ۱۳۶۲ به مرتبه استادی دانشگاه تهران نائل شد.

تدریس دروس مختلف رشته ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون کشاورزی در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز دکتری از فعالیت‌های آموزشی دکتر برقی بوده است. دکتر برقی دوره دکتری مکانیک ماشین‌های کشاورزی در دانشگاه تهران، دوره‌های کارشناسی ارشد در رشته‌های مکانیک ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون کشاورزی، و آزمایشگاه علم مواد در گروه مهندسی ماشین‌های کشاورزی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را راه‌اندازی کرده است.

از جمله سوابق علمی- اداری شادروان آقای دکتر برقی می‌توان به مدیریت گروه ماشین‌های کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، ریاست شاخه ماشین‌های کشاورزی فرهنگستان علوم، عضویت در شورای مکانیزاسیون کشاورزی وزارت کشاورزی، عضویت در کمیته هیئت داوران جشنواره خوارزمی، عضویت در شورای علمی کشاورزی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، عضویت در شورای پژوهش‌های علمی وزارت علوم، عضویت در کمیسیون تدوین استانداردهای ماشین‌های کشاورزی مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی، عضویت در کمیته هیئت داوران کتاب‌های درسی رشته ماشین‌های کشاورزی مرکز نشر دانشگاهی، و عضویت در کمیته تخصصی برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشته کشاورزی وزارت آموزش و پرورش اشاره کرد. وی همچنین کارشناس رسمی دادگستری بود.

از دکتر سیدعلیمحمد برقی ده‌ها عنوان کتاب و مقاله دانشگاهی و ده‌ها عنوان کتاب برای هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در رشته مکانیک، ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون که توسط وزارت آموزش و پرورش چاپ شده است، به یادگار مانده است.

آقای دکتر سیدعلیمحمد برقی در سال‌های عضویت وابسته در گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم، علاوه بر ریاست شاخه ماشین‌های کشاورزی، طرح‌های مطالعاتی ارزشمند و دقیقی اجرا کرد و

سمینارهای موفق نیز توسط ایشان و همکارانشان برگزار شد. همکاری در تدوین «فرهنگ نوین کشاورزی و منابع طبیعی» و جلد نهم آن با عنوان «ماشین‌های کشاورزی»، شامل تعریف و معادل فارسی واژه‌های علمی، و انتشار آن از دیگر خدمات و فعالیت‌های ارزشمند ایشان در فرهنگستان علوم بوده است.

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران ضایعه درگذشت شادروان دکتر سیدعلیمحمد برقی را به خانواده ایشان و جامعه علمی و دانشگاهی کشور بخصوص دانشگاه تهران و به اعضای فرهنگستان علوم بخصوص استادان عضو گروه علوم کشاورزی تسلیت می‌گوید و برای استاد فقید علو درجات در درگاه باری تعالی مسألت دارد.

در پی درگذشت مرحوم آقای دکتر سیدعلیمحمد برقی، رئیس و تعدادی از مسئولان فرهنگستان علوم در پیام‌هایی درگذشت ایشان را تسلیت گفتند. متن پیام‌ها بدین شرح است:

پیام تسلیت رئیس فرهنگستان علوم

هوالباقی؛ با نهایت تأسف درگذشت همکار گرامی استاد دکتر سیدعلیمحمد برقی عضو وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان و استاد پیشکسوت دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران را به خانواده محترم ایشان و به اعضای عزیز فرهنگستان به‌خصوص همکاران ایشان در گروه علوم کشاورزی و به جامعه علمی و دانشگاهی کشور بخصوص همکاران و دوستان و شاگردان و دوستداران ایشان در دانشگاه تهران تسلیت عرض می‌کنم. خداوند استاد فقید را در پناه رحمت خویش قرار دهد و به بازماندگان ایشان صبر و اجر و سلامت عطا فرماید.

رضا داوری اردکانی، ۱۴۰۰/۰۵/۰۵





پیام تسلیت رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم

انا لله وانا اليه راجعون

بدینوسیله رحلت سید بزرگوار و جلیل‌القدر شادروان دکتر سیدعلیمحمد برقی عضو وابسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم را به کلیه دانشیان و ارباب علم و فضیلت تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم. برای روان آن مرحوم آرامش در جوار اجدادش و برای کانون علمی فرهنگستان سربلندی و مزید توفیق و برای سوگواران صبر جمیل و اجر جزیل مسألت دارم.

سیدمصطفی محقق داماد

پیام تسلیت دبیر فرهنگستان و رئیس گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم

درگذشت استاد ارجمند آقای دکتر برقی را به خانواده محترم ایشان و همکاران گرامی فرهنگستان صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم. برای ایشان غفران الهی و برای بازماندگان ارجمند صبر و سلامت آرزومندم. حسین نمازی

پیام تسلیت رئیس کمیسیون پیشبرد ریاضیات فرهنگستان علوم

انا لله وانا اليه راجعون

با اندوه و تأثر فراوان با خبر شدم جناب آقای دکتر سیدعلیمحمد برقی عضو وابسته گروه کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد پیشکسوت و برجسته دانشگاه پس از یک عمر تلاش خستگی‌ناپذیر در راه توسعه دانش رخ در نقاب خاک کشید. ایشان که از چهره‌های ماندگار کشورمان محسوب می‌شوند، آثار فاخر و گرانبهائی از خود به یادگار گذاشتند که تا سال‌ها مورد استفاده دانشجویان و محققان خواهد بود. اینجانب ضمن تسلیت درگذشت این استاد برجسته دانشگاه به خانواده محترم ایشان، اعضای محترم فرهنگستان علوم و جامعه دانشگاهی کشورمان، از درگاه ایزد منان برای آن فقید سعید علو درجات و مغفرت و برای تمامی بازماندگان صبر جمیل مسئلت می‌نمایم.

محمد رضا عارف، ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

پیام تسلیت رئیس گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم

درگذشت استاد ارجمند جناب آقای دکتر برقی را به خانواده محترم ایشان و به اعضای فرهنگستان به خصوص همکاران گرامی گروه علوم

کشاورزی تسلیت عرض می‌کنم. محمدقلی نادعلیان

پیام تسلیت رئیس و تعدادی از اعضای گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم

آقای دکتر عباس شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم ضمن اعلام خبر درگذشت شادروان آقای دکتر سیدعلیمحمد برقی، درگذشت این استاد برجسته دانشگاه تهران و عضو گروه علوم کشاورزی و رئیس شاخه ماشین‌های کشاورزی را به خانواده محترم ایشان و به جامعه علمی و دانشگاهی کشور و همکاران گرامی فرهنگستان علوم تسلیت و تعزیت گفت.

در پیام آقای دکتر بهمن یزدی‌صمدی عضو پیوسته فرهنگستان علوم آمده است: وفات دکتر علیمحمد برقی استاد فرهیخته شاخه ماشین‌های کشاورزی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم را به خانواده محترم ایشان و همکاران ارجمند فرهنگستان علوم و اعضای شاخه ماشین‌های کشاورزی و نیز به اعضای گرامی گروه علوم کشاورزی از صمیم قلب تسلیت عرض می‌کنم. استاد برقی شخصیتی والا، ساده‌زیست، بی‌مدعا و دوست‌داشتنی بود. از خدای بزرگ آرزوی مغفرت برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای خانواده محترم برقی خواهانم. بهمن یزدی‌صمدی

آقایان دکتر مرتضی خوشخوی و دکتر کرامت‌الله ایزدپناه اعضای پیوسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان نیز در پیام‌هایی ضایعه درگذشت شادروان آقای دکتر برقی را تسلیت گفتند.

در پیام آقای دکتر ایزدپناه آمده است:

ضایعه تأسف‌انگیز درگذشت دوست و همکارمان دکتر علیمحمد برقی استاد ارجمند دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان علوم ایران را به خانواده آن شادروان، اعضای گروه کشاورزی فرهنگستان و همه دانشگاهیان تسلیت می‌گویم. برای آن مرحوم آرامش روح و برای بازماندگان شکیبایی مسئلت می‌نمایم. یادش گرامی باد.

کرامت‌اله ایزدپناه

در پیام آقای دکتر خوشخوی آمده است:

درگذشت جانگذا: استاد دکتر برقی را تسلیت عرض نموده از خداوند بزرگ برای بازماندگان صبر و شکیبایی و برای آن زنده‌یاد آرامش روان مرتضی خوشخوی آرزومندم.

پیام تسلیت رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی

آقای دکتر مرتضی شهیدزاده رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی در پیامی به آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، ضایعه درگذشت دانشمند عزیز آقای دکتر سیدعلیمحمد برقی را تسلیت گفت.

متن پیام بدین شرح است:

باسمه تعالی

جناب آقای دکتر رضا داوری اردکانی

رئیس محترم فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام، قطعاً از دست دادن انسان‌های بزرگ و دانشمند به مانند دکتر سیدعلیمحمد برقی رئیس شاخه ماشین‌های کشاورزی گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم که نقش پررنگی در پرورش علمی جوانان این سرزمین داشتند، سخت و ناراحت‌کننده است. بدینوسیله درگذشت این استاد عزیز را به جنابعالی و اعضای محترم فرهنگستان علوم تسلیت می‌گویم و برای آن مرحوم، مغفرت الهی و برای خانواده و دوستان ایشان صبر و آرامش خواستارم.

مرتضی شهیدزاده، ۱۴۰۰/۰۵/۰۴

دامپزشکی و کووید - ۱۹

نشست علمی شاخه پاتوبیولوژی گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۸ با موضوع کووید-۱۹، به صورت آنلاین برگزار شد.

در این جلسه که با شرکت جمع کثیری از استادان دانشکده‌های دامپزشکی دانشگاه‌های مختلف کشور برگزار شد، سخنرانی‌ها و بحث‌های زیادی در ارتباط با ویروس کرونا و دامپزشکی مطرح شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر محمدقلی نادعلیان رئیس گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم، از شاخه پاتوبیولوژی مخصوصاً آقایان دکتر محمد وجگانی، دکتر عباسعلی مطلبی و دکتر غلامرضا نیکبخت بروجنی برای برگزاری این جلسه، و چهار سخنران اصلی نشست، و همچنین مدعوین و میهمانان شرکت‌کننده تشکر کرد و در سخنان کوتاهی پرداختن به موضوعات اساسی و کلان مرتبط با دامپزشکی و پزشکی کشور از جمله موضوع این نشست را از رسالت‌های مهم گروه علوم دامپزشکی عنوان و اظهار امیدواری کرد که نتایج این جلسه مورد استفاده و بهره‌برداری همگان قرار گیرد. پس از سخنان رئیس گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان




انجمن پاتوبیولوژی گروه دامپزشکی فرهنگستان علوم و قرار می‌کند

نشست علمی

دامپزشکی و کووید ۱۹

موضوع	سخنران
بیماری‌های ویروسی در دامپزشکی	دکتر محمدعلی نادعلیان
ویروس کرونا و دامپزشکی	دکتر محمد وجگانی
تاثیرات ویروس کرونا بر سیستم ایمنی	دکتر عباسعلی مطلبی
روش‌های تشخیص و درمان	دکتر غلامرضا نیکبخت
نقش دامپزشکی در کنترل بیماری	دکتر سیدعلیمحمد برقی

زمان: پنجشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۷/۰۸ ، ساعت: ۱۲:۵۹

مکان: میدان ونک، بزرگراه جلالی، خروجی کتابخانه ملی و فرهنگستان ها، فرهنگستان علوم، طبقه اول، سالن جلسات شورای گروه علوم دامپزشکی

تلفن گروه علوم دامپزشکی: ۰۸۸۶۲۵۵۸۹ ، ۰۲۱۲۵۰۱۲۰۵۲
لینک ارتباط مجازی: <https://www.akyroom.online/chi/veterinary>

علوم، آقای دکتر حسن تاج‌بخش عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد ممتاز دانشگاه تهران به عنوان سخنران افتتاحیه نشست سخنرانی ایراد کرد. ایشان در بخشی از سخنانش تأکید کرد: این زیاده‌روی بشر، بلا بر سرش می‌آورد. من بارها و بارها در دانشگاه به دانشجویان می‌گفتم که کارخانه خلقت خدا قطع نشده است. ویروس‌های جدید و میکروب‌های جدید می‌توانند به وجود بیایند و خطر آفرین باشند. دستکاری‌های بی‌جایی که بشر می‌کند بخصوص آزار حیوانات بی‌آزار و دستکاری‌های زیاد از حد بر روی حیوانات، همچنین از بین بردن محیط زیست و نیز تراکم جمعیتی که وجود دارد، اینها خطر آفرین خواهد بود. دو سال پیش که بیماری کرونا به وجود آمد، من در جایی اشاره کردم که در نهاد این بیماری، ایمنی وجود دارد. برای اینکه همه مبتلانی شوند و اکثریت قریب به اتفاق، ابتلایشان ظاهر نمی‌شود و یا فوق‌العاده ضعیف ظاهر می‌شود و تعداد خیلی کمی از مبتلایان متأسفانه می‌میرند. بنابراین در نهاد این بیماری ایمنی وجود دارد و واکسن آن هم پیدا خواهد شد. اکنون که واکسن تهیه شده است باید واکسن خوب را تزریق کرد چرا که تأثیر این بیماری در اقتصاد کشور و نابودی اقتصاد دنیا بسیار مشهود است. تأثیر آن در تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات و... بسیار حائز اهمیت است.



طرح‌های پژوهشی

وضع طرح‌های پژوهشی فرهنگستان - شش ماهه اول سال ۱۴۰۰

طرح‌های پژوهشی جاری:

- بررسی فناوری‌های نوین بوم‌سازگار در کشاورزی و منابع طبیعی (فاز دوم طرح پژوهشی: آینده‌نگری وضعیت کشاورزی و منابع طبیعی با توجه به تغییرات جهانی و روند رو به رشد فناوری‌ها)، (مجری: آقای دکتر عباس شریفی تهرانی)
- زیبایی‌شناسی محراب‌های ایران (با حمایت مالی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور)، (مجری: آقای دکتر محمدحسین حلیمی)
- تاریخ فقه امامیه ۳ (مجری: آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد)

طرح‌های پژوهشی خاتمه‌یافته:

- بررسی راهبردهای اخیر در حوزه‌های پژوهش و فناوری علوم زیستی (مجری: آقای دکتر حسن ابراهیم‌زاده)، (خلاصه مدیریتی این طرح، در ادامه خبرنامه آمده است)
 - تحقیق، کشف، تحلیل و مستندسازی پروفایل مهندسان برجسته فرهنگستان علوم (مجری: آقای دکتر سعید سهراب‌پور)
- لازم است ذکر شود فرهنگستان علوم هر سه ماه یک‌بار عناوین و نتایج طرح‌های پژوهشی‌اش را به شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) ارسال می‌کند.

بنابراین با خردورزی و به دور از ادعا، باید کار کنیم. کار هم در واکسیناسیون و تزریق واکسن خوب خلاصه می‌شود. دکتر تاج‌بخش در ادامه اشاره کرد که من به عنوان یک استاد پیرایمی‌شناسی و میکروب‌شناسی از ملت شریف ایران خواهش می‌کنم که لطف کنند واکسن بزنند و انشاءالله امکانات تهیه واکسن خوب هم فراهم شود. واکسن در دایره علم باید باشد نه در دایره غیر علم، از شبه علم باید پرهیز کرد. با واکسن زدن، و با رعایت فاصله اجتماعی و ماسک زدن جلوی انتشار این بیماری و ویروس را باید گرفت. از دیدگاه دکتر حسن تاج‌بخش این بیماری همانند آنفلوآنزا ماندگار خواهد بود ولی باید درمان شود و همانند آنفلوآنزا از حدت و شدت آن کاسته شود. در مورد این بیماری سویه‌های مختلف و موتاسیون‌های مختلف اتفاق افتاده است اما خوشبختانه با تأیید شدن و تهیه واکسن‌های خوب تا حد زیادی می‌توان جامعه و کل دنیا را نجات داد و حدت و شدت آن را کم کرد. دکتر حسن تاج‌بخش در بخش دیگری از سخنانش تصریح کرد: در صورتی که آمار واکسیناسیون بالاتر رود (۹۰ - ۸۰) درصد، ویروس‌ها و میکروب‌ها برای اینکه خودشان را حفظ بکنند موتاسیون‌هایی را ایجاد

خواهند کرد و در نهایت فروکش خواهد شد و در دنیا فروکش خواهد کرد. پیش‌بینی من این است که در طول یک سال آینده این اتفاق رخ دهد. امیدوارم که موفق و مؤید باشیم و انشاءالله که خداوند همه را در جهت خردورزی هدایت کند.

در این نشست، آقایان دکتر رضا جعفری استادیار ایمونولوژی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در ارتباط با «مکانیسم‌های ایمنی و دفاع در برابر کرونا ویروس‌ها با تأکید بر کووید-۱۹» و دکتر سید جلیل ذریه زهرا دانشیار و عضو شبکه تحقیقات بیماری‌های ویروسی کشور تحت عنوان «چشم‌اندازی بر پیدایش و بیماری‌زایی کووید-۱۹» و دکتر علیرضا خسروی استاد و مدیر گروه میکروبیولوژی و ایمونولوژی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران با موضوع «کووید-۱۹ زمینه‌ساز عفونت‌های قارچی مهاجم سیستم تنفسی» و آقای دکتر محمد خسروی دانشیار ایمونولوژی دانشکده دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز با عنوان «مزایا و معایب واکسن‌ها و روش‌های تشخیص کووید-۱۹» سخنرانی ایراد کردند. خلاصه مطالب مطروحه در شماره بعدی خبرنامه خواهد آمد.

خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته:

بررسی راهبردهای اخیر در حوزه‌های پژوهش و فناوری در علوم زیستی

مجری: دکتر حسن ابراهیم‌زاده^۱



دانشگاهی، وزارت جهاد کشاورزی، و معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری قرار گرفته که در عین کثرت، از وحدت حداقلی برخوردارند. هماهنگی، هم‌راستایی و همدلی حداقلی در بین بازیگران باعث شده که تنه قوی زیست‌شناسی با تکه‌تکه شدن، وضعیت نحیفی پیدا کند. نداشتن تولید واحد در علوم زیستی کشور باعث شده تا اهداف کلان به خوبی تبیین نشود و جهت‌گیری کشور در این حوزه مشخص نباشد. نیاز است تا حوزه علوم زیستی در کشور دارای مدیریت کلان باشد تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیحی بر این حوزه اعمال شود.

۲- اهمیت علوم زیستی در کشورمان از سوی برنامه‌ریزان، مشابه سایر حوزه‌های علمی در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در کشورهای پیشرفته صنعتی، پس از حوزه دفاعی، بیشترین سرمایه‌گذاری به حوزه علوم زیستی اختصاص می‌یابد، زیرا این حوزه زیرساخت‌های اصلی امنیت غذایی، سلامت، برخی صنایع مهم در اقتصاد و اشتغال، و نیز امنیت در حوزه‌های دفاعی و امنیتی را برای این کشورها فراهم می‌کند. لذا برنامه‌ریزان کشورمان باید سرمایه‌گذاری بسیار بیشتری را در حوزه علوم زیستی مبذول دارند. یکی از تبعات کوتاه مدت عدم سرمایه‌گذاری کافی، تندتر شدن شیب مهاجرت متخصصان علوم زیستی از کشور است.

۳- حوزه زیست‌شناسی از حوزه‌هایی است که بیشترین میان‌رشته‌ای‌ها را به وجود آورده است. حوزه‌های جدید علوم زیستی به‌ویژه زیست‌شناسی سنتزی و زیست‌شناسی سامانه‌ها با علوم کامپیوتر و هوش مصنوعی بین‌رشته‌ای‌های زیادی ایجاد کرده‌اند، این در حالی است که در کشورمان بین‌رشته‌ای‌های جدید در حوزه زیست‌شناسی

علوم زیستی از حوزه‌های اقتدارآفرین برای تمامی کشورهای جهان است که در هزاره سوم بر اهمیت آن بیش از پیش افزوده شده است. امروز علوم زیستی مسیر مولکولی‌شدن را با سرعتی بیش از سال‌های قبل طی می‌کند و ظهور حوزه زیست‌شناسی سنتزی، تغییرات خارق‌العاده‌ای را در زندگی بشر ایجاد خواهد کرد. سابقه زیست‌شناسی در ایران به بیش از ۸۵ سال می‌رسد و این حوزه با تأسیس دانشگاه تهران رشد زیادی پیدا کرد و امروز از حوزه‌های فعال علوم پایه در کشورمان محسوب می‌شود. اگرچه قبل از انقلاب اسلامی نیز در حوزه زیست‌شناسی پژوهش‌هایی صورت می‌گرفت؛ ولی پس از انقلاب و به ویژه بعد از اواخر دهه ۶۰، پژوهش در زیست‌شناسی سرعت بیشتری یافت و با گسترش آموزش عالی در کشور، زیست‌شناسی از چند دانشگاه محدود، به سراسر کشور گسترش یافت. هم‌اکنون، حوزه زیست‌شناسی در زمینه پژوهش از حوزه‌های فعال کشور است که حاصل آن انتشار مقالات زیادی در مجلات معتبر بین‌المللی است. با این وجود، وضعیت پژوهش و فناوری در حوزه زیست‌شناسی در کشورمان با وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد و بایستی در اسرع وقت تغییراتی پیدا کند تا کشورمان بتواند فاصله خود را با رقبای که برخی سابقه چندانی در حوزه زیست‌شناسی ندارند، کم کند. در ذیل به برخی از مهمترین موارد که حاصل پژوهش انجام‌شده است، اشاره و پیشنهادهایی نیز ارائه می‌شود:

۱- حوزه علوم زیستی در کشورمان در سطح آموزشی و پژوهشی به چند تکه تقسیم شده و هر تکه در یک وزارتخانه و یا حتی نهاد قرار گرفته که با یکدیگر ارتباط و هماهنگی ندارند. دوره پیش از دانشگاه در وزارت آموزش و پرورش، و دوره دانشگاه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهاد

۱- عضو پیوسته فرهنگستان علوم، استاد زیست‌شناسی دانشگاه تهران



بسیار محدود و کم‌قوت هستند.

۴- اگرچه گسترش آموزش عالی و به‌ویژه راه‌اندازی دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های کشورمان باعث شده تا پژوهش در بخش‌های مختلف زیست‌شناسی توسعه یابد، مقالات زیادی در مجلات علمی جهان منتشر شود، و بر تعداد نیروی انسانی متخصص اضافه شود، ولی اولویت‌گذاری در پژوهش‌های هر دانشگاه و یا منطقه در کشور وجود ندارد و مشخص نیست که برای مثال در پنج سال آینده علوم زیستی کشور در چه حوزه‌هایی به مقام مهمی در سطح جهانی دست یافته است.

۵- آسیب به زیست‌شناسی از دوره ابتدایی و متوسطه آغاز می‌شود. برنامه‌های درسی زیست‌شناسی و کتب تدوین‌شده، و روش‌های آموزشی بسیار قدیمی است که تغییر آنها مورد تأکید رهبری معظم انقلاب اسلامی نیز هست. وزارت آموزش و پرورش هر روز از دانشگاه‌های کشور دورتر می‌شود و خود به‌طور مستقل روش‌ها و کتب درسی را تدوین می‌کند و این در حالی است که در کشورهای پیشرفته روش‌های آموزشی و تدوین کتب درسی مورد استفاده در دوره‌های ابتدایی و متوسطه عمدتاً با استادان مجرب دانشگاه‌ها است. نیاز است تا آموزش و پرورش در کشورمان در روش‌های اجرایی موجود تجدید نظر کند.

۶- رتبه علوم زیستی کشورمان در حوزه پژوهش در جهان و آسیا وضعیت مطلوبی ندارد. اگرچه تعداد مقالات منتشره زیاد است؛ ولی بررسی شش‌ساله نشان داد که با گذشت زمان از کیفیت مقالات کاسته شده است و رتبه علوم زیستی در کیفیت نزولی است. کشورهای رقیب ایران در آسیا با سرعت بسیار بیشتری به دنبال پیشی گرفتن از ایران در حوزه علوم زیستی هستند و در صورت عدم پرداختن صحیح به این موضوع، باعث عقب رفتن بیشتر رتبه کشور حتی در آسیا خواهد شد.

۷- در حوزه آموزش علوم زیستی، تحولات زیادی صورت گرفته است و دانشگاه‌های مهم و مرجع دنیا از این روش‌ها استفاده می‌کنند، شایسته است که این روش‌ها در کشورمان نیز به اجرا درآید. ارتباط دانشجویان در دوره کارشناسی با محیط پیرامونی و جامعه، و صنایع و بازدید و ارتباط با آنها یکی از مهمترین بخش‌های آموزشی در دوره کارشناسی علوم زیستی است.

۸- صلاحیت‌های شغلی در دوره‌های کارشناسی و تحصیلات تکمیلی در

کشورمان تدوین نشده و همین امر باعث شده تا آموزش با بازار کار همخوانی نداشته باشد. یکی از مهمترین دلایل بیکاری؛ نداشتن صلاحیت‌های شغلی است که باید در مراحل مختلف آموزشی، آموزش داده شود تا دانش‌آموختگان بتوانند با اشتغال به حرف مرتبط از رضایت‌مندی کافی برخوردار شوند.

۹- ارتباطات بین‌المللی از مهمترین عوامل پیشرفت جوامع است. در حوزه‌های علمی این امر بسیار مهم است. نتایج این پژوهش نشان داد که در حوزه علوم زیستی، کشورمان از کمبود روابط علمی با دانشگاه‌های خارج از کشور رنج می‌برد. علیرغم صلاحیت‌های علمی زیست‌شناسان کشور، متأسفانه عدم حمایت‌های مالی و لجستیک باعث شده تا ارتباطات علمی واقعی بین پژوهشگران کشورمان با هم‌ترازان آنها در سایر نقاط دنیا شکل نگیرد و این امر می‌تواند به عنوان یکی از عوامل رکود علمی تلقی شود.

۱۰- دانشگاه‌های کشور، و به‌ویژه در حوزه‌های مختلف علوم زیستی، از داشتن دانشجویان بین‌المللی استفاده نمی‌کنند. در حالی روند جهانی بر داشتن حداقل ۲۰ درصد دانشجویان خارجی در هر دانشگاه تأکید دارد، ولی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیحی برای این امر در کشورمان وجود ندارد.

۱۱- برای داشتن فناوری‌های کاربردی و جدید نیاز به پژوهش‌های بسیار با کیفیت است. نتایج این پژوهش‌ها باید به صورت ثبت اختراع درآید تا بتوان از آن استفاده برد. متأسفانه بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده در کشور یا قابلیت ثبت اختراع ندارند، و یا در صورتی که ثبت شوند نمی‌توانند به بازار راه یابند. نداشتن اولویت‌های ملی در حوزه علوم زیستی، و نیز عدم سرمایه‌گذاری کافی از مهمترین عوامل عدم ورود حوزه علوم زیستی به فناوری و تجاری‌سازی است.

۱۲- عدم توجه کافی به اسناد بالادستی در کشور باعث شده که این اسناد بسیار مهم تنها زینت بخش کتابخانه‌ها باشند. نیاز است تا در صورت لزوم این اسناد بازنگری شوند و پیوست‌های مالی و اجرایی برای آنها تمهید شود تا در بازه زمانی مشخص بتوان درصد اجرایی شدن آنها را رصد کرد. بخشی از این اسناد که به علوم پایه اختصاص دارد می‌تواند با کمک شاخه‌های علوم پایه تدوین شود. این پژوهش می‌تواند برای تجدید نظر در بخش زیست‌شناسی مفید باشد.



شورای بین‌المللی علوم^۱

مترجم: مرجان شجاعی
ویراستار: محمود علیمحمدی

دانش، داده‌ها و تخصص‌های علمی باید در سطح جهان به طور گسترده در دسترس همگان قرار گیرد و مزایای آن متعلق به کل جهان باشد. کاربرد علم و ایجاد فرصت برای آموزش علمی و توسعه ظرفیت، باید فراگیر و عادلانه باشد.

شورای بین‌المللی علوم سازمانی غیردولتی است که دارای عضویت جهانی منحصر به فرد می‌باشد و چهل اتحادیه و انجمن علمی و بیش از صد و چهل سازمان علمی ملی و منطقه‌ای از جمله آکادمی‌ها و شوراهای پژوهشی را گرد هم می‌آورد.

تاریخچه

شورای بین‌المللی علوم در سال ۲۰۱۸ م. با ادغام شورای بین‌المللی علم^۲ (تأسیس در سال ۱۹۳۱ م.) و شورای بین‌المللی علوم اجتماعی^۳ (تأسیس در سال ۱۹۵۲ م.) تأسیس شد.

چشم‌انداز

چشم‌انداز شورا، ارتقاء علم به عنوان یک کالای عمومی جهانی است.

هدف

شورای بین‌المللی علوم در صدد است تا صدایی قوی و معتبر در جهان فراهم کند که هم در حوزه عمومی بین‌المللی و هم در جامعه علمی مورد احترام باشد. شورا از این صدا در سطح بین‌المللی برای دستیابی به موارد ذیل استفاده می‌کند:

- گفتگو در خصوص ارزش کلیه علوم و نیاز به درک آگاهانه و

1. International Science Council
2. International Council for Science
3. International Social Science Council



تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد

- ترغیب و حمایت از پژوهش‌ها و بورس‌های علمی بین‌المللی در خصوص موضوعات مورد توجه جهانی
- اظهار نظر صریح علمی در خصوص مسائل مرتبط با حوزه عمومی
- ترویج پیشرفت مستمر و برابر، جدیت، خلاقیت و ارتباط علمی در همه نقاط جهان
- دفاع از عملکرد آزاد و مسئولانه علم

فعالیت‌های شورا

- برای سرعت بخشیدن، شکل گرفتن و هماهنگی اقدامات تأثیرگذار بین‌المللی در مورد موضوعات مهم علمی و عمومی، شورا منابع علمی مورد نیاز را در سه زمینه مهم ذیل فراهم می‌کند:
- علم برای سیاست در جهت ترغیب پژوهش‌های علمی بین‌المللی و دانش پژوهی و حمایت از آنها و برقراری ارتباط با علومی که مربوط به مسائل سیاسی بین‌المللی است؛
- سیاست‌گذاری برای علم در جهت ارتقاء پیشرفت‌هایی که علم را قادر می‌سازد تا به طور مؤثر در موضوعات مهم در حوزه عمومی بین‌المللی مشارکت داشته باشد؛
- آزادی علمی و مسئولیت دفاع از عملکرد آزاد و مسئولانه علم
- فعالیت‌های شورا، طیف گسترده‌ای از موضوعات ذیل را شامل می‌شود: پایداری جهانی، فقر، بهداشت شهری و رفاه و کاهش خطر بلایا، سیستم‌های نظارت و ارائه توصیه‌های علمی به دولت‌ها.

عضویت

- اعضا عموماً به گروه‌های ذیل تقسیم می‌شوند:
- انجمن‌ها و اتحادیه‌ها به عنوان نهادهای علمی بین‌المللی که به فعالیت‌های علمی در یک یا چندین رشته و زمینه علمی و نیز ارتقای آنها می‌پردازند.
- سازمان‌هایی نظیر آکادمی‌های علوم، شوراهای پژوهشی یا نهادهای علمی غیرانتفاعی مشابه که نماینده علم در یک کشور، منطقه یا قلمرو هستند.
- اعضای وابسته سازمان‌های دولتی و غیردولتی می‌باشند که وابستگی آنها به شورا تحت پوشش گروه‌های عضویت فوق نیست یا

فعالیت‌های آنها مرتبط با فعالیت‌های شورا نیست. اعضای وابسته حق عضویت می‌پردازند اما حق رأی ندارند.

عضویت در شورای بین‌المللی علوم منوط به پرداخت حق عضویت سالانه براساس میزان تعیین شده توسط مجمع عمومی می‌باشد.

اعضای معتبر اعضای هستند که طی سه سال اخیر حق عضویت خود را پرداخت کرده‌اند. اعضای معتبر انجمن‌ها و اتحادیه‌ها و سازمان‌های فوق، دارای حق رأی در مجمع عمومی و معرفی نامزدها برای تصدی پست هستند.

ارگان‌های مهم تصمیم‌گیری

ارگان‌های مهم تصمیم‌گیری شورا عبارتند از:

- مجمع عمومی
- هیأت رئیس‌ه
- مدیران

مجمع عمومی

- مجمع عمومی بالاترین مرجع شورا محسوب می‌شود و وظایف آن به شرح ذیل می‌باشد:
- بررسی و تصویب دستور جلسات مهم و برنامه‌های اجرایی شورا؛
- بررسی فعالیت‌های شورا تحت نظارت هیأت‌رئیس از زمان پایان جلسه عادی قبلی مجمع عمومی؛
- ایجاد کمیته‌ها و گروه‌هایی که ممکن است برای امور علمی، آموزشی و اجرایی شورا ضروری باشند؛
- بازنگری در فعالیت‌های کمیته‌ها و گروه‌های ایجاد شده توسط شورا؛ انحلال آنها در صورت عدم نیاز به فعالیت‌هایشان؛
- بررسی و تصویب حساب‌های حسابرسی شده شورا در هر سال به روش‌های الکترونیکی یا سایر روش‌های مناسب؛
- انتصاب حسابرس مستقل؛
- عزل خزانه‌دار، تعیین میزان حق عضویت پرداختی توسط اعضا و تصویب پیش‌نویس طرح‌های مربوط به بودجه که توسط هیأت رئیس‌ه برای دوره بعد پیشنهاد شده است؛
- بررسی و تأیید درخواست‌های دریافت شده از سوی هیأت رئیس‌ه برای عضویت در شورا؛

- بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص تعلیق هر عضوی که نتوانسته است تعهدات خود را مطابق با آن چه که در اساسنامه و آیین‌نامه اجرایی شورا ذکر شده، به جا آورد؛

- انتخاب اعضا برای کمیته انتخابات؛

- انتخاب مدیران و اعضای عادی هیأت رئیسه؛

- بررسی و تصمیم‌گیری در خصوص تغییرات اساسنامه و آیین‌نامه اجرایی شورا؛

- انجام امور مناسب دیگر

مجمع عمومی هر سه سال یک بار، یک جلسه عادی برگزار می‌کند. جلسه فوق‌العاده مجمع عمومی بنا به تشخیص هیأت رئیسه و یا در صورت درخواست کتبی حداقل یک سوم اعضای دارای حق رأی، تشکیل می‌شود.

مجمع عمومی متشکل از نمایندگان کلیه اعضای شورا می‌باشد. هر عضو می‌تواند با هیأتی به انتخاب خود در جلسه مجمع عمومی شرکت کند و هر فرد هیأت مذکور می‌تواند در جلسه فوق صحبت کند.

هیئت رئیسه

مهمترین وظیفه هیئت رئیسه، رهبری علمی و استراتژیک، نظارت بر دستیابی به چشم‌انداز، رسالت، اصول و ارزش‌های شورا و تأمین امنیت مالی و مدیریتی شورا می‌باشد. هیأت رئیسه، مدیریت اداره مرکزی و اجرای تصمیمات مجمع عمومی و هیأت رئیسه را به مدیر اجرایی واگذار می‌کند. هیئت رئیسه پاسخگوی مجمع عمومی است.

ترکیب هیأت رئیسه:

- شش مدیر، شامل رئیس، دو معاون، رئیس منتخب، خزانه‌دار و دبیر

- ده عضو عادی

هیئت رئیسه سالی دو بار تشکیل جلسه می‌دهد و اعضا باید حداقل در یکی از آنها حضور داشته باشند. هیئت رئیسه، قبل و بعد از هر جلسه مجمع عمومی، تشکیل جلسه می‌دهد.

وظایف هیئت رئیسه:

- بررسی فعالیت‌های علمی شورا و ارائه توصیه‌های لازم به مجمع عمومی

- ارائه گزارش به مجمع عمومی در خصوص فعالیت‌های علمی و سایر فعالیت‌های شورا

- ارائه پیش‌نویس طرح بودجه شورا و میزان حق عضویت پرداختی سالانه توسط اعضا برای دوره سه ساله بعدی به مجمع عمومی جهت بررسی

- تصمیم‌گیری در خصوص بودجه سالانه و درخواست تصویب حساب‌های سالانه توسط مجمع عمومی

- پذیرش اعضای جدید به نمایندگی از سوی مجمع عمومی

- تهیه دستور جلسه مجمع عمومی

- انتصاب اعضای کمیته‌های دائمی و موقت به نمایندگی از سوی مجمع عمومی

مدیران

مدیران شورا عبارتند از:

- رئیس

- رئیس منتخب

- دو معاون

- دبیر

- خزانه‌دار

مدیران، مسئول نظارت بر امور روزمره شورا در فواصل میان جلسات هیئت رئیسه هستند. مدیران علاوه بر شرکت در جلسات هیئت رئیسه، در مواقع ضروری دو بار در سال تشکیل جلسه می‌دهند.

رئیس و معاونان برای یک دوره سه ساله عهده‌دار این پست هستند. این دوره قابل تمدید نیست. دبیر و خزانه‌دار می‌توانند مجدداً برای دوره سه ساله دوم انتخاب شوند.

در صورتی که رئیس قادر به انجام وظایف خود نباشد، هیئت رئیسه یکی از معاونان را برای انجام وظایف وی تعیین می‌کند.

در صورتی که هیچ یک از مدیران قادر به انجام وظایف رئیس نباشند، هیئت رئیسه در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد.

نهادهای مشورتی

کمیته‌های دائمی مختلفی توسط مجمع عمومی تشکیل می‌شوند تا به هیأت رئیسه در خصوص جنبه‌های کلیدی کار شورا و وظایف

هیئت‌رئیس، نظر مشورتی ارائه کنند. این کمیته‌ها توسط هیئت رئیس و بر اساس معرفی افراد توسط اعضا تعیین می‌شوند. رئیس و نایب رئیس این کمیته‌های دائمی از اعضای هیأت رئیس می‌باشند و اعضای آنها از اعضای غیر هیئت رئیس هستند. هیئت رئیس یک گروه چهار نفره را به عنوان مشاور جهت کسب اطمینان از دانش و تخصص اعضای کمیته‌ها انتخاب می‌کند.

این کمیته‌ها عبارتند از:

۱- کمیته برنامه‌ریزی علوم برنامه‌ریزی و بررسی‌های استراتژیک علمی را انجام می‌دهد و به موضوعات اصلی مرتبط با علم برای سیاست و سیاست برای علم، می‌پردازد.

۲- کمیته آزادی و مسئولیت در قبال علم به موضوعات و مسائل مرتبط با آزادی و مسئولیت در قبال علم در سطح جهانی می‌پردازد.

۳- کمیته امور مالی و گردآوری کمک‌های مالی که خزانه‌دار عضو آن می‌باشد، به امور مالی، حسابداری، بسیج منابع و مدیریت خطر می‌پردازد.

کمیته انتخابات که رئیس شورا، رئیس آن است. این کمیته چهار عضو دیگر نیز دارد که توسط هیئت‌رئیس پیشنهاد و نهایتاً توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. وظیفه این کمیته ارائه نظر مشورتی به هیئت‌رئیس در خصوص نامزدهای پیشنهادی و مدیریت روند انتخابات می‌باشد.

کمیته‌های موقتی ممکن است توسط مجمع عمومی یا هیئت‌رئیس برای مدت محدودی با اهداف و وظایف مشخص تشکیل شوند. این کمیته‌ها پس از اتمام کار یا دستیابی به هدف مورد نظر، منحل خواهند شد.

ترکیب، مدت زمان و حیطه دقیق اختیارات این کمیته‌ها و نیز مسئولیت‌های مدیران و مدیر اجرایی، در آیین‌نامه داخلی ارائه شده است.

بودجه

منابع مالی شورا از طرق ذیل تأمین می‌شوند:

- حق عضویت اعضا

- کمک‌های مالی بلاعوض، کمک‌های مردمی و سایر حمایت‌های مالی که توسط هیئت‌رئیس یا مدیر اجرایی، به نمایندگی از شورا

پذیرفته می‌شود.

هر عضو شورا موظف است بر اساس میزان تعیین شده توسط مجمع عمومی، حق عضویت سالانه خود را پرداخت کند.

دفتر مرکزی

دفتر مرکزی شورای بین‌المللی علوم در پاریس می‌باشد و مجری اجرای برنامه‌ها و امور روزانه هیئت‌رئیس وقت می‌باشد. شورا دارای دفاتر منطقه‌ای است که هر یک دارای دبیرخانه مختص به خود با کارمندان بومی هستند.

دفاتر منطقه‌ای

شورای بین‌المللی علوم سه دفتر منطقه‌ای در آفریقا (تأسیس در سال ۲۰۰۵ م)، آسیا و اقیانوسیه (۲۰۰۶ م)، و آمریکای لاتین و کارائیب (۲۰۰۷ م) دارد.

دفاتر منطقه‌ای تحت رهبری کمیته‌های علمی منطقه‌ای، به توسعه و تقویت بیشتر علم در چارچوب اولویت‌های منطقه‌ای کمک می‌کنند و موجبات نزدیکی علوم کشورهای در حال توسعه را به شورا فراهم می‌کنند. این دفاتر ناظر بر حسن اجرای فعالیت‌های شورا به ویژه در زمینه‌های اولویت‌دار منطقه هستند.

برنامه‌های پژوهشی

شورای بین‌المللی از تعدادی طرح و برنامه علمی حمایت و از طرح‌های مشترکی که چندین حامی دارند، پشتیبانی می‌کند. این طرح‌ها یا برنامه‌های علمی بر زمینه‌های خاصی از پژوهش‌های بین‌المللی تمرکز دارند که مورد علاقه کلیه اعضای شورا و یا تعدادی از آنها است.

طرح‌هایی که مشترکاً توسط شورای بین‌المللی علوم و سایر سازمان‌های بین‌المللی حمایت می‌شوند، شیوه‌ای مهم برای گردهمایی طیف وسیعی از حامیان جهت پرداختن به موضوع یا زمینه‌ای خاص است. یکی از ویژگی‌های مهم این برنامه‌های مشارکتی آن است که می‌توان موضوع را از وسیع‌ترین منظر ممکن، در نظر گرفت و در عین حال هم‌پوشانی و دوباره‌کاری را به حداقل رساند.

منبع: <https://council.science>



مباحث نظری و عملی چهار دهه اقتصاد کشور

در گفتگوی پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی با دکتر حسین نمازی

متن ذیل مشروح مصاحبه پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی با آقای دکتر حسین نمازی وزیر اسبق امور اقتصادی و دارایی درباره مباحث نظری و عملی چهار دهه اقتصاد کشور است.

آقای دکتر نمازی استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم است. ایشان در حال حاضر سمت دبیری فرهنگستان علوم را نیز به عهده دارد.

برای ورود به مباحث اقتصادی سال‌های گذشته، از جمله‌ای که بنی‌صدر در رابطه با وخامت اوضاع اقتصادی گفت شروع کنیم. بنی‌صدر به شما گفته بود: «یک شاهی در خزانه‌ی کشور نیست و فاتحه‌ی کشور به همین زودی خوانده می‌شود». چگونه توانستیم با خزانه‌ی خالی جنگ را اداره کنیم؟

بنی‌صدر دیدگاه خاصی داشت. برای اینکه دقیق‌تر بدانید او در ادامه گفت: «فاتحه‌ی کشور که چه عرض کنم زیر مدتی است که سقوط کرده و الرحمن آن را خوانده‌اند مقصودم رژیم است که آن هم به زودی سقوط می‌کند و بوی الرحمن آن می‌آید».

در مورد موجودی خزانه می‌دانید که بر اساس درآمدها و هزینه‌های پیش‌بینی شده در بودجه‌ی سالیانه هر روز خزانه وصولی‌ها و پرداخت‌هایی دارد. در صورت تاخیر یا عدم وصول بعضی از درآمدهای پیش‌بینی شده ممکن است بعضی از هزینه‌ها بر اساس اولویت به تاخیر بیافتد یا انجام نشود و یا تمهیداتی برای جبران کاهش درآمدها در نظر

گرفته شود. اما اینکه بگوییم خزانه‌ی کشور خالی است و دولت یا کشور سقوط می‌کند درست نیست. همان‌طور که چنین اتفاقی هم نیفتاد. به قول معاونت هزینه و خزانه‌دار کل کشور آن وقت، چراغ خزانه همیشه روشن است، اگر چه دشواری‌هایی هم وجود داشته باشد. البته اوضاع اقتصادی کشور هم تحت تاثیر جنگ از شرایط ویژه‌ای برخوردار بود. بنابراین اظهار وزیر بازرگانی آن زمان ذخایر گندم در تمام سیلوهای کشور تنها کفاف سه روز مصرف کشور را می‌داد. تصور کنید در صورت نرسیدن آرد به نانوایی‌ها چه اتفاقاتی می‌توانست رخ دهد. اما همه‌ی مشکلات با تلاش و از خودگذشتگی دولت و مردم که واقعاً نقش تعیین‌کننده داشتند پشت سر گذاشته شد.

چگونه می‌شود در آن شرایط سخت زمان جنگ و با خزانه‌ی خالی توانستیم امور کشور را اداره کنیم و امروز با شرایط نسبتاً بهتر از زمان جنگ، اوضاع ناپسامان است و مردم ناراضی هستند؟

یکی از مهمترین دلایل اینکه در دفاع مقدس یک وجب از خاک کشور را از دست ندادیم و نهایتاً عراق به عنوان آغازگر جنگ محکوم به پرداخت غرامت شد حمایت‌های بی‌دریغ مردم در جبهه و پشت جبهه بود. مردم به دولت و نظام اعتقاد داشتند و در حد توانشان کمک می‌کردند. یک نکته‌ی مهم و قابل توجه اینکه اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیات دولت و مسئولین از لحاظ مالی جزء افراد معمولی جامعه بودند و هم درد مردم را بهتر می‌فهمیدند و هم مردم آنها را از خود می‌دانستند.



دلیل مهم دیگر اینکه دولت در مورد وضعیت معیشت مردم، قیمت کالاها و نرخ ارز بسیار حساس بود چنانچه نرخ ارز یا قیمت یک کالا افزایش پیدا می‌کرد و یا کمبود آن در بازار احساس می‌شد، در جلسات هیأت دولت که هفته‌ای دو بار تشکیل می‌شد، پیش از شروع دستور جلسه مطرح و بر حسب مورد وزارت بازرگانی، گمرک، بانک مرکزی و سایر نهادهای ذی‌ربط مکلف می‌شدند در اسرع وقت رسیدگی و مشکل را برطرف کنند. درست برخلاف شرایط فعلی که قیمت‌ها و بازار رها شده و نظارت و کنترلی بر آنها وجود ندارد. زیرا همان‌طور که دیدیم بر اساس تفاهم با صندوق بین‌المللی پول، دولت حذف کنترل قیمت‌ها را پذیرفته و بر اساس بند ۱۱۸ رهنمودهای مصوب برنامه‌ی پنجم تعیین قیمت عمده‌ی کالاها به عهده‌ی مکانیسم بازار گذاشته شده است که یکی از علل مهم نابسامانی‌ها و نارضایتی مردم است.

یک کار مهم دیگر که در زمان جنگ انجام گرفت و حتی کشورهای سرمایه‌داری هم در زمان جنگ ناگزیر آن را انجام می‌دهند سهمیه بندی کالاهای اساسی از طریق کالابرج بود. مردم نه تنها مطمئن بودند این کالاها را دریافت می‌کنند بلکه در مورد ثبات قیمت هم خیالشان راحت بود برخلاف امروز که بسیاری از مردم توان خرید گوشت و برنج را ندارند و امکان مصرف شیر و لبنیات و تخم‌مرغ و مواد غذایی دیگر هم به تدریج برای آنها کمتر و دشوارتر می‌شود.

اقدام دیگر در جهت کمک به طبقات کم درآمد با عنوان برقراری بیمه‌ی بازنشستگی و از کار افتادگی به کلیه‌ی روستاییانی که در کار تولید سهمیه و به سن ۶۰ سالگی رسیده بودند انجام گرفت و در ماندن روستاییان در روستا و یا بازگشت آنها به روستا نیز موثر بود.

تفاوت مهم دیگر در شرایط آن روز و امروز موضوع فساد مالی است. در شرایط زمان جنگ هرگز انواع و اقسام فسادهای مالی شامل اختلاس، سوءاستفاده‌های مالی، زمین‌خواری، کوه‌خواری، جنگل‌خواری در حد قابل توجه و به این گستردگی و مبالغ نجومی وجود نداشت.

تفاوت مهم دیگر مربوط به دیدگاه و اعتقاد به ساده زیستن و اجتناب از تجملات است که در آن زمان برای صرفه‌جویی و تامین هزینه‌های ضروری کشور موثر بود.

آیا صادرات کالا در آن زمان داشتیم؟ تامین هزینه‌های کشور از چه طریقی بود؟

صادرات به لحاظ شرایط جنگی از محدودیت‌هایی برخوردار بود. صادرات غیر دولتی بیشتر شامل صادرات فرش، پسته، خاویار ... می‌شد که ارز حاصل از آن هم متعلق به دولت نبود و به صادر کننده تعلق داشت و بر اساس تعهد ارزی به بانک مرکزی فروخته می‌شد که به صورت ارز خدماتی توسط بانک مرکزی ارایه می‌شد. عواید ریالی دولت هم از صادرات غیر نفتی ناچیز بود و حتی تشویق‌هایی هم برای صادرات کالا در نظر گرفته شده بود. مهمترین صادرات نفت بود که عمده‌ترین اقلام بودجه‌ی ارزی و بودجه‌ی ریالی دولت را تشکیل می‌داد. صادرات اقلام دیگری مانند مس و سنگ‌های معدنی ارقام عمده‌ای نبودند. بعد از نفت درآمدهای مالیاتی مهمترین اقلام درآمدهای بودجه و هزینه‌ی کشور را تشکیل می‌دادند. نسبت درآمدهای مالیاتی به درآمدهای نفتی متغیر بود. مخصوصاً به لحاظ اینکه کشتی‌های حامل نفت، مخازن و پالایشگاه‌ها و تاسیسات مکرر مورد حمله و اصابت موشک قرار می‌گرفت.

نیازهای کشور از طریق تولیدات داخلی یا اینکه از طریق واردات تأمین می‌شد؟

هر کشوری بخشی از نیازهای خود را از تولیدات داخلی و بخشی را از طریق واردات تامین می‌کند. در مورد تولیدات داخلی علاوه بر محدودیت‌هایی که در زمینه‌ی تهیه‌ی بعضی از مواد اولیه از خارج داشتیم و شرایط جنگی که بعضی از موسسات تولیدی را در معرض تهدید قرار می‌داد به لحاظ صنعتی هم در مراحل ابتدایی پیشرفت بودیم و بسیاری از کالاهایی را که امروز در داخل تولید می‌کنیم باید وارد می‌کردیم. اما ورود کالاهای تجملی مانند بعضی از انواع اتومبیل و یا وسایل خانگی مجاز نبود و مردم هم متقاضی چنین کالاهایی نبودند. بعضی از کالاهایی را که به اصطلاح مصرف دوگانه داشتند و ممکن بود در جنگ کاربرد داشته باشند حتی سیم خاردار را حاضر نبودند به کشور ما صادر کنند. این محدودیت‌ها انگیزه‌ی قوی برای توجه به تولیدات داخلی بود.

در دهه‌ی ۶۰ دوگانه معروف اقتصادی دولتی و آزاد به وجود آمد. اگر امکان دارد کمی در رابطه با این دوگانه توضیح دهید. کدام یک از این مدل‌ها در آن مقطع جواب می‌داد؟

این سوال کوتاه است اما پاسخ به آن نیاز به توضیح دارد. کوشش

می‌کنم در حد امکان کوتاه پاسخ دهم. من به عنوان فردی که نظام‌های اقتصادی زمینه‌ی تخصصی‌ام می‌باشد چند نکته را خدمتان عرض می‌کنم:

۱- تمرکز برنامه‌ریزی به وسیله دولت و مالکیت دولتی و نفی مالکیت خصوصی برابر تولید و سلب امکان تولید و خدمات توزیعی که از اصول مشترک کلیه‌ی نظام‌های سوسیالیستی است در عمل موفق نبودند. اگر چه کشورهای سوسیالیستی برای مقابله با آثار و تبعات آن، که فقدان انگیزه‌ی نیروی کار، کاهش کارایی و افزایش هزینه‌ی تولید و کاهش تولید ناخالص ملی است تمهیداتی اندیشیدند از جمله استثنائاتی محدود برای فعالیت بخش خصوصی قایل شدند، ولی همین اصول مشترک یعنی تمرکز برنامه‌ریزی در دست دولت و مالکیت دولتی به اعتراف دست‌اندرکاران این نظام مهمترین عامل فروپاشی و انهدام نظام سوسیالیستی در این کشورها شد.

۲- از طرف دیگر در کشورهای برخوردار از نظام سرمایه‌داری لیبرال مکانیسم بازار را برای ایجاد تعادل اقتصادی کافی می‌دانستند و دولت حق اعمال سیاست‌های اقتصادی را نداشت. توزیع درآمد نیز بر همان اساس مکانیسم بازار انجام می‌گرفت و دولت نیز هیچگونه مسئولیتی در برابر آن نداشت؛ پیامدهایی به وجود آمد؛ از جمله فقر و فلاکت فوق العاده‌ی طبقه‌ی کارگر و کاهش غیر قابل تصور میانگین عمر خانواده‌های کارگری. کارگران به لحاظ شرایط عرضه و تقاضا در بازار کار مجبور بودند تمام روزهای هفته را کار کنند. کار روزانه طبق گزارش‌های رسمی در سال ۱۸۴۰ در فرانسه به هفده ساعت حتی برای زنان و کودکان شاغل فرانسه می‌رسید و در انگلستان شانزده ساعت بود و دستمزد نیز در حداقل بود؛ یعنی این دستمزد تنها می‌توانست برای زنده ماندن و کار کردن کارگران کافی باشد (بر اساس آزادی فردی در انعقاد قراردادها بدون حق مداخله‌ی دولت و قانون در تعیین شرایط قرارداد). نتیجه‌ی این شرایط، اعتراضات و اعتصابات گسترده‌ی کارگری بود که در نهایت نظام اقتصاد سرمایه‌داری لیبرال منهدم و جای خود را به نظام سرمایه‌داری مقرراتی یا ارشادی داد (نیمه‌ی قرن نوزدهم). دولت وظایفی در مورد تنظیم اقتصاد، مقابله با رکود، بحران و بیکاری از طریق اعمال سیاست‌های مالی و پولی به عهده گرفت و قوانینی در جهت تعیین حداقل دستمزد، ساعات کار روزانه و تعطیلات اجباری و

بیمه‌ی اجتماعی وضع شد.

۳- نتیجه آنکه هیچ‌یک از این دو مدل موفق نبوده‌اند و دنیا با تجربه‌ی چندین قرن خود به این نتیجه رسیده است که نه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در دست دولت و حذف بخش خصوصی می‌تواند موفق باشد و نه خنثی بودن نقش دولت و کافی دانستن مکانیسم بازار برای ایجاد تعادل اقتصادی به صورت خودکار.

۴- در شرایط جنگ نقش و مداخله‌ی دولت‌ها در اقتصاد افزایش می‌یابد، زیرا در غیر اینصورت احتکار، خریدهای غیر متعارف از ترس فقدان کالا، افزایش فوق العاده‌ی قیمت‌ها و بروز قحطی و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی در پشت جبهه، در سرنوشت جنگ موثر است. بنابراین در کشور ما هم دولت می‌بایست در شرایط جنگی نسبت به تامین کالاهای اساسی، کالاهای ویژه، رفع تنگناها، نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها فعال باشد. وظایف و مسئولیت‌های گسترده‌تری به عهده‌ی او بود که باید انجام می‌داد و به نظر من در حدامکان انجام داد.

ارزش پول ملی در زمان جنگ چگونه بود؟ از چه زمانی ارزش پول ملی سقوط کرد؟

همان‌طور که توضیح دادم دولت در مورد قیمت کالاها، ارزش پول ملی و نرخ ارز حساسیت داشت. شما می‌دانید یکی از مهمترین عوامل افزایش تورم، جنگ است. در زمان جنگ به دلایل متعددی مانند ناامنی، اختلال در سیستم ارتباطات، آسیب دیدن بعضی از موسسات تولیدی، کمبود کالاها و احتکار، قیمت کالاها و نرخ تورم به صورت غیر متعارف افزایش می‌یابد با وجود این طبق آمار رسمی در سال ۱۳۶۴ نرخ تورم کشور در حال جنگ تنها ۴ درصد بود. ۱۰ سال بعد یعنی هفت سال پس از پایان جنگ در دولت آقای هاشمی نرخ تورم به ۵۰ درصد رسید (۴۹/۵ درصد خرده‌فروشی و بیش از ۵۰ درصد عمده‌فروشی).

نرخ ارز نیز به شدت افزایش یافت به طوری که نرخ دلار که میانگین آن ۱۲۰ تومان در سال ۶۸ بود، در سال ۷۴ به نزدیک ۸۰۰ تومان رسید. این اولین بار بود که ارزش پول ملی با این سرعت سقوط کرد و نتایج عمل به توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول به این شکل بروز کرد. اینجا بود که آقای هاشمی احساس خطر کرد و به رغم نظر قبلی خود با استفاده از صاحب‌نظران و کارشناسانی خارج از بانک مرکزی نرخ ارز را در حد سیصد تومان تثبیت کرد.



بعضی از کارشناسان در رسانه‌ها نقل می‌کنند که دولت برای ارز سوبسید می‌دهد. آیا این مطلب صحیح است؟

برای چنین ادعایی هیچ استدلال علمی و منطقی ارایه نشده است. بلکه نتیجه‌ی کارهای تحقیقاتی متعدد دانشگاهی که از سال‌ها قبل انجام گرفته است نشان می‌دهد که پیوسته نرخ واقعی ارز (دلار) پایین‌تر از نرخ بازار بوده است. باید توجه داشته باشیم که:

مقایسه‌ی گزینه‌ی گزینشی که برای مقایسه‌ی قدرت خرید ریال و دلار بعضی از کالاها را انتخاب و قیمت آنها را با هم مقایسه کنیم جواب نمی‌دهد.

لحاظ نکردن قیمت خدمات، حقوق و دستمزد در معادلات موجب نتیجه‌گیری نادرست می‌شود. مثلاً اگر حقوق ماهانه‌ی یک کارمند در آمریکا ۲ هزار دلار باشد باید به کارمندی با همان شرایط در ایران (اگر نرخ دلار ۵ هزار تومان باشد) معادل ۱۰ میلیون تومان حقوق بدهیم و با دلار ۱۵ هزار تومانی، ۳۰ میلیون تومان. آیا می‌توانیم از کارگر و کارمند بخواهیم که مخارج زندگی خود را بر مبنای یک نرخ دلار ۲۰ هزار تومانی یا بیشتر از آن بپردازد اما حقوق و دستمزد ماهیانه‌اش را بر مبنای نرخ دلار ۲ هزار تومانی معادل ۴ میلیون تومان به او بدهیم؟ متأسفانه این کار هم‌اکنون در حال انجام است. نتیجه‌ی آن انفجاری است که اقتصاد و کشور را تهدید می‌کند. همان هدفی که رسماً در کنگره‌ی آمریکا برای آن بودجه اختصاص می‌دهند. این را هم بد نیست بدانید، یک روز با یکی از مجریان سیاست‌های تعدیل اقتصادی در مورد حذف سوبسیدهای به اصطلاح ضمنی فرآورده‌های نفتی بحث می‌کردیم؛ گفتم اگر قرار باشد قیمت بنزین را مثلاً با قیمت امروز کشورهای خلیج فارس مثلاً به ۲۰ هزار تومان برسانیم باید سوبسیدی را هم که در مقایسه با حقوق کارگران و کارمندان آن کشورها از کارگران و کارمندان خودمان می‌گیریم محاسبه کنیم و به آنها بپردازیم. در پاسخ گفت ما در حال حاضر هم به آنها سوبسید می‌پردازیم زیرا افراد بیکاری هستند که حاضرند با دستمزد کمتر جای آنها را بگیرند و اگر ما این کار را نکنیم و پیوسته تکرار کنیم، خواهید دید حقوق و دستمزد واقعی که در بازار رقابتی تعیین می‌شود بسیار کمتر از مبلغی است که اکنون دریافت می‌کنند. البته گفته‌ی ایشان دقیقاً انطباق داشت با نحوه‌ی شکل‌گیری دستمزد از اواخر قرن هجدهم تا نیمه‌ی قرن نوزدهم در کشورهای اروپایی که نظام اقتصاد لیبرال بر آنها حاکم بود و مبنای

نظریه‌ی «حداقل دستمزد ریکاردو» را تشکیل می‌داد که طبق آن، دستمزد در بازار رقابتی نیروی کار در حدی تثبیت می‌شود که برای زنده ماندن و ادامه‌ی کار کردن کارگر کافی باشد. ادامه و نتیجه‌ی این وضع هم انقلاب‌های گسترده و انهدام این نظام و جایگزین شدن نظام اقتصاد سرمایه‌داری مقررانی بود.

استفاده از افزایش نرخ ارز برای کاهش کسر بودجه کاری غلط و خطرناک است. به خاطر دارم در جلسه‌ای به منظور نهایی کردن ارقام بودجه در سازمان برنامه و بودجه شرکت کرده بودم، یک مقام ارشد آن سازمان می‌گفت: اگر درآمدهای دلاری ناشی از فروش نفت که در بودجه پیش‌بینی شده است را با سه گزینه‌ی نرخ دلار محاسبه کنیم، در هر گزینه کسر بودجه این مقدار خواهد بود، با این توضیح که نرخ‌ها هیچگونه تاثیری در نرخ ارز بازار ندارند. من در آن جلسه به ایشان گفتم شما یک ماشین حساب جلو خودتان گذاشته‌اید و می‌خواهید بر اساس رقم کسر بودجه‌ی مطلوب نرخ ارز را تعیین کنید. اگر این طور است چرا نرخ را بر مبنای کسر بودجه‌ی صفر حساب نمی‌کنید؛ این که بهتر است. شما می‌دانید که انواع درآمدها و هزینه‌های بودجه آثار متفاوت اقتصادی، از جمله آثار انقباضی، انبساطی و توزیعی دارند. ایشان پاسخ داد شما درست می‌گویید اما ما کار دیگری نمی‌توانیم بکنیم.

به دلایلی از جمله تامین درآمد ریالی دولت نرخ ارز افزایش داده می‌شود و مقامات اقتصادی کشور مکرر قول می‌دهند که قیمت ارز در کنترل ماست و آن را برمی‌گردانیم. اما ناگهان رئیس جمهور اعلام می‌کند: «ما می‌دانیم نرخ ارز در بازار بالا و بیشتر از قیمت واقعی آن است و می‌توانیم آن را پایین بیاوریم اما این کار را نمی‌کنیم زیرا به صلاح نمی‌دانیم، چون آینده‌نگری می‌کنیم». نتیجه آنکه بالا بودن غیر متعارف نرخ ارز خیلی سریع بر افزایش قیمت کالاها اثر می‌گذارد که معمولاً حتی با کاهش نرخ ارز هم دیگر به جای خود بر نمی‌گردد. آنگاه ادعا می‌شود که قیمت‌ها را ببینید، ارزش ریال کاهش پیدا کرده است و با این ترتیب افزایش مجدد نرخ ارز را توجیه می‌کنند.

بر چه اساسی می‌گویند که عرضه و تقاضا قیمت ارز را تعیین می‌کند؟ ما که تقاضای آنچنانی نداشتیم.

اتفاقاً یکی از مهمترین و حساب‌شده‌ترین بندهای تفاهم‌نامه با صندوق

بین‌المللی پول همین موضوع تعیین قیمت یا نرخ ارز به وسیله عرضه و تقاضا در بازار است که در بند ۱۱ تفاهم‌نامه آمده است و در بندهای ۱۰۵ و ۱۳۸ رهنمودهای برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و در تصویب‌نامه‌ی ۳۵۹۸۵ هیات وزیران نیز آمده است. مهمترین تقاضا برای ارز عبارت است از:

- تقاضا برای ارز به منظور واردات انواع کالاهای وارداتی توسط بخش خصوصی

- برای ارز مسافرتی و تحصیلی

- اما تقاضای دیگر که آثار تورمی و ضد تولیدی گسترده و مخرب دارد مربوط به خرید و نگه‌داری ارز خارج کردن آن از چرخه‌ی تولید و اقتصاد به منظور مقابله با کاهش ارزش ریال و یا سودآوری است.

حال توجه داشته باشید در متن تفاهم‌نامه آمده است: «کالاهایی که ورود آنها ممنوع است طی یک تا دو سال آینده به شدت کاهش یافته و به تعداد خیلی از کالاها در رابطه با مسائل شرعی، بهداشت [بهداشتی] و امنیت [امنیتی] محدود خواهد شد. برای تعیین سرعت و جهت این اصلاحات از کمک‌های کارشناسی صندوق استفاده خواهد شد».

توجه دارید که این مجوز واردات بی‌رویه که در بند ۱۳ تفاهم‌نامه هم آمده و در بندهای ۱۲۸ و ۱۴۴ رهنمودهای برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم مصوب مجلس است تاثیر مهمی در افزایش تقاضا برای ارز دارد.

بنابراین با این سه نوع تقاضا بدیهی است زمینه‌ی دائمی برای افزایش نرخ ارز در بازار فراهم می‌شود و همین نرخ است که مبنا و تعیین‌کننده است. یعنی حتی اگر دولت برای واردات کالاهای اساسی ارزازان‌تر و یا نرخ ترجیحی هم در اختیار واردکنندگان بگذارد این کالاها هم در بازار اغلب با همان نرخ بازار به فروش می‌رسد.

حال پیشنهاد متفکرانه‌ی صندوق را در تفاهم‌نامه پیشنهادی مشاهده فرمایید که چگونه با بند ۷، آن را تکمیل می‌کند. در این بند تعیین قیمت کالاها و خدمات نیز به عهده‌ی مکانیسم بازار گذاشته شده است که در بند ۱۸ رهنمودهای مصوب برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در متن تفاهم‌نامه هم دولت «حذف تمامی یارانه‌های ضمنی و کنترل‌های قیمتی» را پذیرفته است.

این مهندسی حساب‌شده‌ی صندوق برای تخریب اقتصاد و ایجاد آشوب‌های اجتماعی و سیاسی روزافزون کافی است زیرا:

با آگاهی از شرایط ایران تعیین نرخ ارز به عهده‌ی مکانیسم بازار گذاشته می‌شود و نقش دولت سلب می‌گردد.

با آزادی کامل واردات «به استثناء تعداد خیلی از کالاها» زمینه برای افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش نرخ ارز فراهم می‌شود (علاوه بر آسیب رساندن به موسسات تولیدی داخلی و نیز عدم استفاده‌ی بهینه از منابع محدود ارزی).

هم‌زمان با ایجاد مکانیسم تعیین نرخ ارز و افزایش تورم حق کنترل و نظارت بر قیمت‌ها و بازار هم از دولت سلب می‌شود.

یارانه‌های ضمنی حذف می‌شوند (قیمت فرآورده‌های نفتی هم باید بر مبنای قیمت‌های عادی حاکم بر آنها در منطقه‌ی خلیج فارس شکل گیرد. یارانه‌ی نقدی هم که با نرخ تورم بالا به سرعت ارزش خود را از دست می‌دهد).

دولت هم که برای جبران کاهش قدرت خرید حقوق کارمندان و کارگران خود توان مالی ندارد؛ (اظهارات رئیس‌جمهور مبنی بر کافی نبودن افزایش ۲۰ درصد حقوق سال ۹۹ و این که امکان افزایش بیشتر را نداریم).

در نتیجه هدف آمریکا توسط صندوق به عنوان بازوی اجرایی سیاست‌های خارجی آمریکا دنبال می‌شود.

آیا پرداخت یارانه‌ها از همان اول هم مقطعی برنامه‌ریزی شده بود؟

در دوره‌ی اول که مسئولیت وزارت امور اقتصادی و دارایی را به عهده داشتیم به خاطر دارم که نماینده‌ی ما در بانک جهانی نشریه‌ی چند صفحه‌ای این بانک حاوی تحلیل‌های اقتصادی، سیاسی را که به طور منظم منتشر می‌شد برایم می‌فرستاد. در یک شماره‌ی آن تحلیلی در مورد حمله‌ی نظامی آمریکا به ایران شده بود. نویسنده‌ی کارشناس این اقدام را به دلایلی به زبان آمریکا ارزیابی کرده بود. از جمله این که چند سال بیشتر از انقلاب ایران نمی‌گذرد و هنوز مردم از شور انقلابی بالا و در نتیجه مقاومت بیشتری برخوردارند. دیگر این که مردم منطقه مسلمانند؛ تحریک احساسات آنها با حفظ منافع ما در آینده منافات دارد و در نهایت تلفات نیروی انسانی و هزینه‌های مالی را زیاد برآورد می‌کرد. راه حل پیشنهادی او آوردن فشار اقتصادی به دولت ایران بود تا مجبور به حذف یارانه‌ها بشود. در این صورت طبقات کم‌درآمد و متوسط که حامی نظام هستند نه تنها دست از حمایت نظام بر



می‌دارند بلکه در مقابل آن قرار می‌گیرند و در نتیجه نظام ساقط می‌شود. با این تعبیر که این طبقات هستند که ماشین انقلاب را در سر بالایی هل می‌دهند. کافی است دست خودشان را از پشت ماشین بردارند و کنار بروند. بدون تردید ماشین انقلاب به عقب برگشته و واژگون خواهد شد. او این اقدام را موثرترین و کم هزینه‌ترین راه معرفی کرده بود. پیشنهاد صندوق هم دقیقاً در همین راستا بود با این عنوان که یارانه‌هایی که به همه‌ی مردم از فقیر و غنی داده می‌شود (غیر هدفمند) باید حذف شود و جای خود را به یارانه‌های نقدی بدهد که به صورت (هدفمند) به خانواده‌های کم درآمد پرداخت شود. این پیشنهاد اگرچه ظاهری معقول داشت اما در بحث‌ها معلوم شد که با این هدف ارایه شده است که یارانه‌ی نقدی که برائتورم به مرور زمان ارزش خود را از دست می‌دهد و اگر هم قرار باشد برای جبران کاهش خرید مبلغ آن افزایش یابد می‌توان آن را به مبلغ کمتری افزایش داد تا به تدریج از میان برود. (در مورد حقوق و دستمزد نیز این اقدام در حد امکان انجام می‌شود. با این تفاوت که در این مورد نمی‌توان آن را به صفر رساند یا بیش از حد معینی قدرت خرید حقوق و دستمزد را کاهش داد). این اقدام در زمان آقای هاشمی با حذف مرغ از کالابرگ آغاز شد و به جای آن به صورت نقدی پرداخت شد و بعد هم متوقف شد و به لحاظ بازتاب منفی آن در بین مردم به کالاهای دیگر تسری نیافت. در زمان آقای احمدی‌نژاد هم یارانه‌ی نقدی ۴۵/۵ هزار تومان برقرار شد که امروز ارزش آن برابریک شانه تخم مرغ است. که اگر ۱۰۰ هزار تومان دیگر هم به آن اضافه کنند فعلاً معادل سه شانه تخم مرغ می‌شود. طرفداران سیاست‌های تعدیل این روش حذف تدریجی را نه تنها قبول داشتند بلکه می‌گفتند این روش باعث می‌شود مردم متوجه حذف یارانه نشوند.

مقصودم از این توضیحات روشن کردن بند ۲۲ تفاهم‌نامه است که در آن تصریح شده با حذف یارانه‌های ضمنی (افزایش قیمت کالاهای اساسی و فرآورده‌های نفتی) و حذف یارانه‌های غیر هدفمند، در سال ۷۸ یک تور ایمنی موثری طراحی خواهد شد که تمام جنبه‌های مرتبط با حق بیمه‌ی بیکاری، بهداشت و حق بازنشستگی را در بر خواهد گرفت و به پایین‌ترین دهک، یارانه‌ی نقدی پرداخت خواهد شد. اما با توضیحاتی که داده شد آخرو عاقبت یارانه‌ی نقدی و گیرندگان آن کاملاً

مشخص است که چگونه می‌توانند به یک طبقه‌ی ناراضی مقابل نظام تبدیل شوند. بی‌جهت نیست که خانم کریستین لاگارد رئیس صندوق بین‌المللی پول در نشست گروه ۲۰ در حاشیه‌ی اجلاس بانک جهانی بهار ۲۰۱۲ (بهار ۱۳۹۱) اقدامات صورت گرفته‌ی دو سال اخیر ایران را بی‌نظیر توصیف کرد و از بقیه‌ی کشورها خواست که اصلاحات صورت گرفته در ایران را به عنوان یک الگو مد نظر داشته باشند.

برخی از کارشناسان معتقدند که ریشه‌ی دلار چند نرخ به زمان ریاست جمهوری آقای هاشمی بر می‌گردد. شما این مطلب را صحیح می‌دانید؟

دلار چند نرخ در زمان دولت آقای هاشمی به وجود آمد که با دنبال کردن سیاست تک نرخ از همان سال ۷۱ رو به کاهش گذاشت. در سال ۷۱، تعداد ۱۲ نوع نرخ ارز وجود داشت. البته چند نرخ شدن ارز وقایع و داستان‌های شنیدنی هم با خود همراه داشت. از جمله در همین زمان تصمیم گرفته شد بانک‌ها به هر نفر از مراجعین متقاضی خرید ارز مبلغ ۵ هزار دلار بفروشند. با توجه به تفاوت قابل توجه نرخ ارز صف‌های طولانی جلوی بانک‌های فروشنده تشکیل می‌شد که افراد از شب قبل نوبت می‌گرفتند و حتی در شب‌های سرد زمستان با پتو و بخاری نفتی در صف حاضر می‌شدند. حتی افرادی به شکل سازماندهی شده برای خرید ارز اجبر می‌شدند. در یک جلسه‌ی رسمی از یکی از معاونان وزیر کشور نقل شد که برای اطلاع از موضوع به صورت ناشناس در اوایل یکی از صف‌ها نوبت گرفتم. نیم ساعت قبل از باز شدن بانک شخصی درشت هیکل آمد و از اول صف افراد را نگاه می‌کرد. با بعضی هم چند کلمه‌ای حرف می‌زد. به من که رسید من را ورنه از کرد و گفت جای تو اینجا نیست. من خواستم از نفر قبلی و بعدی خود تایید بگیرم که جای من همین جاست. اما او نزدیک‌تر آمد و گوش من را گرفت و از صف بیرون کشید و گفت جای تو آخر صف است (یعنی جایی که معمولاً نوبت به کسی نمی‌رسید).

اعمال سیاست تک نرخ در جهت پیشنهاد صندوق بود که نرخ ارز باید تنها در بازار عرضه و تقاضا تعیین شود و به عنوان تنها نرخ حاکم باشد. به عنوان مثال اگر نرخ دلار در بازار به ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ هزار تومان رسید بانک مرکزی باید از آن تبعیت کند.

سیاست خارجی دولت‌ها چقدر در سیاست اقتصادی اثر گذار

است؟

بدیهی است سیاست‌های خارجی کشور در همکاری‌های اقتصادی و مبادلات بازرگانی تأثیر به سزایی دارد. اما در هر شرایطی نمی‌توان هر نوع سیاستی را در زمینه‌ی روابط خارجی انتخاب کرد. در شرایطی که قدرت‌های جهانی و هم پیمانان آنها با اصل استقلال کشور مخالف و دنبال یافتن منافع قبل از انقلاب خود و سلطه بر کشور هستند و جنگ عراق و تجزیه‌ی کشور را سازمان دهی و دنبال می‌کنند، اعمال گزینه‌ها در سیاست‌های خارجی بسیار محدودتر می‌شود. در آن شرایط شهید رجایی برای حل مشکلات اقتصادی کشور آمیدی به آمریکا و نهادهای بین‌المللی زیر نفوذ آن کشور مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نداشت. ایشان ضمن اعتقاد به حداکثر استفاده از سیاست‌های خارجی برای بهبود شرایط اقتصادی کشور معتقد بود که باید هم‌زمان از ظرفیت‌ها و امکانات کشور در حد ممکن استفاده کنیم.

بعد از جنگ سیاست تنش‌زدایی از طرف آقای هاشمی رسماً اعلام شد. «راه حل مشکلات اقتصادی کشور تنش‌زدایی با آمریکا است، منتها قدم اول را باید آمریکا بردارد». اما نتایج این سیاست در حد انتظار نبود. همین‌طور در زمان آقای خاتمی که مبنای سیاست‌های خارجی دولت، گفتگوی تمدن‌ها و تفاهم بود، استنباط من این است که ایشان از نتیجه‌ی آن راضی نبود. به خصوص وقتی که با فاصله‌ی کوتاهی بعد از یک سخنرانی ایشان که طی آن برای رفع اختلاف‌ها از طریق گفت‌وگو اعلام آمادگی شده بود کلinton تمديد تحریم‌ها را بر علیه ایران امضاء کرد. در زمان آقای روحانی هم به رغم کوشش‌های فراوان برای به نتیجه رساندن برجام، نتایج آن را می‌بینیم.

در عمل بحث تفاهم با صندوق کی آغاز شد؟

این تفاهم عملاً از سال ۶۸ با آغاز کار دولت آقای هاشمی در راستای سیاست‌های تنش‌زدایی با عنوان «سیاست‌های تعدیل اقتصادی» آغاز شد. به خاطر دارم در همان سال آقای نوربخش به من گفت: هنگامی که آقای هاشمی با من برای تصدی وزارت اقتصاد صحبت کرد گفت: «من با آقای ابروani هم برای پذیرش این مسئولیت صحبت کرده‌ام ایشان هم اعلام آمادگی کرد که سیاست آزاد سازی نرخ‌ها و موارد مورد نظر صندوق بین‌المللی پول را اجرا کند. اما من برای وزارت اقتصاد کسی را می‌خواهم که نه تنها این سیاست‌ها را پیاده کند بلکه خودش

هم قلباً این برنامه‌ها را قبول داشته باشد به همین خاطر سراغ شما آمدم».

آقای نوربخش از همان آغاز تصدی وزارت امور اقتصادی و دارایی توانست مذاکرات و تفاهم‌هایی را با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برقرار کند و به تدریج در عمل بخشی از این سیاست‌ها اعمال شد. به همین دلیل قیمت‌ها رو به افزایش گذاشت و افزایش نرخ ارز هم سرعت بیشتری گرفت و زمینه‌های ناراضی‌ت مردم فراهم آمد. آقای هاشمی همچنان به درستی سیاست‌های تعدیل اقتصادی تأکید داشت و در یکی از خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشت: «کسانی که سیاست‌های اقتصادی دولت را قبول ندارند یا مغرض هستند یا جاهل. اگر راست می‌گویید طرح بدهید».

من از سال ۶۸ تا ۷۱ که مدیریت مرکز تحقیقات استراتژیک تغییر کرد مسئولیت اقتصادی آن مرکز را عهده‌دار بودم. در آن زمان ریاست آن مرکز با آقای موسوی خوئینی‌ها بود. این مرکز توسط آقای هاشمی در سال ۶۸ تشکیل شد و تا پایان دوره‌ی ریاست جمهوری آقای هاشمی زیرمجموعه‌ی ریاست جمهوری بود.

در جلسه‌ای که در مرکز برای تحلیل وضع اقتصادی کشور تشکیل و از تعدادی نهادهای کشوری و لشکری هم دعوت شده بود بنده ضمن توضیح ارتباط مشکلات اقتصادی کشور و سیاست‌های تعدیل اقتصادی بر مبنای پیشنهادات صندوق بین‌المللی پول و آثار تخریبی آن عرض کردم که طرح ما این است که در مرحله‌ی اول، اجرای این سیاست‌ها را متوقف کنید و دولت کنترل ارز و نظارت بر بازار و سیاست‌های متناسب با شرایط و مشکلات اقتصادی را دنبال کند. و این مثال را زدم که مثل این که شخصی بیاید و با تیشه و کلنگ به جان این سالن بیفتد. گچ بری‌ها و دیوارها را تخریب کند و لوسترها را بشکند و در مقابل اعتراض دیگران بگوید اگر راست می‌گویید طرح بدهید!

در سال ۷۲، آغاز دور دوم آقای هاشمی مجلس به آقای نوربخش رای اعتماد نداد و آقای هاشمی ایشان را به عنوان معاون اقتصادی رئیس جمهور منصوب کرد.

در دور دوم آقای هاشمی این سیاست‌ها ادامه داشت و همان‌طور که قبلاً اشاره کردم در سال ۷۴ نرخ تورم به ۵۰ درصد و نرخ دلار هم به مرز ۸۰۰ تومان رسید. آقای هاشمی با یک تصمیم غیر قابل انتظار و با نظر

کارشناسانی که سیاست‌های تعدیل را قبول نداشتند در تعیین نرخ دلار مداخله و آن را در حد ۳۰۰ تومان تثبیت کرد. در نظارت بر بازار و کنترل قیمت‌ها هم اقداماتی انجام داد؛ اما همچنان به آن سیاست‌ها معتقد بود. آقای موسوی خوئینی‌ها تعریف می‌کرد در جمعی با تعدادی از نمایندگان از آقای هاشمی سوال کردیم آیا شما واقعا تغییر عقیده داده‌اید؟ شما که معتقد به تعیین نرخ ارز بر اساس عرضه و تقاضا بودید و می‌گفتید نباید به صورت مصنوعی در نرخ‌گذاری ارز دخالت کنیم. آیا بنا بر اقتضای شرایط روز اقدام به تعیین نرخ ارز کرده‌اید؟ آقای هاشمی در پاسخ گفت: «ما کماکان به همان سیاست‌های بازار آزاد معتقدیم. اگر مجلس، مردم، دولت و رهبری کمک می‌کردند آن سیاست‌ها موفق بود». اما سوال بعدی این بود که این چه سیاستی است که هیچ کس حتی دولت خود شما که رئیس آن هستید با آن موافق نیست؟

در دولت اصلاحات هم که از سال ۷۶ آغاز به کار کرد آقای خاتمی رسماً اعلام کرده بود که سیاست‌های اقتصادی من همان سیاست‌های اقتصادی آقای هاشمی است. آقای نوربخش هم که هنوز دوره‌ی چهار ساله‌ی ریاست بانک مرکزی‌اش تمام نشده بود همچنان در این مسئولیت باقی ماند.

شما که سیاست‌های اقتصادی دولت اصلاحات را می‌شناختید و از همان سال ۶۸ که معاونت اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک را به عهده داشتید و آن را مخرب و نادرست می‌دانستید، چطور در دولت اصلاحات مسئولیت وزارت اقتصاد را پذیرفتید؟

وقتی که آقای خاتمی این مسئولیت را به من پیشنهاد کرد همین موضوع را با ایشان مطرح کردم و گفتم این سیاست‌ها را مخرب می‌دانم؛ یا باید آن را اجرا و در آن چارچوب عمل کنم که آن را نادرست می‌دانم یا باید به عنوان مخالف و اپوزیسیون در درون دولت باشم که آن هم درست نیست. ایشان با آشنایی قبلی با نظر من می‌دانست که تعارف نمی‌کنم بلاخره بعد از دو یا سه جلسه پیشنهاد کرد که کمیته‌ای از افراد صاحب‌نظر با مسئولیت خودتان تشکیل می‌دهیم (کمیته‌ی طرح سامان دهی اقتصادی) که این اختلاف نظر‌ها را به بحث بگذارد و اگر نظر شما تأیید شد ادامه می‌دهید در غیر این صورت کنار بروید. این پیشنهاد اگرچه منطقی بود اما با توجه به جو غالب چندان امیدی به نتیجه‌ی مطلوب آن نداشتیم. در عمل هم همین طور شد. علاوه بر

تنوع موضوعات مورد بحث که زمان زیادی می‌برد اکثر اعضای این کمیته هم از موافقین سیاست‌های تعدیل اقتصادی یا همان پیشنهادهای صندوق بین‌المللی پول بودند.

قسمتی از بیانات آقای خاتمی هنگام معرفی وزیران برای دور دوم ریاست جمهوری در جلسه‌ی علنی ۳۱ مرداد ۸۰ که در مشروح مذاکرات مجلس آمده در همین زمینه است «برادر.... جناب آقای دکتر نمازی که به اصرار و خواهش من در دولت آمدند و خدمات ارزنده‌ای کردند. آقای نمازی یک سال قبل علاقه‌مند بودند که بروند به کارهای علمی‌شان برسند و با دولت من همکاری نکنند. من از ایشان خواهش کردم تا پایان دولت بماند....» اگر این موضوع در جلسه‌ی علنی اظهار نشده و در مشروح مذاکرات مجلس نیامده بود اشاره‌ای به آن نمی‌کردم. همچنین چون پاسخ سوال شما را روشن‌تر می‌کند آن را مطرح کردم.

موضوع تفاهم‌نامه با صندوق بین‌المللی پول که به بندهایی از آن اشاره کردید چیست و در چه زمانی تهیه شد؟

در دوره‌ی ریاست جمهوری آقای هاشمی نظر و پیشنهادهای صندوق بین‌المللی پول مورد توجه قرار می‌گرفت اما متنی با عنوان تفاهم‌نامه که مستلزم دادن تعهداتی به صندوق باشد تهیه نشده بود یا لاقابل‌بازی نداشت. در اوایل اردیبهشت سال ۷۸ یک شب بعد از پایان جلسه‌ای در راه‌پله از طرف بانک مرکزی پوشه‌ای برای امضاء به من دادند و در مورد فوریت آن تأکید کردند. من آن را گرفتم و گفتم باید اول مطالعه کنم. آن پوشه حاوی نامه‌ای خطاب به آقای کامدسو رئیس صندوق بود. متن تفاهم‌نامه شامل ۲۶ بند با توضیحات در ۱۹ صفحه با ترجمه‌ی فارسی که باید به امضای رئیس کل بانک مرکزی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسید همچنین نام آقای کامدسو هم برای امضاء نوشته شده بود (تاریخ نامه ۲۹ آپریل ۱۹۹۹ برابر با ۱۹ اردیبهشت ۷۸).

در مورد موضوع تفاهم‌نامه سعی می‌کنم محتوای آن را در حد امکان مختصر توضیح دهم:

بندهای ۱ تا ۵ تفاهم‌نامه اختصاص دارد به توضیح برنامه‌ی جامع اصلاحات اقتصادی دولت و عملیاتی کردن آن در چارچوب برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی کشور که رهنمودهای کلی آن به

تصویب هیات دولت رسیده بود. البته در بند ۴ همین بخش تصمیم دولت برای ایجاد نظام قیمتی و ارزی مبتنی بر بازار ذکر شده و همچنین در بند ۵ تمایل دولت برای استفاده از «تسهیلات مالی میان مدت» (وام میان مدت) صندوق ابراز شده است.

بند ۶ مربوط است به اصلاحات قیمتی افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی داخلی که علاوه بر افزایش تولید ناخالص داخلی، موجب کاهش مصرف داخلی و آلودگی هوا می‌شود و صادرات را افزایش می‌دهد. هدف دولت دستیابی به قیمت‌های جهانی برای فرآورده‌های نفتی تا فروردین ۱۳۸۱ (۲۱ مارس ۲۰۰۲) بر مبنای قیمت‌های حاکم در منطقه‌ی خلیج فارس است. برای حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر یارانه‌ی نقدی پرداخت خواهد شد که به تدریج کاهش خواهد یافت (هدفمند سازی یارانه‌ها).

بند ۷ تصریح به وقوف دولت به ضرورت حذف تمامی انواع یارانه‌های ضمنی و کنترل‌های قیمتی دارد که علاوه بر فرآورده‌های نفتی و خدمات عمومی در حال حاضر فقط ۱۷ گروه مشمول قیمت‌گذاری است که به تدریج در طول برنامه‌ی سوم کاهش خواهد یافت و قیمت سایر کالاها و خدمات توسط مکانیسم بازار تعیین خواهد شد.

بند ۸ مربوط به اقدامات مقامات پولی است که تصمیم به انجام آن دارند مانند نرخ سپرده‌ها و معرفی اوراق مشارکت بانک مرکزی و تبدیل بدهی دولت به بانک مرکزی به اوراق بهادار و استفاده از نظرات کارشناسی صندوق. همچنین لغو نرخ‌های دستوری بازده (سود بانکی) و کارمزد و تعیین آن توسط بانک‌ها که لایحه‌ی آن تا شهریور ۷۸ از طرف دولت ارائه خواهد شد.

بند ۹ مربوط به اجازه‌ی فعالیت به موسسات اعتباری غیر بانکی خصوصی است. آنها آزادند که نرخ‌های سود خود را بر اساس شرایط بازار تعیین کنند. دولت قصد دارد به زودی با فعالیت سایر موسسات اعتباری غیر بانکی که هم اکنون تقاضای آنها در دست بررسی است موافقت نماید.

بند ۱۰ در مورد قصد دولت برای اجرای استراتژی همه جانبه‌ای برای تقویت نظام بانکی و تعیین نرخ‌های سود است. از جمله دادن استقلال بیشتر به بانک‌ها؛ استفاده از نظرات کارشناسی بانک جهانی و صندوق نسبت به حساسی متمرکز تا پایان آذر ۷۸. همچنین دولت نتایج

حسابرسی را با صندوق و بانک جهانی در میان خواهد گذاشت تا مبنای مشترکی برای اجرای سایر جنبه‌های استراتژی اصلاحات بانکی ایجاد شود.

بند ۱۱ در خصوص تعیین نرخ ارز توسط مکانیسم بازار و اقدامات بانک مرکزی در این زمینه است. اینکه دولت امکان تعیین نرخ ارز و ارزنامه‌ای در بورس توسط نیروهای بازار را فراهم کرده است. علاوه بر این اعمال اقداماتی به منظور لغو پیمان‌سپاری به بانک مرکزی در قبال صادرات کالاهای غیر نفتی (مجوز بازنگرداندن ارز صادرات کالا و زمینه برای ادامه‌ی آن حتی بدون مجوز).

بند ۱۲ مربوط به میزان تخصیص ارز بر مبنای «نرخ شناور» (هر دلار ۱۷۵۰ ریال) و «نرخ صادراتی» (هر دلار ۳۰۰۰ ریال) است. موضوع بازپرداخت بدهی خارجی نیز در این بند آمده و در نهایت قصد دولت برای حذف الزام در مورد سپرده‌ی پیش‌پرداخت واردات مطرح شده است.

بند ۱۳ در مورد رفع محدودیت واردات به لحاظ نوع کالا که باید طی یک تا دو سال آینده به استثنای موارد معدود برقرار گردد و تعداد نرخ‌های تعرفه نیز کاهش یابد. دولت در نظر دارد مبنای نرخ ارز و صادراتی را به نرخ ارز و ارزنامه‌ای تبدیل کند.

بند ۱۴ موضوع محدود کردن کسر بودجه به عنوان عنصر اساسی مدیریت تقاضا شناخته شده است. همچنین اقدام دولت به انتشار اوراق مشارکت دولتی به منظور تامین هزینه‌های عمرانی اضافی پیش‌بینی شده است که در صورت لزوم نرخ سود اوراق نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این برای افزایش بیشتر این هزینه‌ها دولت خواستار کسب منابع خارجی است.

بند ۱۵ مربوط به تعهد دولت است در خصوص تقویت ساختار مالی‌های عمومی خود از طریق نظام مالیاتی و کاهش سهم درآمدهای پرنوسان نفتی. مراحل تصویب و اجرای آن زمان‌بندی شده است. دولت برای تنظیم یک استراتژی عملی برای به‌مورد اجرا گذاشتن سریع مالیات بر ارزش افزوده از کمک فنی صندوق استفاده خواهد کرد. برای عملی کردن آن مطابق برنامه‌ی زمان‌بندی شده کمک بیشتر از صندوق را درخواست خواهد کرد.

بند ۱۶ در خصوص پیشنهادهایی در زمینه‌ی کنترل نرخ تورم است. از





جمله تنظیم سیاست‌های پولی به نحوی که از گسترش اعتبارات به دولت جلوگیری کند. محدود کردن اعتبارات اعطایی به شرکت‌های دولتی از طریق انقباضی کردن بودجه‌ی این شرکت‌ها توصیه شده است. همچنین این شرکت‌ها باید کارایی خود را افزایش داده و قیمت فروش داخلی محصولات خود را بر اساس بالا رفتن ارز وارداتی و اصلاح (افزایش) قیمت فرآورده‌های نفتی محاسبه کنند.

بند ۱۷ در مورد خصوصی‌سازی است که در قالب ماده‌ی ۳۵ قانون بودجه‌ی سال ۷۸ به منظور کاهش نقش بخش عمومی، دولت ملزم شده است عملکرد نهایی شرکت‌های دولتی را با هدف انحلال، واگذاری و یا تجدید ساختار مورد ارزیابی قرار دهد. برای تضمین فرآیند منظم خصوصی‌سازی، دولت در نظر دارد به زودی از بانک جهانی کمک فنی درخواست کند.

بند ۱۸ در زمینه‌ی تخصیص منابع است. دولت در نظر دارد با استفاده از نظرات کارشناسی بانک جهانی مقررات ضد انحصار و ایجاد شرایط رقابتی را تنظیم کند. هدف دولت عمدتاً حذف اولویت‌های خاص مانند معافیت‌های مالیاتی، دسترسی به ارز ارزان است. دولت از شرکت‌های دولتی خواهد خواست که افزایش در هزینه‌ها خصوصاً هزینه‌های ناشی از افزایش قیمت انرژی و هزینه‌ی واردات را به قیمت محصولاتشان منتقل کنند به نحوی که از انباشت کسری ناشی عملیات شبه مالی اجتناب گردد.

بند ۱۹ مربوط به شفافیت است. ارزیابی عملیاتی شرکت‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی شامل بنیادها مورد نظر است. دولت قصد دارد بانک اطلاعاتی جامعی در مورد عملیات این موسسات ایجاد کند. اطلاعات بانکی مربوط به سپرده‌ها و تسهیلات این موسسات از سه سال گذشته تهیه شود.

بند ۲۰ در خصوص بدهی‌های خارجی است. نظارت دقیق به منظور حفظ هماهنگی بین تعهدات مربوط به اقساط بدهی‌ها و توان ایران در پرداخت این بدهی‌ها مورد نظر است.

بند ۲۱ در مورد تاکید دولت بر ضرورت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. اقدامات موثری برای اصلاح مقررات مالیاتی و حقوق گمرکی انجام گرفته است. دولت برای ادامه‌ی این کارها نیاز به کمک فنی اضافی از بانک جهانی در سال ۷۸ خواهد داشت.

بند ۲۲ در زمینه‌ی تور ایمنی اجتماعی است. از نظر دولت پرداخت یارانه‌های ضمنی از طریق قیمت‌های پایین برای کالاهای اساسی و فرآورده‌های نفتی مانعی در راه تجهیز کارآمد منابع است. لذا در سال ۷۸ تور ایمنی موثری طراحی خواهد شد که در دوره‌ی برنامه‌ی سوم توسعه جانشین نظام یارانه‌ی قیمتی غیر هدفمند شود. نظام تامین اجتماعی تمام جنبه‌های مرتبط با حق بیمه‌ی بیکاری، بهداشت و حق بازنشستگی را در بر خواهد گرفت. به پایین‌ترین دهک درآمدی یارانه‌ی نقدی پرداخت خواهد شد. دولت تمایل دارد از کمک‌های فنی صندوق و بانک جهانی برای ایجاد یک تور اجتماعی کارآمد و هدفمند استفاده کند.

بندهای ۲۳-۲۴-۲۵-۲۶ در مورد مسایل اجرایی است. در پایان بند آخر آمده است که اطلاعات مورد درخواست صندوق در مورد پیشرفت حاصله در اجرای سیاست‌ها و نیل به اهداف برنامه در اختیار صندوق قرار خواهد گرفت. مشورت در مورد سیاست‌های اقتصادی و مالی می‌تواند به درخواست دولت یا مدیرعامل صندوق باشد.

وقتی شما از مفاد این تفاهم‌نامه مطلع شدید چه واکنشی داشتید؟
محتوای تفاهم‌نامه که مبنای سیاست‌های تعدیل اقتصادی بود و از سال ۶۸ پیاده می‌شد برای من تازگی نداشت و با آقای نوربخش از همان سال، زیاد در مورد آن بحث کرده بودیم. آقای نوربخش را از زمان دولت شهید رجایی می‌شناختم و ایشان را برای ریاست بانک مرکزی به دولت معرفی کرده بودم. به خصوص که از سال ۶۶ همسایه دیوار به دیوار هم بودیم و فرصت بود که در منزل و یا در پیاده‌روی در مورد این گونه موضوع‌ها صحبت کنیم. اما این موضوع که متن تفاهم‌نامه‌ای را امضاء کنم که آن را به زیان کشور می‌دانستم برایم امکان‌پذیر نبود.

سرانجام این تفاهم‌نامه به کجا انجامید؟ چه کاری انجام دادید؟
پس از دریافت و مطالعه بندهای تفاهم‌نامه با آقای نوربخش صحبت کردم. ایشان هم که با دیدگاه‌های من آشنا بود. قرار شد جلسه‌ای با حضور وزیر امور خارجه و رئیس سازمان برنامه و بودجه داشته باشیم. در آن جلسه محور بحث بیشتر روی لزوم استفاده از وام صندوق و امضای تفاهم‌نامه در اسرع وقت به منظور فراهم نمودن شرط صندوق برای استفاده از وام مذکور بود. بحث محتوایی روی بندهای تفاهم‌نامه انجام نگرفت زیرا ادعا می‌شد که ما الزامی به تعهدات خود نداریم.

موضوعی که نه درست بود و نه عملی.

در پاسخ به سوال شما که گفتید من چه کاری در قبال این تفاهم نامه انجام دادم؟ باید بگویم در نامه‌ای که در تاریخ ۷۸/۳/۸ به رئیس جمهور نوشتم ابتدا گفته‌ی وزیر دارایی تونس را برای ایشان نقل کردم که گفته بود، مبلغ وام صندوق برای ما مهم نیست. آنچه مهم است تعهدی است که ما برای انجام یک برنامه‌ی اقتصادی می‌کنیم. رئیس جمهور ما (آقای حبیب بورقیه) هر روز فکر تازه‌ای دارد و پیشنهاد تازه‌ای در زمینه‌ی اقتصاد ارایه می‌دهد. ما با دادن تعهد به صندوق برای انجام برنامه‌ی پیشنهادی می‌توانیم هر زمان توافقنامه را پیش روی او بگذاریم و الزام تعهدات را به ایشان یادآوری و با این ترتیب مشکل را حل کنیم. پس از یادآوری ایجاد این محدودیت برای کشور، در مورد موضوع جلسه‌ی چهار نفره این سوال را مطرح کردم که آیا تعهد بر انجام توافقنامه‌ای آن هم با امضای مسئولین اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با نیت عدم انجام آن از همان ابتدا، کار صحیحی است؟

سوال دوم اینکه آیا وقتی ۶۰ درصد از وام پرداخت می‌شود و ۴۰ درصد از آن و تمام وام‌های بعدی موکول به انجام تعهدات است آیا سرباز زدن از انجام تعهدات امکان پذیر است؟ به خصوص وقتی که بازرسان صندوق هر سه ماه یک بار با سفر به ایران بازرسی و گزارش تهیه خواهند کرد. همچنین امکانات صندوق را در مخدوش کردن حیثیت کشور یادآور شدم. گو این که دوستان می‌گویند ۶۰ درصد آن را می‌گیریم و بقیه را صرف نظر می‌کنیم.

همچنین به مشکلات امضای تفاهم نامه با قصد انجام تعهدات را هم به اجمال یادآوری کردم. از جمله این که اگر ما خود اهم سیاست‌های پیشنهادی را قبول نداریم تصمیم و تعهد برای مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی شامل سیاست‌های ارزی، پولی و تجاری غیر قابل قبول، عاقلانه نیست.

واکنش آقای خاتمی به نامه‌ی شما چه بود؟

سه روز بعد از ارسال نامه، اظهار نظر آقای خاتمی طی نامه‌ی مورخ ۷۸/۳/۱۱ به این مضمون به اینجانب اعلام شد: به آقای دکتر نوربخش هم گفته‌ام که اولاً هیچ تعهدی به هیچ جا از جمله صندوق نمی‌دهیم حتی اگر بخواهند ما را مجبور کنند که طرح خودمان را کاملاً اجرا کنیم؛ زیرا ممکن است بعد از مدتی به این نتیجه

برسیم که لازم است در آن تجدید نظر کنیم. ثانیاً به طریق اولی به هیچ وجه نمی‌توانیم تعهدی خارج از طرح خودمان بپذیریم و این حرف عزیزان که می‌گویند تعهد می‌کنیم و عمل نمی‌کنیم نادرست است. ثالثاً اگر وام گرفتن سبب می‌شود که صندوق بر ما استیلا پیدا کند و حضرات اجازه و امکان بیابند که همه‌ی دستگاه‌های ما را تحت نظر و بازرسی قرار دهند به هیچ وجه قابل قبول نیست. رابعاً قرار بود شما آقای دکتر نوربخش و دکتر خرازی نشستی با مقام معظم رهبری داشته باشید و با توضیح مطالب نظرایشان را هم بشنوید. چه شد؟

از طرف دیگر آقای نوربخش نیز در تاریخ ۷۸/۲/۱۳ نامه‌ای به رئیس جمهور می‌نویسد و در آن توضیح می‌دهد که عدم همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی موجب افزایش ریسک اقتصادی کشور می‌گردد که نتیجه‌ی آن افزایش هزینه برای تهیه‌ی منابع مالی از بازارهای بین‌المللی است. همچنین دسترسی و بکارگیری ابزارهایی مانند اوراق مشارکت ارزی و تسهیلات بلند مدت در بازارهای بین‌المللی برای کشور عملاً مشکل و غیر ممکن گردیده است. دیگر اینکه تنظیم ساختار زمانی بدهی‌های کشور از نظر سررسید متناسب با درآمدها مشکل گردیده است و همکاری دو جانبه‌ی کشورها با ما نیز محدود گردیده است.

با توجه به اینکه به دنبال سیاست‌های جنابعالی در صحنه‌ی بین‌المللی در چارچوب رهنمودهای مقام معظم رهبری تحت عنوان «عزت، حکمت و مصلحت»، کشورهای اروپایی دیگر در صندوق و بانک جهانی هم سو با آمریکا نیستند، در نشست اخیر این دو نهاد، مدیریت صندوق اعلام آمادگی کرده است که این موسسه مبلغ ۱۳۵۵ میلیون دلار به جمهوری اسلامی وام اعطاء نماید. با این ترتیب مشکلات موجود توضیح داده شده در صدر نامه مرتفع می‌گردد و بعد از تصویب این پیشنهاد بلافاصله می‌توان با بانک جهانی نیز یک برنامه‌ی مالی مستمر سالانه با رقمی حدود دو میلیارد دلار برای ۵ سال با سررسید پرداخت بیش از ۱۵ سال در قالب برنامه‌های مختلف تنظیم نمود که خود افق جدیدی بر روی کشور می‌گشاید. در پایان نامه نیز تاکید می‌شود که قبول برنامه‌های اقتصادی دولت توسط صندوق به عنوان مبنای ارزیابی و موافقت با اعطای تسهیلات می‌باشد. جدول توافق حاصله با صندوق که موارد توافق با مصوبات دولت شامل رهنمودهای



برنامه‌ی سوم و طرح سامان‌دهی در آن مقایسه شده به پیوست نامه ارسال گردیده است.

بالاخره نتیجه چه شد؟

در نهایت متن نامه‌ی من به رئیس جمهور و مذاکرات بعدی با ایشان باعث شد تفاهم‌نامه‌ای که قرار بود به امضای چهار نفر برسد هرگز به امضاء نرسید و منتفی شد. اگرچه این تفاهم‌نامه امضاء نشد و کشور زیر بار تعهدات به صندوق بین‌المللی پول نرفت اما مفاد آن به صورت قانون و مصوبات هیات دولت درآمد. موافقین توافق‌نامه که از امضای آن ناامید شدند به صندوق اعلام کردند که مفاد تفاهم‌نامه در قالب قوانین و مصوبات قانونی درآمده که اجرای آن برای دولت الزام‌آور است.

آیا در حال حاضر ارتباط با صندوق برقرار است؟ پیشنهادهای صندوق در شرایط فعلی کشور نقشی دارد؟

تا زمان حاضر گروه‌های متعدد از صندوق به طور مستمر به ایران سفر می‌کنند. سفرهای آنان در جهت اهداف و برنامه‌های صندوق انجام می‌گیرد. در مورد اوضاع اقتصادی کشور در حال حاضر کافی است مهم‌ترین مشکلات اقتصادی موجود را در ارتباط با همان بندهای تفاهم‌نامه مرور کنید:

- در مورد افزایش غیرمتعارف قیمت‌ها و رها بودن بازار کافی است بند ۷ تفاهم‌نامه را ببینیم که در آن تعیین قیمت کالاها و خدمات به وسیله‌ی مکانیسم بازار و عدم کنترل دولت تصریح شده است.

- آثار تخریبی واردات بی رویه بر تولید و اتلاف منابع ارزی که بر همه روشن است مربوط به بند ۱۳ تفاهم‌نامه است.

- آشفته‌گی بازار ارز و افزایش بی رویه‌ی نرخ آن آثار تورمی و نابسامانی‌های ناشی از آن ارتباط آشکار با بند ۱۱ دارد. این توضیح رئیس جمهور که ما می‌دانیم که افزایش نرخ ارز غیرمتناسب است و این نرخ واقعی دلار نیست و من می‌توانم با یک دستور به رئیس بانک مرکزی آن را پایین بیاورم اما این کار را نمی‌کنم چون آن را درست نمی‌دانم بسیار روشن‌گر است.

- تبعات خصوصی‌سازی که از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود و امروز نتایج آن را می‌بینیم و لطمه‌ای را که به تولید زد و فشار مالی ناشی از آن بر مبنای بند ۱۷ است.

- لغو پیمان سپاری ارزی برای صادرات که مدتی عملی شد و با مسایلی

که به وجود آورد دوباره به حالت قبل برگشت و مشکلات بعدی به رغم برقراری مجدد پیمان‌سپاری در زمینه‌ی خودداری صادرکنندگان از برگرداندن ارز صادراتی به صورت واضح مربوط به بند ۱۱ تفاهم‌نامه است.

- مشکلات مربوط به موسسات غیربانکی خصوصی با امتیازاتی که به آنها داده شد مربوط به بند ۹ تفاهم‌نامه است.

- آثار تبعی هریک از این بندها را نیز باید مورد توجه قرار داد. برای مثال: واردات بی رویه -> کاهش تولید -> افزایش بیکاری + کاهش تولید ناخالص داخلی + نابسامانی‌های اقتصادی + نارضایتی‌های عمومی آقای دکتر شما که نزدیک چهار دهه از جهت نظری و عملی با روند اقتصادی کشور آشنایی کامل دارید مبنای این نگاه‌ها را چه می‌دانید؟

مبنای این نگاه‌ها در دو زمینه‌ی سیاسی و اقتصادی قابل بررسی است: - در زمینه‌ی سیاسی:

یک نگاه مبتنی بر تنش‌زدایی است که معتقد است تنها در شرایطی آرام و بدون درگیری‌های بین‌المللی می‌توان به پیشرفت و توسعه دست یافت. در همین راستا پیشنهاد شده است کلیه نیروهای نظامی منحل شوند و هزینه‌ی آن صرف پیشرفت کشور شود. باید با کلید اصلی برویم دم‌کدخدای بزرگ را ببینیم و با تعامل مشکلات را حل کنیم. پذیرفتن پیشنهادات صندوق بین‌المللی پول و در صورت لزوم دادن تعهد به آن برای رفع مشکلات و توسعه‌ی اقتصادی ضروری است. از همان ابتدا اجرای سیاست‌های صندوق، اواخر دهه‌ی ۶۰ که با هدف توسعه‌ی اقتصادی انجام می‌گرفت بعضی از مقامات ارشد نظام علناً و رسماً اعلام می‌کردند که در این توسعه‌ی اقتصادی عده‌ای از مردم له خواهند شد اما چاره‌ای نیست.

نگاه دیگر بر مبنای تجربیات حاصل از سوابق استعمارگران در کشورمان و در منطقه است که جز تجاوز و استعمارگری و به اصطلاح تأمین منافع خود چیزی نمی‌شناسند. یاد می‌آید شهید رجایی می‌گفت از کسانی که با ما در جنگ هستند و می‌دانیم چرا با ما در جنگ هستند و تا زمانی که پای منافع ملی و عقایدمان ایستاده‌ایم با ما دشمنی می‌کنند، نمی‌توانیم انتظار کمک داشته باشیم.

وقتی این جمله‌ی شهید رجایی را شنیدیم یاد این آیه‌ی قرآن افتادم:

«وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ. هَٰرُغُز يَهُودِيَان وَ مَسِيحِيَان از تو خشنود نمی شوند مگر اینکه از آیین آنها پیروی کنی». یکی از دوستان همکار می گفت هنری کیسینجر در کتاب خاطراتش که به فارسی نیز ترجمه شده است می گوید: «هیچ فرد آمریکایی مانند شاه ایران به آمریکا خدمت نکرده است». با این حال با چند کلمه صحبت در مورد نفت که مورد پسند آنها نبود از او حمایت نکردند و راضی به رفتن او شدند. حال جمهوری اسلامی ایران چه کارهایی باید انجام دهد تا راضی شوند.

کشوری که در حال جنگ اقتصادی با ماست و کارشناسان آنها تاثیر آن را بیشتر از جنگ نظامی دانسته اند و کنگره ی آن کشور مکرراً و رسماً برای براندازی نظام کشورمان بودجه تصویب می کند، آیا به منظور رفع مشکلات اقتصادی و استحکام نظام ما مشورت درست می دهد و یا کمک های فنی واقعی می کند؟ آیا اصولاً کار ما در این مشورت و درخواست کمک های فنی از صندوق عاقلانه است؟

تصور کنید که در جنگ تحمیلی عراق ما می رفتیم و از صدام درخواست مشورت می کردیم که در تنظیم برنامه های عملیاتی ما راهنمایی کند که چگونه با رفع نواقص، خود را تقویت کنیم و بر او پیروز شویم و یا اینکه درخواست کمک نظامی می کردیم.

- در زمینه ی اقتصادی:

نگاه اول مبتنی بر اصول و مبانی نظام اقتصاد سرمایه داری لیبرال است از جمله کافی دانستن مکانیسم بازار برای ایجاد تعادل اقتصادی خودکار در اقتصاد و مضر دانستن هر نوع دخالت دولت در بازار. همین طور پذیرفتن تعیین نرخ دستمزد در بازار رقابتی که نتیجه ی آن حاکمیت حداقل دستمزد است و قبلاً اشاره ای به آن داشتیم. نتیجه ی عملی این نظام شورش های عظیم و گسترده در کشورهای سرمایه داری لیبرال اروپایی بود که منتهی به انهدام این نظام و پیدایش نظام اقتصاد سرمایه داری مقرراتی شد. اگر مایل باشید نتایج عملی این نظام را که مستند و فوق تصور است بدانید به کتاب نظام های اقتصادی نوشته ی پرفسور لاژوژی که به فارسی هم ترجمه شده است مراجعه کنید. در آمریکا هم به رغم اقدامات و مداخله ی روزولت در اقتصاد (از سال ۱۹۳۳) که به انقلاب روزولت و «نیو دیل» معروف است، در حال حاضر این کشور نسبت به سایر کشورهای سرمایه داری کمترین مداخله در فعالیت های

اقتصادی را دارد. به همین دلیل مشکلات اقتصادی این کشور هم بیشتر از سایر کشورهای سرمایه داری است به طوری که اقتصاددانان معروف این کشور فروپاشی نظام اقتصادی آمریکا را به طور مستند و مستدل، قطعی و بدون تردید دانسته اند؛ مانند پرفسور لسترتارو استاد دانشگاه هاروارد، برنده ی جایزه ی نوبل، رئیس مشاوران اقتصادی کاخ سفید در زمان کلینتون و نویسنده کتاب «آینده سرمایه داری» که به فارسی هم ترجمه شده است. یا استیگلیتز برنده ی جایزه ی نوبل که مدتی معاون بانک جهانی بوده و به لحاظ اعتراض به سیاست های نادرست و مخرب بانک جهانی و صندوق برکنار شده است. او در کتاب «سقوط آزاد» دلایل سقوط اقتصاد آمریکا را توضیح می دهد.

کتاب «آینده آمریکا» با ترجمه ی فارسی نوشته ی کاتلیکاف است که آرزو می کند تحلیل ها و پیش بینی اش در مورد فروپاشی نظام اقتصاد آمریکا درست نباشد.

فشرده ای از تحلیل ها و استدلال های آنها در کتاب نظام های اقتصادی تالیف اینجانب آمده است. من اطمینان دارم طرفداران نظام اقتصاد سرمایه داری لیبرال غیر از آنهایی که منافعی شان با این نظام گره خورده است با مطالعه ی همین چند کتاب در نگاه خود تجدید نظر خواهند کرد.

نگاه دوم در یک کلام مکانیسم بازار را برای ایجاد تعادل اقتصادی خودکار کافی نمی داند و نقش فعال دولت را برای ایجاد تعادل اقتصادی و رفع مشکلات اقتصادی از طریق اعمال سیاست های اقتصادی ضروری می داند.

به عنوان آخرین سوال، با توجه به تاکیدات مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی و وجود اقتصاددان هایی مثل شما که تاکید بر اقتصاد مقاومتی دارند، دلیل اجرا نشدن سیاست های اقتصاد مقاومتی چیست؟

روشن ترین دلیل این است که اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی که با هدف خاص و بر مبنای پیشنهاد صندوق بین المللی پول انجام گرفته با اقتصاد مقاومتی در تضاد است. آیا انتظار دارید با اجرای سیاست هایی مانند عدم کنترل قیمت ها، واردات بی رویه، رها کردن نرخ ارز به عهده ی مکانیسم بازار که هر یک برای تخریب یک اقتصاد سالم کافی است به اقتصاد مقاومتی دست پیدا کنید؟



کتاب

گسست تاریخی و شرق‌شناسی

اثر دکتر رضا داوری اردکانی

کتاب «گسست تاریخی و شرق‌شناسی» تازه‌ترین اثر آقای دکتر رضا داوری اردکانی استاد فلسفه و رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، در ۲۱۵ صفحه توسط انتشارات نقد فرهنگ منتشر شد.

داوری اردکانی در بخشی از مقدمه کتاب می‌نویسد: شرق‌شناسی نه یک طرح بلکه لازمه تحکیم قدرت تجدد و بسط آن در همه جهان بوده و اکنون که این امر تحقق یافته است دیگر به آن نیازی نیست. قبل از اینکه بدانیم شرق‌شناسی چیست و از کجا آمده است از خوبی و بدی و سود و زیانش نگوئیم. تاریخ و حوادث تاریخی را باید شناخت. من هم اندکی کوشش کرده‌ام که تاریخ را درک کنم زیرا معتقدم درک و فهم جامعه و سیاست و فرهنگ به درک زمان و تاریخ بسته است. گسست تاریخی و شرق‌شناسی نیز دو امر مهم

تاریخی در زمان ماست. تاریخ تجدد با یک گسست بزرگ آغاز شده و در تحقق آن بسیار چیزها دخیل بوده است و یکی از آنها که لااقل در ظاهر ارتباط بیشتری با ما دارد شرق‌شناسی است. شرق‌شناسی بنیاد و سازمان عظیم تحقیقاتی اروپاست که در طی سه قرن به نحو منظم و پیوسته در گذشته آسیا و آفریقا مطالعه کرده و کارش در قرن بیستم به پایان رسیده است. برای من از سال‌ها پیش این پرسش مطرح بوده است که اروپا که به دانستن خفایای گذشته شرق این همه علاقه و اهتمام داشته چرا به وضع کنونی آسیا و آفریقا هیچ علاقه علمی و فرهنگی ندارد و رابطه‌اش صرفاً سیاسی و اقتصادی است. کاش می‌توانستیم وجه این علاقه به دیروز و بی‌علاقگی به امروز را بدانیم.



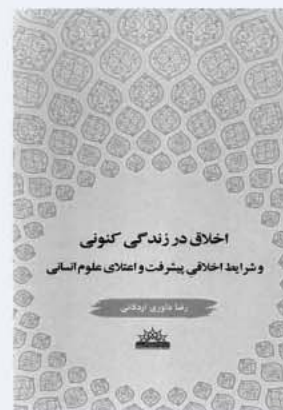
اخلاق در زندگی کنونی و شرایط اخلاقی پیشرفت و اعتلای علوم انسانی

اثر دکتر رضا داوری اردکانی

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از طرح جامع «اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» است که در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجرا شده است. رئیس پژوهشگاه در مقدمه کتاب با عنوان «کلامی در محضر استاد، مواجهه ناب متفکر با مسئله اخلاق» می‌نویسد: «نگارنده این اثر از بزرگترین

اندیشمندان ایران معاصر است. از این رو این کتاب بیش از آنکه یک پژوهش متعارف دانشگاهی باشد، نظریه‌پردازی یک اندیشمند اصیل و بسیار مجرب است که کوشیده است یافته‌هایش را به شیوایی تبیین کند. این اثر از آن رو اصیل به شمار می‌رود که از مواجهه ناب ذهن این متفکر معاصر، با معنا و کارکرد اخلاق در جهان امروز و امکانات آن برای پیشرفت فرهنگ و علوم برخاسته است».

رضا داوری اردکانی در «درآمد» کتاب می‌نویسد: «این دفتر متضمن گزارش پژوهشی است درباره اخلاق و مقام آن در زندگی انسانی و وضعی که در کشور ما پیدا کرده و نسبتی که با علم و آموزش و پژوهش و بخصوص با علوم انسانی دارد».



کتاب

داوری ادامه می‌دهد: «کسی که اخلاق را با نگاه فلسفه می‌بیند باید بگوید اخلاق چیست و با وجود آدمی چه نسبت دارد و کی و چگونه مردمان بالنسبه اخلاقی می‌شوند و چرا گاهی اخلاق رو به انحطاط می‌گذارد. اخلاق در ظاهر یک امر فردی است زیرا این شخص است که باید مسئول عمل خود باشد و نمی‌دانیم آیا کسی بوده است و هست که هر کاری را مباح بداند و بی‌پروا هر چه می‌خواهد بکند و بگوید و فراموش کند. این مسئول بودن و پروا داشتن به این معنی نیست که اگر در زمانی پایبندی مردمان به اخلاق کم می‌شود یکایک آنها را مسئول بدانیم و ملامت کنیم و اگر بنا بر ملامت باشد کیست که حق ملامت دارد؟ اخلاق شأنی از زندگی آدمیان است و در روابطی که آنها با یکدیگر و با جهان دارند ظهور و تحقق پیدا می‌کند».

در این پژوهش سعی شده است معنی اخلاقی بودن تا حدودی روشن شود. سپس وضع اخلاقی کشور در قرون اخیر مورد بررسی قرار گیرد و این همه تمهید مقدمه‌ای باشد برای فهم و درک شرایط اخلاقی رویکرد به علم جدید و بخصوص علوم انسانی.

داوری اردکانی در بخش دیگری از مقدمه می‌نویسد: «طرح بحث علم و اخلاق، مخصوصاً از آن جهت دشواری دارد که این دورا به عنوان دو امر متعین و متحقق در نظر می‌گیرند و در همان نظر اول استدلال می‌کنند که احکام اخلاق، انشائی (ارزشی) و احکام علم، خبری‌اند و این دو قسم حکم نمی‌توانند نسبتی منطقی با هم داشته باشند. این نتیجه‌گیری درست است اما علم و اخلاق دو امر ثابت نیستند بلکه همواره در تحولند. اخلاق در جان ماست. علم نیز با طلبی پدید می‌آید که آن هم در جان ریشه دارد. پس باید میان علم و اخلاق تناسبی وجود داشته باشد که یکدیگر را بخوانند. در قضیه نسبت علم و اخلاق بسته به اینکه چه صورت و جلوه‌ای از علم و اخلاق را در نظر آوریم نظرها متفاوت می‌شود. اگر مراد این باشد که برای رو کردن به علم باید به اشخاص درس اخلاق داد، نسبت علم و اخلاق را درست در نیافته‌اند. هر چند که همیشه باید به درس اخلاق گوش فرا داد و تا آنجا که میسر است از دستوراتش پیروی کرد اما فراگرفتن علم و اشتغال به تعلیم و پژوهش موکول و موقوف به تحقق دستورالعمل مزبور نیست. علم هم به عنوان مجموعه احکام و قضایا و قواعد با اخلاق نسبت مستقیم ندارد. اما این هر دو در جان آدمی و در نتیجه

در ظهور و سیرو زوال به هم بسته‌اند. جامعه‌ای رو به علم می‌کند که در جانش نیروی اخلاق فعال باشد و مردمی که اخلاقی‌اند و احساس تکلیف و آزادی می‌کنند نمی‌توانند به علم بی‌اعتنا باشند. پس نسبت علم و اخلاق را باید در جان‌های مردمان و در روح جامعه جستجو کرد نه در قضایا و احکام علمی و اخلاقی. به این جهت بدون رجوع به تاریخ این نسبت را نمی‌توان دریافت».

رئیس فرهنگستان علوم می‌افزاید: «من بحثم را بر این اساس قرار داده‌ام که اقوام جهان همواره یک خلق ثابت ندارند یعنی نه همیشه اخلاقیند و نه به کلی بیگانه با اخلاقند. از زمان رنسانس به تدریج این تلقی در غرب جدید به وجود آمد و قوت گرفت که یک گوشه جهان متعلق به مردمی خردمند و دانا و درستکار است و مردم دیگر مناطق جهان بیخردان و نادانان و بی‌پروایان به اخلاقند. این تلقی دامن ما را هم گرفت و بسیاری از اروپاییان گفتند که ایرانیها (و به طور کلی شرقی‌ها) اهل خرد و دانایی و اخلاق نیستند. کسانی از ایرانیان و شرقیان هم این رأی را پذیرفتند و تکرار کردند. چنانکه در کشور ما از دهه چهل هجری قمری که سکوت وحشتناک بعد از ۲۸ مرداد ۳۲ شکسته شد حتی بعضی از ایران‌دوستان خیرخواهان کشور و مردم به توجیه ضعف‌ها و بدی‌ها و کج رفتاری‌ها و ندانم‌کاری‌های ایرانیان پرداختند و این صفات را راسخ در جان اقوام ایرانی و میراث تاریخی آنها دانستند و این بیشتر بر اثر تأثیری بود که منورالفکرهای اروپایی و بخصوص شرق‌شناسان در فکر و رأی مردم همه مناطق جهان گذاشته بودند».

داوری اردکانی با توجه به این مطلب می‌نویسد: «در این نوشته کوشش شده است که بی‌اساس بودن این قول که بوی نژادپرستی می‌دهد نشان داده شود. ما اگر در زمان‌هایی گرفتار بداخلاقی و بی‌اخلاقی بوده‌ایم و شده‌ایم و اکنون نیز مبتلا هستیم، این ابتلا و گرفتاری زمانی و تاریخی است و ضرورتاً دوام ندارد. پس می‌توان تأمل کرد که چگونه می‌توان و باید از آن خارج شد. تأکید بر اینکه داشتن علم و زندگی و سیاست درست موقوف و موکول به پایبندی به اصل تکلیف و مسئولیت است، به این منظور بوده است که اقوام در ذات خود صاحب خرد و بی‌خرد و اخلاقی و بی‌پروا به اخلاق نیستند و اگر مردمی دچار بی‌خردی و لالایی‌گری بشوند همواره در این بلا

نمی‌مانند و با تذکر و خودآگاهی می‌توانند از آن نجات یابند. اکنون هم به فساد گسترش‌یافته تسلیم نباید شد زیرا با این تسلیم فساد در همه جا و همه چیز نفوذ می‌کند و چه بسا که سودای تصرف همه چیز و همه جا را داشته باشد. حکومت و دولت اگر بتوانند به این خودآگاهی برسند و بخواهند که کشور را از فساد نجات دهند از عهده این مهم برمی‌آیند. مشکل اینست که حجاب‌های غفلت سخت شده است. حکومت و دولت هم آسایش در حجاب بی‌خبری و غفلت را بر درد هشیاری و خودآگاهی ترجیح می‌دهند. در این گزارش همه جا اخلاق نه مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها بلکه به عنوان درد وجدان وره‌آموز نیکی و دانایی منظور بوده است».

کتاب «اخلاق در زندگی کنونی» ۴ بخش دارد و هرکدام از بخش‌ها، مشتمل بر چند فصل است. بخش اول به «بحران اخلاقی معاصر و وضع اخلاق در جهان» اختصاص دارد و بخش دوم شامل «نظری اجمالی به اخلاق در تاریخ ایران» است. بخش سوم «اخلاق کنونی از کجا آمده است؟» عنوان دارد و در بخش آخر به «نسبت تاریخی میان علم و اخلاق» پرداخته شده است. در پایان کتاب نیز فهرست بعضی از منابع آمده است.

این کتاب در سال ۱۳۹۹ در ۴۱۷ صفحه توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.

ناسیونالیسم، ملت و ملیت

اثر دکتر رضا داوری اردکانی

«ناسیونالیسم، ملت و ملیت» عنوان کتاب جدید آقای دکتر رضا داوری اردکانی استاد فلسفه و رئیس فرهنگستان علوم است که در سال ۱۴۰۰ توسط انتشارات نقد فرهنگ به چاپ رسیده و روانه بازار نشر شده است.

این کتاب در حقیقت حاصل یکی شدن دو اثری است که قبلاً با عناوین «ناسیونالیسم، استقلال و حاکمیت ملی» (در سال ۱۳۶۴) و «ناسیونالیسم و انقلاب» (در سال ۱۳۶۵) منتشر شده‌اند. داوری اردکانی در چاپ جدید، مقدمه‌ای مفصل بر کتاب نگاشته و در این مقدمه، آثاری را که در طول دوره زندگی از جوانی تاکنون نوشته است، به سه دوره تقسیم کرده و درباره آنها توضیح داده است. دکتر داوری در بخشی از مقدمه می‌نویسد: در طی سی و چند سالی که از چاپ و انتشار این کتاب می‌گذرد، کسانی بدون اینکه به کلیت مطالب آن توجه کنند، بعضی عبارات آن را فهمیده و نفهمیده و گاهی به صورت تحریف شده نقل کرده و آن را مایه نزاع‌های شبه‌علمی کرده‌اند. در تاریخ معاصر ما اختلاف نظرهای و تفاوت در تلقی‌ها و دیدگاه‌های نظری کم نبوده است و چه بسا نویسندگان و صاحبان علائق سیاسی خاص، مخالفان خود را با تعریض نفی کرده‌اند... ولی در زمان ما متأسفانه قضیه صورت دیگری پیدا کرده است و ظاهراً بعضی کسان دوست می‌دارند و عادت کرده‌اند، که به نام نقد آراء، زبان به بدگویی نویسندگان بگشایند و حتی از گفتن سخن زشت پروا نداشته باشند. من اکنون قصد پاسخگویی به کسانی که سخن مرا از متن بیرون آورده و آن را تحریف کرده و به هیاهو درباره آن پرداخته‌اند، ندارم اما می‌دانم و همه کس هم می‌دانند که جعل سخن و تحقیر و توهین به نویسندگان، طریق اهل علم و فضل و فضیلت و نجابت نیست و حیف است اگر کسانی می‌توانند فاضل و دانشمند باشند، به قول سعدی «در پوستین خلق افتند».



آفاق حقیقت در سپهر شریعت

گفتگو با دکتر سیدمصطفی محقق داماد



کتاب «آفاق حقیقت در سپهر شریعت» شامل گفتگو با آیت الله آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم است که در سال ۱۴۰۰ توسط انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است.

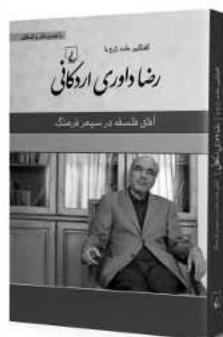
آقای حامد زارع نویسنده و تدوین گر کتاب، در قالبی مشابه از سال ۱۳۹۳ چاپ کتاب های گفتگو با چهره های فلسفه را با همکاری انتشارات ققنوس در دستور کار قرار داده و به ترتیب کتاب های «آفاق حکمت

در سپهر سنت» (گفتگو با سیدحسین نصر) در سال ۹۳، «آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ» (گفتگو با رضا داوری اردکانی) در سال ۹۵، «آفاق معرفت در سپهر معنویت» (گفتگو با غلامحسین ابراهیمی دینانی) در سال ۹۶ و «آفاق فکرت در سپهر فطرت» (گفتگو با غلامرضا اعوانی) را در سال ۹۸ منتشر کرده است. آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد متولد سال ۱۳۲۴، مجتهد، حقوقدان، عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه شهید بهشتی است. حامد زارع، دکتر محقق داماد را از جمله مجتهدانی معرفی می کند که تأملاتش محصور در مکاسب و کفایه نیست بلکه با شکست حصر محافظه کارانه، ما به ازای سیاسی و اجتماعی تفاسیر فقهی خود را با صدای بلند و با ادله روشن و مبرهن اعلام می کند. زارع در کتاب «آفاق حقیقت در سپهر شریعت» نتیجه چند سال مرادده، مکاتبه و مصاحبه با استاد محقق داماد را منتشر کرده است. این کتاب ۶ فصل اصلی دارد که به ترتیب عبارت اند از: «زندگی و کارنامه فکری»، «فقه و اصول»، «تاریخ اندیشه»، «اندیشه معاصر»، «فلسفه اسلامی» و «معارف دینی». به جز این فصول، «مقدمه» به قلم زارع، «درباره سیدمصطفی محقق داماد» نوشته آقای دکتر رسول جعفریان و «پیشگفتار» به قلم آقای دکتر محقق داماد، از دیگر بخش های این کتاب هستند.

چاپ دوم کتاب

آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ

با تجدید نظر و اضافات



کتاب «آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ» شامل گفتگو با آقای دکتر رضا داوری اردکانی عضو پیوسته و رئیس فرهنگستان علوم و استاد فلسفه دانشگاه تهران در سال ۱۴۰۰ با تجدیدنظر و اضافات از سوی انتشارات ققنوس تجدید چاپ شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است.

چاپ اول این کتاب فروردین ماه ۱۳۹۵ منتشر شد و یکی از عناوین مجموعه گفتگوهای فلسفی آقای حامد

زارع با چهره های فلسفه و حکمت و معرفت است. زارع برای چاپ دوم این کتاب، مقدمه ای نوشته و توضیحاتی درباره نظریات و آراء داوری اردکانی ارائه کرده است. او در این مقدمه دکتر رضا داوری اردکانی را فیلسوفی معرفی می کند که سالهاست می خواند و می نویسد و معتقد است داوری اگرچه از فارابی تا هایدگرو همچنین از فلسفه اسلامی تا فلسفه آلمانی را در طی طریق پنجاه ساله خود اجتهاد کرده، اینک بیش از آنکه فیلسوفی کلاسیک باشد مجتهدی خبره در علوم اجتماعی است و درست به همین دلیل است که در بیست سال اخیر بیش از آنکه در کار تمجید عقل مجرد باشد، در کار تمهید شرایط بسط عقلانیت در جامعه بوده است.

حامد زارع یادآور می شود که داوری اردکانی در دهه اخیر صریح تر از هر زمان دیگری سخن می گوید. او در مصاحبه ها، سخنرانی ها، گفتارها و

همچنین در مقالات ده سال اخیر خود بارها درباره علم، برنامه‌ریزی برای توسعه علم، موانع رشد علم، امکان و امتناع تولید علم و از همه مهم‌تر امکانات و مخاطرات بحث درباره توسعه نیافتگی سخن به میان آورده است.

اکنون این دفتر با افزودن دو مصاحبه و یک مقدمه تازه از سوی استاد داوری اردکانی و همچنین با اصلاحات و تجدیدنظرهای ویرایشی برای بار دوم تجدید چاپ شده است. آقای دکتر داوری اردکانی نیز در پیشگفتاری بر چاپ دوم این اثر به برخی از انتقاداتی که درباره او مطرح شده، پاسخ می‌دهد و می‌نویسد: «از اینکه هنوز در آغاز راه علوم انسانی قرار داریم و بعضی از مبتدیان دعوی‌های بیهوده‌ای دارند و این دعوی‌ها احیاناً مهم تلقی می‌شود نمی‌توان خشنود بود و تأسف نخورد، اما خوشوقتم که نشانه‌های تذکر و توجه در بعضی نوشته‌ها و گفته‌های نویسندگان جوان پیدا شده و جامعه علمی ما کمتر به بیهودگی نزاع‌های رایج توجه می‌کند و حتی دارد کم کم می‌پرسد که چه داشته‌ایم و چه کرده‌ایم و چه می‌توانیم بکنیم و باید بکنیم و هم اکنون در کدام راهیم و به کجا می‌رویم...».

کتاب «آفاق فلسفه در سپهر فرهنگ»، ۶ فصل دارد که عناوینشان به ترتیب عبارت است از: طرحی از زندگی فکری، اندیشه در ایران، علم در ایران، منورالفکری ایرانی، تفکر فلسفی، حاشیه‌های زیست فرهنگی. مخاطبان در فصول این کتاب می‌توانند با موضوعاتی چون هویت‌اندیشی، انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی، پست مدرنیسم، روشنفکری دینی، گفتمان فکری شریعتی، مطهری و سیدحسین نصر، گفتمان فکری رضا داوری اردکانی، تاریخ تفکر و امکان‌های آینده ما، فلسفه اسلامی در ایران زمین، سرنوشت فلسفه در مغرب جهان اسلام، مدینه فاضله و نسبت آن با او تویی، وجوه سیاسی و پژوهشی روشنفکری دینی و ... آشنا شوند.

تجدید چاپ کتاب

فلسفه، سیاست و خشونت

چاپ چهارم کتاب «فلسفه، سیاست و خشونت» در سال ۱۴۰۰ توسط انتشارات هرمس منتشر و روانه بازار شده است. کتاب حاضر یکی از آثار برجسته آقای دکتر رضا داوری اردکانی فیلسوف معاصر و رئیس فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران است که به شکل گفتگو نوشته شده و در حقیقت گفت و شنودی به شیوه نوشته‌های افلاطونی است. با این تفاوت که در آن هویت پرسشگر به دلایلی که نگارنده در «تمهید» بیان کرده، آشکار نشده است. تفاوت دیگر آنجاست که در این کتاب دکتر داوری اردکانی از «خود» می‌پرسد و به گونه‌ای به درخودنگری و تأمل روی می‌آورد؛ آن هم نه در باب موضوعات انتزاعی فلسفه چون هستی و مثال و کلی، بلکه در باب جنجالی‌ترین بحث‌های رایج

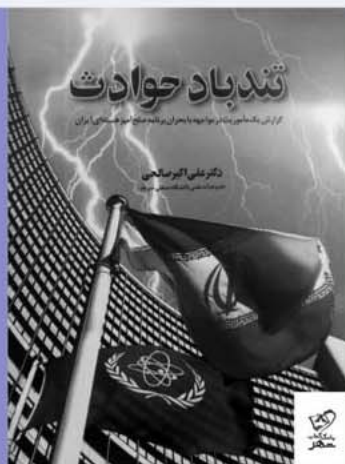
چون: خشونت، سیاست، افلاطون، هایدگر، لیبرالیسم، فاشیسم، فروید، پوپر، روشنفکری، خرد توسعه، عقل انتقادی و ... داوری اردکانی در این کتاب سعی می‌کند به این اتهام که برخی فلسفه‌ها خشونت را توجیه می‌کنند پاسخ دهد.

کتاب «فلسفه، سیاست و خشونت» برای نخستین بار در سال ۱۳۸۵ توسط انتشارات هرمس منتشر شده و در سال ۱۴۰۰ به چاپ چهارم رسیده است. کتاب در دوازده مجلس گفت و شنود، به نسبت میان فلسفه و خشونت و نقش میانجی سیاست در این میان می‌پردازد.

نویسنده کتاب، فلسفه را سخن ناپهنگام می‌داند و معتقد است که زبان نقادانه فلسفه با زبان سیاست و علم تفاوت بنیادی دارد و احکام این دو را نباید با یکدیگر خلط کرد، از سویی نباید از فلسفه انتظارات بی‌جا و زیاده از توان داشت. داوری می‌گوید: در فلسفه حقیقی شأن آزادی حفظ می‌شود، اما فلسفه‌ای که دنباله‌روی سیاست شود، فلسفه نیست بلکه ایدئولوژی است.



کتاب



تندباد حوادث

اثر دکتر علی اکبر صالحی

انتشارات اطلاعات، شهریور ۱۴۰۰

کتاب «تندباد حوادث» گزارش یک مأموریت در مواجهه با بحران برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران است که به قلم آقای دکتر علی اکبر صالحی عضو وابسته و معاون پژوهشی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه صنعتی شریف به زیور طبع آراسته شده است.

این کتاب در حقیقت گزارش تکاپوی خلاقانه دکتر صالحی در مقام نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ است. ایشان در موقعیتی خطیر با طرح بحث فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران در این نهاد ناظر بین‌المللی روبرو شد، اما مسئولانه کوشید برای اجتناب از سربار شدن یک موضوع کاملاً سیاسی بر روند امور جاری ساختاری یک سازمان فنی-بین‌المللی، آن هم به ویژه پس از رویدادهای عراق که زمینه بروز یک فاجعه را فراهم آورده بود، گام بردارد.

دکتر صالحی در این مقام و با تسلط عمیق بر مباحث تخصصی-علمی و روابط عمومی قوی شخصی اهتمام کرد تا مانع از شتاب روند امور در ساختارهای اداری-حقوقی پیچیده و کاملاً فنی آژانس شود. در کوران آن تندباد سخت، نمایندگی کوچک ایران با جمعی محدود از کارشناسان زیر نظر دکتر علی اکبر صالحی مسیری را برگزید تا در خط مقدم مقاومت علیه اغواگری و دروغ‌پردازی رسانه‌ها و بدخواهان، منافع حداکثری ملت ایران را تأمین و تضمین کند.

این کتاب علاوه بر مقدمه نویسنده، مشتمل بر ۸ فصل است. فصل اول به آغاز مأموریت در وین اختصاص دارد و فصل دوم در خصوص آغاز پرونده‌سازی علیه برنامه هسته‌ای ایران است. در فصل سوم به تلاش برای ایجاد جنبش غیرمتعهدهای شاخه وین و دلایل اهمیت ایجاد این جنبش پرداخته می‌شود. فصل چهارم به شورای حکام در ماه ژوئن و قرارگیری برنامه هسته‌ای ایران در دستور کار شورا اختصاص دارد و فصل پنجم به شورای حکام ماه سپتامبر می‌پردازد. فصل ششم درباره تحولات مهم میان دو اجلاس شورای حکام ماه سپتامبر و نوامبر و فصل هفتم در رابطه با شورای حکام ماه نوامبر است. فصل هشتم کتاب نیز مختص تحولات بعدی است. در این فصل به ارزیابی مواضع آمریکایی‌ها در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران؛ تلاش آمریکایی‌ها جهت انصراف اروپایی‌ها از مذاکره با جمهوری اسلامی ایران؛ شورای حکام مارس ۲۰۰۴ پرداخته می‌شود و ادامه فصل به بررسی اقدامات بعدی و پیش‌بینی تحولات آینده اختصاص دارد.

در انتهای این فصل نویسنده اظهار می‌دارد که می‌توان ادعا کرد از آغاز تمام این غوغاگری‌ها بر اساس برنامه‌ریزی منظمی بوده که آمریکایی‌ها به همراهی برخی از کشورهای غربی برای تنگ کردن حلقه فشار بر جمهوری اسلامی ایران از زمان پیروزی انقلاب اسلامی اعمال کردند که در نهایت به بین‌المللی کردن تحریم‌های بسیار گسترده سیاسی و اقتصادی از طریق شورای امنیت علیه ایران انجامید که از نظر سیاسی عملاً در حیطه نفوذ آمریکا قرار دارد.

کتاب «تندباد حوادث» در شهریور ۱۴۰۰ از سوی انتشارات اطلاعات در ۳۵۸ صفحه منتشر شده است.





جستارهایی در فیزیک معاصر

اثر دکتر مهدی گلشنی^۱

معرفی کتاب: دکتر احمد کتابی^۲

چاپ اول: ۱۳۹۹، نشر علم، ۲۳۴ صفحه

استاد دکتر مهدی گلشنی به‌رغم ناتوانی‌های ناشی از بیماری و با وجود مصیبت جانسوزی که چندی پیش برایشان پیش آمد، همچنان با پشتکاری استثنائی و شور و اشتیاقی شایان تحسین به فعالیت‌های علمی پرتیر و سازنده خود، چه در حوزه تعلیم و راهنمایی دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکتری و چه در زمینه تألیف و تصنیف، ادامه می‌دهند تا آنجا که در یک سال اخیر، افزون بر مقالات و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های متعدد، به تألیف دو کتاب علمی ارزنده همت گماشته‌اند که عنوان نخستین کتاب «علم و شبه‌علم^۳» است و دومین کتاب که جلدش به تصویر عالمانه استاد مزین شده است، «جستارهایی در فیزیک معاصر» نام دارد. این کتاب کم‌حجم و پرمحتوا حاوی جریانات فکری بنیادینی است که در حوزه دانش فیزیک طی قرون اخیر، به‌ویژه در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، پدید آمده و منشأ دگرگونی‌هایی اساسی در علوم پایه شده است.

کتاب مورد بررسی، صرف‌نظر از پیشگفتار محققانه مؤلف، حاوی ۸ فصل با زیرمجموعه‌هایی (به شرح مندرج در پیرانتزها) است، با این توضیح که هر فصل دارای مأخذشناسی جداگانه مفصل و روزآمدی از منابع انگلیسی و نشانی وب‌سایت‌هاست. اینک فهرست فصول کتاب:

- ۱- چالش‌های فلسفی نظریه کوانتوم استاندارد (شامل: مقدمه، نقد ابعاد فلسفی تعبیر کپنهاگی نظریه کوانتوم، منابع)
- ۲- آیا معضل موج - ذره حل شده است؟ (مشمول بر: نظریه میدان‌های کوانتومی، آیا نظریه میدان‌های کوانتومی معضل موج - ذره را حل می‌کند؟ نتیجه‌گیری، منابع)
- ۳- توفیقات و چالش‌های بنیادی در فیزیک معاصر (شامل: مروری بر سرگذشت فیزیک قبل از تکیون نظریه کوانتوم و مدل استاندارد ذرات، تحولات در کیهان‌شناسی، ایده‌های کلیدی و چالش‌ها، منابع)
- ۴- احیای توجه فیزیکدانان به فلسفه از اواخر قرن بیستم (مشمول بر: مقدمه، رابطه تجربه، اصول و نظریه‌ها، تضعیف فلسفه در محیط‌های علمی، تغییر وضعیت به نفع فلسفه در دهه‌های اخیر، شواهد احیای فلسفه در بعضی محیط‌های علمی، جمع‌بندی وضعیت فلسفه در فیزیک در غرب و در ایران، منابع)
- ۵- از ایزارانگاری تا فیزیک بنیادی: ضرورت فیزیک بنیادی برای پیشرفت فیزیک (مشمول بر: فیزیک بنیادی و احیای آن در دهه‌های اخیر، تکاپوهای اخیر در فیزیک بنیادی، جمع‌بندی، منابع)
- ۶- تفحصی در چند مفهوم بنیادی فیزیک (شامل: مقدمه، ماده و انرژی، تحول در مفهوم نیرو، ذرات بنیادی، نظر فیزیکدانان و فیلسوفان معاصر، جمع‌بندی و منابع)
- ۷- ضرورت انقلاب در حوزه‌های کوانتوم و کیهان‌شناسی (مشمول بر: مقدمه، ایرادهای فلسفی وارد بر نظریه کوانتوم استاندارد، معضلات فیزیکی نظریه کوانتوم، معضلات کیهان‌شناسی، چند مسأله چالش‌برانگیز دیگر، تأملات فلسفی در کیهان‌شناسی، محدودیت‌های کیهان‌شناسی، دخالت صریح فلسفه، بعضی معضلات فلسفی کیهان‌شناسی، انقلاب در فیزیک، منابع)

۱ - عضو پیوسته فرهنگستان علوم، استاد فیزیک و فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف

۲ - استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳ - این کتاب با همکاری آقایان دکتر محمد جمالی و دکتر مرتضی خطیری نگاشته شده و نشر علم آن را در سال ۱۳۹۹ چاپ کرده است. راقم این سطور نیز توفیق آن را یافت که به معرفی آن در روزنامه اطلاعات بپردازد.

۱- چرا در حالی که برخی از سرآمدان فیزیک معاصر نظیر «پلانک»، «انیشیتین»، «واینبرگ» و «وتین» غرض از تعقیب فیزیک را فهم جهان طبیعت دانسته‌اند، غالب فیزیکدانان این هدف را دنبال نمی‌کنند و صرفاً از فیزیک به عنوان ابزار پیش‌بینی و سواری گرفتن از طبیعت استفاده می‌کنند؟

۲- چرا در حالی که در برخی دانشگاه‌های مهم غرب مباحثه و تعامل بین فلاسفه و فیزیکدانان و کیهان‌شناسان به راه افتاده است، در محیط ما این نسیم مثبت نادیده گرفته شده است؟

۸- نقدی بر جریان فعلی فیزیک در ایران (شامل: دلایل کسب علوم طبیعت، طبقه‌بندی دانشمندان علوم فیزیکی، حاکمیت یک دیدگاه ابزارانگارانه بر فیزیکدانان کوانتومی وضعیت فعلی فیزیک در ایران، منابع)

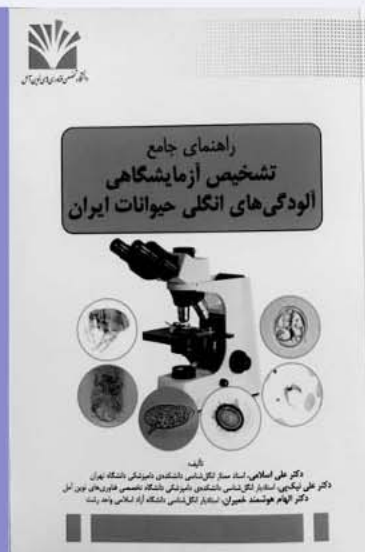
در پایان بی‌مناسبت نمی‌داند، به عنوان حسن ختام، سؤالاتی را که مؤلف در پشت جلد مطرح کرده‌اند، به محضر دانش پژوهان به‌ویژه در حوزه علوم پایه تقدیم دارد. باشد که برای آنها پاسخ‌هایی درخور و شایسته بیابند:

راهنمای جامع

تشخیص آزمایشگاهی آلودگی‌های انگلی حیوانات ایران

تألیف: دکتر علی اسلامی^۱، دکتر علی نیک‌پی^۲ و دکتر الهام هوشمند خمیران^۳

انتشارات: دانشگاه تخصصی فناوری‌های نوین آمل



نتایج تحقیقات محققان درباره انگل‌ها و بیماری‌های انگلی حیوانات اهلی و وحشی در اقلیم‌های مختلف به دلیل آلودگی محیط و نقش آنها در ایجاد بیماری و سایر گونه‌ها حائز اهمیت فراوانی است. تماس انسان با حیوانات مختلف در اقلیم‌های متفاوت باعث انتقال تعداد زیادی بیماری مشترک از جمله بیماری‌های انگلی می‌شود که تعداد آنها روز به روز در حال افزایش است. به طور کلی بیشتر بیماری‌های انگلی حیوانات که مشترک با انسان هستند، تحت درمانگاهی بوده و تشخیص آزمایشگاهی به موقع آنها برای درمان، کنترل و پیشگیری لازم و ضروری است.

کتاب حاضر با عنوان راهنمای جامع تشخیص آزمایشگاهی انگل‌های داخلی و خارجی حیوانات ایران براساس آخرین اطلاعات منتشرشده، تألیف شده است. این کتاب مشتمل بر ۶ فصل است. فصل اول شامل مواد و روش‌های مورد استفاده در آزمایشگاه‌های انگل‌شناسی و فصل‌های بعدی به ترتیب شامل آلودگی‌های انگلی نشخوارکنندگان، تک‌سمی‌ها، گوشتخواران، جوندگان و حیوانات آزمایشگاهی و پرندگان ایران است. در این فصل‌ها به صورت اختصاصی تشخیص تخم‌های نماتودها، سستودها و ترماتودهای گوارشی، کبدی، عروقی، کشت برای جداکردن نوزادهای ریوی، روش‌های مختلف آزمایش خون برای جستجوی تک‌یاخته‌ها و میکروفیلرهای خونی، آزمایش بافت‌ها برای جستجوی تک‌یاخته‌های بافتی و جستجو و تشخیص انگل‌های خارجی میزبانان اختصاصی آنها توضیح داده می‌شود.

در این کتاب تازه‌ترین عکس‌ها همراه با زیرنویس و مشخصات آنها برای تکنسین‌های آزمایشگاه‌ها و سایر علاقه‌مندان آورده شده است.

تألیف این کتاب با این امید و نیت صورت گرفته تا نوشته‌ای جامع درباره جستجو و تشخیص اجرام انگلی حیوانات ایران را فراهم آورد و بدینوسیله به تشخیص به موقع در میزبان زنده، درمان آلودگی‌ها و بیماری‌های مربوط به آن و کنترل و پیشگیری از آنها کمک کند.

۱- استاد ممتاز انگل‌شناسی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، عضو پیوسته فرهنگستان علوم

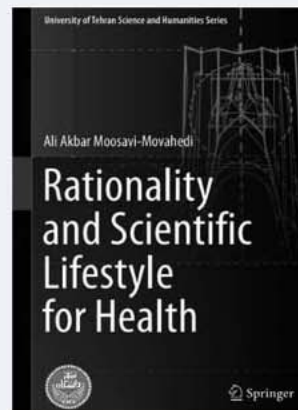
۲- استادیار انگل‌شناسی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تخصصی فناوری‌های نوین آمل

۳- استادیار انگل‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد رشت

عقلانیت، سبک زندگی، علم برای سلامت

اثر: دکتر علی اکبر موسوی موحدی و همکاران

انتشارات: اشپرنگر، دانشگاه تهران، زبان: انگلیسی، تیرماه ۱۴۰۰



کتاب «عقلانیت، سبک زندگی، علم برای سلامت» توسط آقای دکتر علی اکبر موسوی موحدی عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران با همکاری سایر محققان نگارش یافته و به زبان انگلیسی توسط انتشارات اشپرنگر و انتشارات دانشگاه تهران در تیرماه ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است. این کتاب به دوستان دانایی، خرد، علم و اخلاق تقدیم شده است. همچنین انتشارات اشپرنگر درخواست کرده است که این کتاب علاوه بر اندازه مرسوم کتاب‌های علمی به صورت کتاب

جیبی نیز برای استفاده در محیط‌های عمومی برای مردم چاپ شود. در این کتاب سعی شده است که علم با عقل و شیوه زندگی پیوند داده شود تا ناهنجاری‌های فناوری تحت کنترل عقلانیت قرار گیرد. در گذشته، دانشمندان، علم را با توجه فراوان به انسانیت کشف کرده و توسعه داده‌اند، اما امروزه سهم قابل توجهی از فناوری‌ها ناهنجار هستند و برای دریافت درآمدهای بزرگ، بدون در نظر گرفتن توسعه پایدار ایجاد شده‌اند که موجب ایجاد بیماری‌های صنعتی، اختلالات روانی و عدم آرامش برای بشریت شده است. این کتاب موضوعاتی را مطرح می‌کند که علم با عقلانیت و سبک زندگی متعادل پشتیبانی می‌شود و علم با اخلاق آغشته شده تا اثربخشی علم را برای جامعه بشری ارتقاء دهد.

این کتاب نه تنها علم و روش را معرفی می‌کند، بلکه دانش را به عنوان ترکیبی از علوم ماورایی، علوم پیرامونی (نه فقط سیستمی)، تجربه انسان، وجدان، تخیل و الهام قوی، شبکه داده‌ها و اطلاعات علمی معرفی می‌کند. در حقیقت، علم در وجود انسان غنی شده است (علم واقعی = دانشمند) که می‌تواند بهتر از داده‌ها و اطلاعات برای تصمیم‌گیری درست استفاده شود. بر اساس بلوغ، تفکر و خرد دانشمند، علم نتیجه می‌دهد و توسعه می‌یابد. علم گستره وسیعی از پژوهش‌ها را شامل می‌شود. اما پژوهش دارای جایگاه باریکی است که نقاط را ایجاد می‌کند، اما علم یکپارچه است و نقاط را به هم متصل می‌کند تا معنای واقعی را آشکار کند. نکته مهم در حوزه علم این است که انسان می‌تواند تجزیه و تحلیل درست را انجام دهد و تصمیم درست را بگیرد. این کتاب برای سلامتی و رفاه واقعی مردم نوشته شده است تا هر کس بتواند به رفاه واقعی رهنمون شود. این کتاب بیان می‌کند که انسان برای سلامتی خود می‌باید دوستدار طبیعت باشد و تا آنجا که ممکن است تعادل فطرت با طبیعت را حفظ نماید. رهنمود این است: اگر طبیعت را نامتعادل نکنید تعادل شما نیز مختل نخواهد شد. بهترین و سالم‌ترین حالت برای انسان این است که در زندگی طبیعت تعادل برقرار کند تا بیمار نشود.

این کتاب مواد غذایی فراسودمند و آنتی اکسیدان‌ها را معرفی کرده و بیان می‌دارد که مولکول‌های طبیعی که از سخاوت طبیعت گرفته شده‌اند، می‌توانند بهترین غذا را برای انسان باشند. در این کتاب، معنای مولکولی استرس با معنی رادیکال‌های آزاد نامتعادل در بدن تعریف شده است. اکثر بیماری‌ها، به ویژه دیابت نوع ۲، که بیشتر بیماران دیابتی به آن دچار هستند، به واسطه رادیکال‌های آزاد نامتعادل در بدن ایجاد می‌شوند. شواهد علمی ما نشان می‌دهد که دیابت نوع ۲ فقط بیماری قند نیست، بلکه بیماری استرس است. در این کتاب با در نظر گرفتن سلامتی، شیوه زندگی سالم تر تشریح شده است و در نهایت بیان می‌کند که خواب خوب، اصل سلامت و شادابی انسان است که چگونه استرس و رادیکال‌های آزاد نامتعادل را از انسان دفع می‌نماید. این کتاب در ۱۰ فصل تألیف شده است: فلسفه فضیلت طبیعت، انسان و سلامت طبیعی، زیست الگو و الهام زیستی در سبک زندگی، سخاوت طبیعت در حفاظت از سلامت انسان، تنوع زیستی و رویکرد کشف دارو در طب طبیعی، غذا دارو و غذای فراسودمند، ادویه جات به عنوان داروهای سنتی: مزایای علمی اثبات شده، محصولات حلال و سبک زندگی سالم، شیوه زندگی در تنظیم اختلالات دیابت، سبک زندگی سالم تر با در نظر گرفتن ابعاد روان شناختی سلامتی، خواب خوب به عنوان یک اصل مهم برای یک زندگی سالم.



کتاب